

در ۴ دهه اخیر سهم بخش مسکن از کل درآمد مالیاتی کشور یک سوم شده است

کارمندان ۵ برابر سهم مسکن مالیات می دهند

صفحه ۸



۱۳ و ۱۲

مربی! دوره‌ات تموم نشده

سریال «تدلاسو» که مخاطبان زیادی در جهان جذب کرده اهمیت اثر هنری قصه‌گورانشان می‌دهد

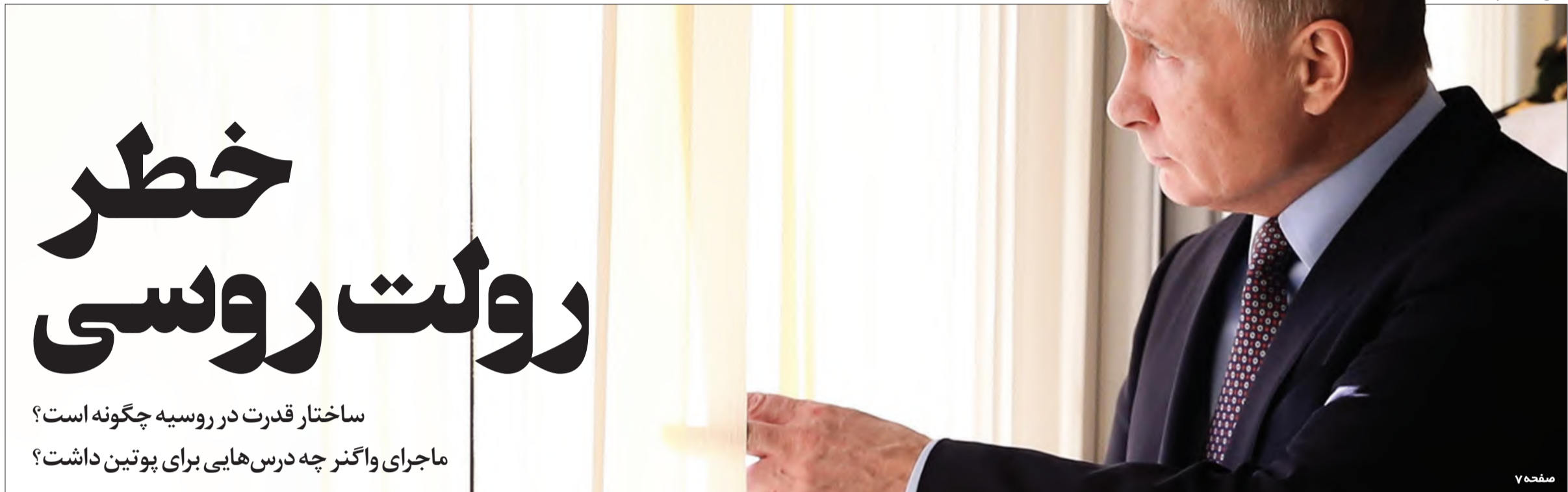
روزنامه خبری تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران
صدای نخبگان، نگاه جوانان

۱۶ صفحه
۵۰۰۰ تومان

فصل جدید را ببینید و مضمون:
روایت‌های هالی وود

شماره مسلسل ۲۶۲۶
مستفصله ۶ تیر ۱۴۰۲
۸۰۰ نسخه ۱۴۴۴
۲۲۰ زون ۲۰۲۳
شماره ۳۸۱۸

No. 3898 | 16 Pages



صفحه ۷

یادداشت تحلیلی از عباسعلی کدخدایی

نظام انتخاباتی ناکارآمد و فویبای اصلاح قانون انتخابات

۱

«فرهیختگان» از حضور دانشگاه آزاد در نمایشگاه الکامپ گزارش می‌دهد

فناوران دانشگاه آزاد در کنار برترین‌های ایران

۵، ۶

وقتی در سیاست گذاری از کف خیابان هم عقب‌تریم

عقب‌ماندگی واقعی از هوش مصنوعی

۱۶

خطر رولت روسی

ساختار قدرت در روسیه چگونه است؟

ماجرای واگنر چه درس‌هایی برای پوتین داشت؟

یادداشت - ۱

نظام انتخاباتی ناکارآمد و فویبای اصلاح قانون انتخابات

اصلاحی ولو اندک پدید آید شاید راه بر آینه‌نگار هموارتر شود. اصلاحیه جدید حاد اقلی قانون انتخابات در ضمن برخی اصلاحات دیگر یک پیش‌بینی جدیدی را برای اولین بار در نظام انتخاباتی در نظر گرفته که شیوه مرسوم اکثریتی را به تناسبی آن هم فعلا در تهران تغییر می‌دهد. اقدامی شجاعانه و عاقلانه که می‌توانست در صورت تصویب، بخشی از بی عدالتی‌ها را پایان داده و وزن و اعتبار افراد و گروه‌های سیاسی را ملاحظه قرار دهد؛ چرا که به جای طرد یک اقلیت ۴۹ درصدی به جذب حداکثری نامزددهای جریان‌های مختلف می‌انجامید و علاوه بر در نظر گرفتن حداکثری سابق مختلف منجر به مشارکت بیشتر مردم نیز می‌شد. با کمال تأسف به همان دلایل پیش گفته، گروهی به دلایل سیاسی و ترس از عدم رأی آوری (شخصی - گروهی) با این طرح مخالفت کرده و البته برخی سیاسیون نیز با تعابیر نچندان شایسته از آن یاد کردند.

گروهی نیز که عاقلانه‌تر فکر می‌کردند آن را مغایر عدالت و تبعیض‌آمیز می‌پنداشتند، در حالی که نظام تناسبی با اکثریتی در گام اول نسبت به عدالت و تبعیض خنثی هستند و هر کدام حسب اقتضا در یک جامعه سیاسی می‌تواند انتخاباتی عادلانه یا ناعادلانه را رقم زند. احراز این شرایط جامعه است که عدالت و عدم تبعیض را نسبت به این دو روش رقم می‌زند، شاهد این موضوع نیز اینک هر دو روش در کشورهای مختلف در حال اجراست و الزاما و به خودی خود از این روش هادلت و تبعیض استنباط نمی‌شود. گروه سومی نیز در حوزه اجراء به دلیل فقدان سابقه اجرایی در انتخابات دچار یک فویبای انتخاباتی شده‌اند و از این ترس موهوم حاضر به پذیرش تحول جدید نیستند و البته این ترس همچنان غلبه دارد.

حکایت این گروه همان است که شیخ اجل در حکایت هفتم از باب اول گلستان حکایت کرده است که پادشاهی با غلامی در کشتی بود و غلام دریا ندیده، گریه و زاری آغاز می‌کند و لرزه بر اندامش می‌افتد. چون از ملاطفت آرام نگرفت به پیشنهاد حکیمی غلام به دریا افکندند و پس از غوطه‌ور شدن او را به کشتی باز آوردند. چون باز آمد آرام گرفت وقتی ملک حکمت‌راز حکیم سوال نمود پاسخ شنید: چون غلام از اول محنت غرقه شدن نچسبیده بود ترس بر او غلبه داشت. و این حکایت همچنان صادق است نسبت به آنان که از ترس اجراء از اصلاح قانون انتخابات بازمانده‌اند و البته تا ابد باز خواهند ماند.

باید گفت اصلاح قانون انتخابات در گام اول نیازمند طرحی عادلانه است که فارغ از منافع گروهی و شخصی و بدون در نظر گرفتن دولت و مجلس فعلی بی‌ریزی شود. قانون انتخابات نمی‌تواند وابسته به منافع شخصی من به عنوان نماینده یا وزیر یا فلان مقام باشد باید منافع ملی در نظر گرفته شود و در گام دوم شجاعت مدیرانه در اجراء می‌طلبد که فارغ از ایرادات جزئی و تعمل در اجراء و ناآبادیده گرفتن فویبای انتخابات قاطعانه در اجراء الکوی جدید برداشت.

و انذار پایانی اینکه اگر در این دوره مجلس این اصلاحات ولو حداقلی به سرانجام نرسد در این نزدیکی هیچ اصلاحی صورت نخواهد گرفت و بیماری مزمن نظام انتخاباتی روز به روز وخیم‌تر می‌شود و آب انتخابات همچنان گل آلود باقی خواهد ماند و نارضایتی مردم گسترده‌تر شده و استمرار خواهد داشت.

عباسعلی کدخدایی
عضو حقوق‌دان شورای نگهبان

سال‌هاست که بر ناکارآمدی قانون انتخابات و به‌طور خاص نظام انتخاباتی جامع کشور با لحاظ شرایط سیاسی-اجتماعی تاکید کرده‌ام و به انحاء مختلف دولت‌ها و ادوار مختلف مجلس را ترغیب کرده تا شاید قانونی جامع، کارآمد و سازگار با شرایط امروز و در راستای تدابیر چهارگانه رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله العالی) در خصوص امنیت، سلامت، رقابت و مشارکت در انتخابات تدوین شود و کشور را از این ناهنجاری پدیدآمده به دلیل قانون ناکارآمد، نجات دهد. ناکارآمدی وضعیت انتخابات کشور آن گونه بود که حدود هفت سال قبل (۱۳۹۵/۷/۲۵) با تدابیر مقام معظم رهبری (مدظله العالی) سیاست‌های کلی انتخابات تدوین و ابلاغ شد؛ بدان امید که شاید در گام اول مجلس پیشقدم شود و قانون جامع و کارآمدی تدوین کند و در گام دوم دولت نیز بتواند با اجرای چنین قانونی اوضاع نابسامان انتخابات را سامان بخشد. اما دریغ از یک طرح یا لایحه جامع که نه مجلس در این راه قدم برداشت و نه دولت؛ اگر چه کارهای حداقلی مانند اصلاحیه فعلی قانون انتخابات انجام پذیرفت که آن هم اما حالی نزار با مخالفت‌های متعدد گروه‌های ذینفع مواجه شده و همچنان در جدال با تعارض منافع است. در هنگامی که نه دولت به فکر سامان کردن نظام انتخاباتی است و نه در مجلس اراده اکثریت بر آن است تا کار را به انجام برساند، باید این انداز به بالادست‌نشینان تکرار شود که چه نشتستاید که آب در فرودست گل آلود است و هستی دیگری می‌طلبد تا با چشم‌پسستن بر منافع احتمالی و حداقلی شخصی، منصفی یا گروهی، گلیم انتخابات را از آب گل آلود بیرون کشیم؛ چرا که فرصت‌ها چون آب در گذرند. اکنون باید فریاد زن که نظام انتخاباتی از بیماری مزمن رنج می‌برد و تا زمانی که معالجه نشود بر وسعت و شدت بیماری اضافه می‌شود. همیشه در فصل انتخابات‌های هوی بسیاری بلند می‌شود که چه نشتستاید که انتخابات مهندسی شده، شایستگان از ورود به مجلس باز مانده‌اند و نظارت شورای نگهبان چه بر سر ما آورده است! اما آیا یک بار سوال شده که برای حل این شبهات چه باید کرد؟ گام اول قطعاً اصلاح قانون است که علی‌رغم ابلاغ سیاست‌های کلی سال‌هاست به تعویق افتاده و هر از گاهی نیز می‌طلبد که فارغ از منافع شخصی و شخصی و بدون در نظر اکنون مجلس فعلی علی‌رغم مخالفت‌های درون و بیرون این نهاد به یک اصلاح حداقلی قانون انتخابات رأی داده که باید گفت هم اقدامی دیر هنگام است و هم تلاشی حداقلی، لیکن باید آن را غنیمت شمرد. ششاید این حداقل بتواند دیوار بلند بی‌اعتمادی و ترس موهوم از قانون جدید انتخابات را بشکند. باید دل به دریا زد و حتی اگر لازم شد یکبار به قیمت اقدام علیه خود دست از منافع احتمالی شخصی برکشید و اجازه داد روش جدیدی که می‌تواند برخی از اشکالات را مرتفع سازد، تجربه شود. نباید به پنهان‌نمی‌دانم چه خواهد شد، احتمالاً من با گروه من رأی نخواهد آورد و مشکلات اجرایی احتمالی با دلیل روزه‌رفتن شدن در رقابت‌های انتخاباتی، سسدر را خیر عمومی شویم و اجازه دهیم

یادداشت - ۲

زامبی‌سازی منتقدان؛ از روحانی تا یک گروه لطیف

محمد زعیمازاده
چانشین سر‌دبیر

رئیس جمهور سابق از یک تکنیک روانی آشنا در مواجهه با منتقدان استفاده می‌کرد که در نوع خودش قابل تأمل بود؛ تکنیک زامبی‌سازی از منتقدان و بعد فحش دادن به آنها، مثلاً می‌گفت کسانی که دوست دارند ایران تحریم باشد باید به فلان جا بروند یا کسانی که می‌خواهند در پیاده‌روها خیابان یکسند زامبی‌اندو... گزاره‌هایی که ضمیرش هیچ مرجع واقعی‌ای نداشت، فقط عالی‌جناب دوست داشت صفاتی را به منتقدانش بچسباند و آنها را بنوازد. احتمالاً زامبی‌سازی قبلیش هم برای راحت کردن خیال و خلاصی از عذاب وجدان بوده است. حالا دوسالی می‌شود که حسن روحانی در قدرت نیست اما ظاهراً این عادات او زیر زبان برخی اهالی قدرت حساسی مژه زده است. خیلی راه دور نروید، نمونه متاخر ماجرای لشکر ابرهه خواندن منتقدان مدیریت صداوسیما را می‌گویم؛ فحشی که با اتهام اخذ پول کیفیت تکمیل شد. حالا کلیدواژه زامبی‌سازی جدید چیست؟ مخالفت با قانون، کدام قانون؟ نظارت بر شبکه نمایش خانگی؟ اما آیا واقعا منتقدان با قانون مشکل دارند یا این یک آدرس غلط برای پروژه زامبی‌سازی است؟ کسی هست که با قانون مشکل داشته باشد؟ اصل وجود پروتکل برای نظارت بر یک محصول فرهنگی یک اصل بدیهی است که حتی در لیبرال‌ترین کشورها هم انجام می‌شود. بعید است کسی با قانون نظارت بر شبکه نمایش خانگی مشکل داشته باشد، حتی می‌توان برای اینکه این ناظر باید یک نهاد حاکمیتی مثل صداوسیما باشد هم استدلال آورد، احتمالاً خود تولید کنندگان آثار نیز موافقتی که این ناظر یک نهاد حاکمیتی باشد که ثبات دارد و با هر رفت‌وآمدی سیاست‌هایش تغییر نمی‌کند، پس این نگرانی‌ها از کجا می‌آید؟ نقدها به اصل نهاد حاکمیتی است یا به سیاست‌های کارگزاران فعلی‌اش؟ مسأله قانون است یا نگاه خسته و بسته‌ای که می‌خواهد همه تولید رسانه‌ای را فراقی کند؟ رسانه عمومی و ملی باید خاستگاه استدلال ملی و یک عقل عمومی باشد؛ استدلالی که بتواند به شکل حداکثری قانع‌کننده باشد و این عقل عمومی باید حاکم بر ساختار، کارگزار و سیاست‌ها و روند‌های رسانه ملی باشد. اما آیا رسانه ملی ما در چنین وضعی قرار دارد؟ به همین مثال ابرهه برگردیم که خودش یک مطالعه موردی خوب است، که نویسنده غوغا کرده است و بحر را در کوزه‌ای گنجانده و همه وجوه نگاه به منتقدان را در یک کلمه آورده. فرض اصلا عده‌ای در سطوح مختلف استدلالی از ایده تا اجراء منتقدان این تصمیم هستند، راه مواجهه با آنها چیست؟ چه استدلالی می‌توان برای آنها ارائه کرد؟ تلویزیون چه استدلالی ارائه کرده است؟ احتمالاً هرچه در رسانه‌ها بگردید غیر از این دو نکته چیزی پیدا نمی‌کنید؛ این قانون است و هرکس با این تصمیم مخالف است پول گرفته و جزء لشکر ابرهه است و می‌خواهد خانه خدا را خراب کند. زهی خیال باطل که ما رسانه‌های حامی صداوسیما یگذازیم، بزودی آنها را سنگ‌باران خواهیم کرد. نتیجه چنین استدلالی چه شده است؟ بسیاری از فعالان فرهنگی حتی فعالان حزب‌اللهی که ممکن بود فقط از جهاتی منتقد این تصمیم باشند، امروز به‌طور جدی نقد می‌کنند و این سوال را دارند که آیا چنین عقلی می‌تواند هم خودش را اداره کند و هم بر رسانه‌های خصوصی که رقیبش هستند نظارت کند؟ آیا می‌تواند در این نظارت تعارض منافع نداشته باشد؟ اجازه دهید یک مثال فوتبالی بزنم. پرسپولیس امسال قهرمان لیگ شده است، آیا می‌توان مربی پرسپولیس را برکنار کرد و فرزند حسین خانی، مربی تیم مس کرمان را - که تیمش را به لیگ یک فرستاده است - به عنوان مربی پرسپولیس منصوب کرد؟ تازه بعد هم به مدیران رسانه‌ای دستور داد که یک پروژه تبلیغاتی درست کنند و بگویند هرکسی که با اصل انتخاب مربی برای پرسپولیس مخالف است از تیم رقیب پول گرفته و می‌خواهد خدا را تخریب کند. چنین فقهی از رسانه‌داری چه بر سر رسانه ملی می‌آورد؟ با این سبک استدلال می‌توان تحول ایجاد کرد یا رسانه را به نقطه نگران‌کننده‌ای می‌رسانیم که حتی نشود آمار مخاطب سریال‌ها و برنامه‌های عمومی‌اش را اعلام کرد؟ خاطرم هست برادر عزیز که در این روزها مسئولیت مهمی در صداوسیما دارد و قبل از مسئولیت منتقد همه دستگاه‌های فرهنگی کشور بود، در تفکیک از روزی ارشاد می‌گفت آقای فلانی حالا شما سیمانی نبودی، اهل موسیقی نبودی، ناآثار رانمی‌شناسی و... روزنامه‌نگار که بودی... زاده عرضی نیستی...

یادداشت - ۳

یادمان شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی

توافق بر حداقل اشتراکات برای حداکثر همکاری‌ها و همدلی‌ها

احسان عسکری
مشاور رئیس مجلس

شهید مظلوم، آیت‌الله دکتر بهشتی از شخصیت‌های بزرگ فکری و سیاسی تاریخ معاصر ایران به‌شمار می‌رود که می‌توان ایشان را یکی از برجسته‌ترین معماران بزرگ تجدیدبنای تفکر انقلابی و تشکیلاتی انقلاب اسلامی ایران دانست. ایشان بر این اصل اعتقاد داشت که مردم در جامعه صاحب حق هستند و بدون حضور آنان در امور سیاسی، هويت دينی و مشروعیت دولت تأمین نمی‌شود، همچنین به نقش مردم در حکومت باور کامل داشت و به پیشرفت جامعه به شرط همکاری و حضور مردم معتقد بود و می‌دانست معادله قدرت سیاسی در جامعه دو طرف دارد؛ حکومت‌کنندگان و حکومت‌شوندگان. به محض آنکه حکومت‌کنندگان درصد اعمال اراده خود بر حکومت‌شوندگان برآیند، مسأله «مشروعیت» یا مجوز اعمال قدرت مطرح می‌شود. جایگاه مردم در کارآمدی حکومت از منظر اندیشه‌های سیاسی شهید بهشتی بسیار حائز اهمیت است. مردم‌سالاری تکاملی در اندیشه و آرای ایشان لازم‌الذات ارتباط مردم و دستگاه‌های دولتی مبتنی بر اعتماد متقابل باشد. راهکارهای کسب اعتماد متقابل و جلب همکاری مردم در نظام مردم‌سالاری مورد نظر شهید بهشتی عبارتند از: بی‌تفاوت نبودن مسئولان نسبت به مردم، زندگی مردمی و بی‌آلایش مسئولان دستگاه‌های حکومتی و کارگزاران، برپیزش از الفبای قدرت در مواجهه با مردم، اطلاع‌رسانی مناسبی که مردم از طریق راهکارهایی نظیر تبیین قوانین برای مردم و استفاده از دیدگاه‌های مردم و صاحب‌نظران. شهید بهشتی مردم را نه تنها نیرویی عظیم و شکل‌دهنده مسائل جامعه می‌دانست، بلکه آنها را ناقد و مصحح حکومت می‌دید و این نقش مردمی را بسیار جدی می‌گرفت، یعنی حضور مردم را فقط در عرصه حرکت درآوردن جریان‌ها و ساختن سازندگی‌ها اساسی می‌شمرد، بلکه آنها را ناظران دقیق، ناقدان و مصححانی می‌دید که از طریق ابزارهای قانونی و نیز در عرصه اجتماعی باید نظارشان را بیان کنند و از ریزایی درستی از امور داشته باشند تا مسیر گم نشود و وارد باتلاق‌های محدودیت‌های فردی، خواسته‌ها و مصلحت‌های فردی گردانندگان یا مجومه‌هایی نشویم که داخل این حکومت هستند و فعالیت می‌کنند. ایشان یکی از کسانی بود که عمیقاً و مباینی به نقش مردم در حکومت و سیاست اعتقاد داشت. به این دیدگاه وی توجه کنید: «من معتقدم که هیچ چیز به جز حضور فعال و آگاه مردم نمی‌تواند سالم‌سازی کند و موقعیت مردم را. پیغمبر خدا هم اگر در مرتبه مدیریت باشد و آن طرف مردم نباشند، درست نمی‌شود. «بنیاد تفکر شهید بهشتی این است که مردم صاحب حق و حکومتند. بدون حضور آنها نه هويت دينی جامعه تضمین و نه اقتدار حکومت تأمین می‌شود. از نظر ایشان «دولت است که بازوی ملت است» نه ملت بازوی دولت؛ «ما باید تنها به نیروی لایزال ملت و امکانات فراوان خداداد و گنجینه‌های پرارزش سرزمین مان تکیه کنیم، از نظر ایشان ملت باید مواظب انقلاب باشد، باید مسئولان را خود برگزینند و باید بر اعمال و عملکرد آنان نظارت کند. «ملت قهرمان ما یک وظیفه دارد و آن اینکه با وجدان بیدار و آگاه مراقبت کند هر یک از نهاد‌های رهبری، رئیس‌جمهوری، نخست‌وزیر و وزرا، مجلس و شورای عالی قضایی در چهارچوب همان وظایفی عمل کنند که در قانون اساسی آمده است... شما ملت قهرمان باید از مسئولان بخواهید طبق قانون اساسی عمل کنند و این پنج نهاد پشت و پناه یکدیگر باشند.» شهید بهشتی فردی مردم‌گرا بود که همواره بر نقش مردم در انقلاب اسلامی و همچنین سهم آنان در حکومت تاکید داشت و معتقد بود حکومتی مشروعیت دارد که نقش مردم در آن پررنگ باشد. ایشان در گسترش نقش مردم تأثیر بسزایی داشت. امروز هم افکار و هم رفتار شهید بهشتی می‌تواند الگوی خوبی برای حکمرانی نوین باشد. در دهه پنجم انقلاب اسلامی توجه به افکار و اندیشه‌های دکتر بهشتی به‌خصوص تاکیدشان روی توافق بر حداقل اشتراکات برای حداکثر همکاری‌ها و همدلی‌ها، می‌تواند مدل بسیار خوبی برای اصلاح حکمرانی و افزایش کارآمدی نظام سیاسی باشد. نظام‌سازی و بحث تحزب یا تشکیلات از مهم‌ترین محورهای هستند که به اعتقاد دکتر بهشتی می‌تواند مسائل جامعه را برطرف کند. همچنین رویکرد ایشان در میانه رویکرد سنت گرایانه و تجددگرایانه قرار می‌گیرد و آنچه امروز می‌تواند به مسأله افزایش کارآمدی نظام سیاسی پاسخ دهد، توجه به همین رویکرد میانی است. او در بحث حکمرانی از خصلت انتزاعی فاصله می‌گیرد و بیشتر به واقعیت‌های جامعه متوجه می‌شود. برخلاف ایشان به‌منظر می‌رسد متفکران حال حاضر ما بیشتر در مباحث نظری گیر افتاده‌اند و کم‌پیش می‌آید این نظریات به متن جامعه یا حکمرانی ما راه پیدا کرده باشد.

انا لله و انا الیه راجعون

جناب آقای دکتر محسن آقاجانی

مدیرکل محترم اسناد و مدارک دفتر مطالعات و تدوین تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی
خبر درگذشت والده مکرمه‌تان موجب تألم و تأثر شد. اینجناب این ضایع را به جنبه‌ای و خانوادہ محترم تسلیت می‌گویم و از درگاه خداوند متعال برای آن مرحوم غفران و رحمت واسعه الهی و برای بازماندگان صبر و شکیبایی، مسالت دارم.

عبدالله جاسمی

وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

جناب آقای دکتر محمود گلابچی

عضو محترم کمیته فرهنگ و تمدن اسلام و ایران شورای عالی انقلاب فرهنگی
درگذشت والده مکرمه جنابعالی را تسلیت عرض نموده و از درگاه خداوند متعال برای آن مرحومه علو درجات و رحمت واسعه الهی و برای بازماندگان صبر و اجر مسالت می‌نمایم.

علی اکبر ولایتی

بازخوانی روزهای پرتلتهاب تابستان ۶۰، ماجرای تروریست شدن سطحی‌ها

فرقان گونگی؛ ۴۲ سال بعد از ترور



مقداری از تریبون فاصله بگیرند و به صحبت کردن ادامه بدهند که یک‌دفعه صدای انفجار بلند شد. ضبط صوتی که روی میز بود، منفجر شد و لابه‌لای بقایای آن کاغذی بود که روی آن نوشته شده بود: «اولین عیدی گروه فرقان به جمهوری اسلامی». بعد از وقوع انفجار، محافظ آیت‌الله خامنه‌ای ایشان را از مسجد خارج می‌کند و ابتدا به درمانگاه و بعد به بیمارستان بهارلومی برد. محافظ ایشان در شرح شدت جراحات آیت‌الله خامنه‌ای می‌گوید: «در بیمارستان بهارلومو آقا را به اتاق عمل بردند؛ جراحی خیلی سنگین بود. سمت راست بدن پر از ترکش و قطعات ضبط صوت بود. حتی یکی از ترکش‌ها زیر گلوئی آقا جا خوش کرده بود. قسمتی از سینه ایشان کاملا سوخته بود. یکی دو تا از دنده‌هایشان هم شکسته بود. دست راست ایشان هم عملاً از کار افتاده و از شدت ضربه ورم کرده بود. استخوان‌های کتف و سینه آقا کاملاً دیده می‌شد. ۳۷ واحد خونی و فرآورده‌های خونی به آقا زده بودند که خود این تعداد، واکنش‌های انعقادی را مختل می‌کرد... دو سه بار نبض آقا افتاد و پزشکان چند بار مجبور شدند پانسمن را باز و دوباره رگ‌ها را مسدود کنند... پس از اقدامات اولیه آیت‌الله خامنه‌ای به بیمارستان قلب منتقل شدند و با اقدامات پزشکی و عمل‌های جراحی، به طرز معجزه‌آسایی از مرگ نجات یافتند.» پیدا شدن یادداشتی از گروه فرقان در محل حادثه، انگشت اتهام را به سمت گروه فرقان می‌برد. اما در این رابطه شواهدی هم وجود دارد که بررسی آنها نشان می‌دهد اگر جرم سازمان تروریستی منافقین در این حادثه بیشتر از گروه فرقان نباشد، کمتر هم نیست.

زهرآ طیبی - علی فلاحی

گروه‌سیاست

اولین روزهای تابستان سال ۶۰ را می‌شود یکی از سخت‌ترین روزهای جمهوری اسلامی از زمان پیروزی انقلاب تا امروز دانست. در شرایطی که کشور درگیر جنگ با عراق بود بنی‌صدر، رئیس‌جمهور وقت با رای مجلس و با حکم امام خمینی (ره) عزل می‌شود. فرقه رجوی از ۳۰ خرداد سال ۶۰ رسماً وارد فاز مسلحانه می‌شود و دست به ترورهای کور و شخصیت‌های اصلی نظام می‌زند. ترور سرچشمه، انفجار دفتر نخست‌وزیری و ترور دیگر شخصیت‌های اصلی نظام در زمره این عملیات مسلحانه قرار می‌گیرند. ششم تیر سال ۶۰ یک روز پیش از ترور در ساختمان سرچشمه درحالی‌که پنج روز از عزل بنی‌صدر گذشته بود آیت‌الله خامنه‌ای بعد از جلسه با امام از جماران برای شرکت در جلسه پرسش و پاسخ راهی مسجد ابوذر در جنوب شهر تهران شدند. شهید بابایی هم که برای صحبت با نماینده امام در شورای عالی دفاع همراه آیت‌الله خامنه‌ای بود به مسجد ابوذر رسیدند و بخشی از گفت‌وگوها در مسجد ادامه پیدا کرد. نماز ظهر که تمام شد آیت‌الله خامنه‌ای برای پاسخ به سوال‌ها پشت تریبون رفت. در حین پاسخ به سوالات جوانی با قدم‌متوسط، موهای فری و صورتی با ته‌ریش ضبط صوتی را درست مقابل سخنران قرار داد و صدای سوت کشیدن بلندگوها شد آیت‌الله خامنه‌ای



شواهدی مبنی بر نقش منافقین در ترور رهبر انقلاب

مورد اشاره این احتمال را تقویت می‌کند که فرقه رجوی، پیش از سال ۶۰ از گروه فرقان برای اجرای عملیات‌های تروریستی مدنظرش استفاده می‌کرده تا وجهه سازمان خدشه‌دار نشود. لذا زمانی که این گروه به ترور شخصیت‌های می‌پرداخته، سازمان به این امر اکتفا می‌کرده و به نظر می‌رسد که سازمان، بعد از دستگیری سرشاخه‌های اصلی این گروه، در سال‌های ۵۸ تا ۶۰ تلاش می‌کند فرقان را احیا کند تا تحت عنوان متحدش به ادامه فعالیت بپردازد اما بعد از اینکه عملیات ترور ساختمان حزب جمهوری و دفتر نخست‌وزیری اجرا می‌شود و مشخص می‌شود کلاهی و کشمیری، نفوذی‌های سازمان، عامل اجرای این ترورها هستند. سال‌ها بعد از ماجرای ترور اعضای حزب جمهوری در ساختمان سرچشمه «سعید شاهشوندی»، عضو سابق کمیته مرکزی سازمان مجاهدین اعتراف می‌کند که این انفجار توسط سازمان مجاهدین خلق طراحی و اجرا شده است و اوو گروه دیگری که در جریان انجام این عملیات قرار داشته‌اند در آن شب بی سیم سپاه را شنود می‌کردند تا از میزان موفقیت عملیات مطلع شوند.

با توجه به اینکه روز بعد، حادثه ترور ساختمان حزب جمهوری اتفاق می‌افتد، احتمالات زیادی مبنی بر ارتباط این گروه با فرقه رجوی مطرح می‌شود، از طرفی شخصیت‌های بسیاری هم به ارتباط‌ها و شباهت‌های زیاد این گروه، با سازمان منافقین اشاره کردند. احمد قدیریان، معاون وقت دادستان می‌گوید: «وقتی انبار اسلحه گروه فرقان در یکی از باغ‌های کرچ کشف شد، ما دیدیم به همان شیوه منافقین، اسلحه‌ها را انبار کرده‌اند. یعنی اسلحه‌ها را گریس زده، داخل مشمع گذاشته و دفن کرده بودند؛ همان شیوه‌ای که بعدها در خانه‌های تیمی منافقین یا باغ‌هایی که به اینها تعلق داشت، مشاهده کردیم.» قدیریان در ادامه اشاره می‌کند: «کسانی که پیگیر مسائل مبارزاتی در سال‌های منتهی به پیروزی انقلاب بودند، می‌دانند که سازمان مجاهدین خلق برای پوشش دادن به ترورهایش، ۱۰ الی ۱۵ گروه یا خرده گروه ایجاد کرده بود.» عزت مطهری از مبارزان پیش از انقلاب هم در این رابطه گفته است: «به اعتقاد من اینها (فرقان) شاخه‌ای از مجاهدین خلق بودند و کارهایی که آنها می‌خواستند را انجام می‌دادند. فرقان در استراتژی چماق و هویج مجاهدین خلق، نقش چماق را بازی می‌کرد و سران مجاهدین در آن زمان وقتی که می‌خواستند با مسئولان مذاکره کنند می‌گفتند اگر ما با کنار نیایید، اینها همه شما را از بین خواهند برد.» اسدالله بادامچیان نیز گفته است وقتی از زندان شاه آزاد شده دیده‌ام همان گفته‌ها و جزوه‌های مجاهدین زندانی را گودرزی و چند مجاهد دیگر به اسم فرقان توزیع می‌کنند. موارد

می‌کنند که در اجرای دو عملیات اول ناکام می‌ماند و دو عملیات بعدی با مجروح شدن دو شخصیت به پایان می‌رسد. مسعود تقی‌زاده در اعترافاتش درباره ترور آیت‌الله خامنه‌ای در مسجد ابوذر می‌گوید: «طرح استفاده از ضبط‌صوت برای عملیات از قبل توسط مهدی (محمد متحدی) مطرح شده بود.» تقی‌زاده اشاره می‌کند که متحدی چند بار به همراه یک خبرنگار ژاپنی برای مصاحبه مطبوعاتی نزد شهید بهشتی رفته است و مشاهده کرده که خبرنگاران ضبط‌صوت را روی میز می‌گذارند و ایده انفجار در مسجد ابوذر با استفاده از رادیو نیز از همین جا به ذهن محمد متحدی رسیده بود. ایده‌ای که بعد از عدم موفقیت در ترور موسوی اردبیلی خیلی فکر او را مشغول کرده بود. تقی‌زاده صحبت‌هایش را این‌گونه ادامه می‌دهد: «به‌هر حال من ظهر به مسجد رفتم و دیدم که یک نماز به امامت خود [آیت‌الله] خامنه‌ای خوانده‌اند و نماز بعدی را هم من شرکت کردم و سپس وقتی وی برای سخنرانی به پشت میز بزرگی که قرار داشت رفت من بعد از یکی دو دقیقه ضبط را به کار انداخته و جلوی وی گذاشتم. البته چون میز بزرگ بود او برای برداشتن کاغذ سوال‌ها به آن طرف و این طرف خم می‌شد، من امکان اینکه به هدف بخورد را زیاد نداشتم و دیگر اینکه چون ترس داشتم، قبل از رسیدن نوار به آخر بمل عمل کند هر چه سریع‌تر به کناری رفته و جوراب‌هایم را پوشیدم و سپس به توالی رفته و از آنجا خارج شدم و از کوچه پشتی به میدان ابوذر که فولکس را آنجا گذاشته بودم رفتم و از محل دور شدم.»

روایت رایج احتمال دست داشتن منافقین را در این ماجرا پررنگ‌تر می‌کند. ترورهای گروه فرقان غالباً به صورت مسلحانه و با شلیک مستقیم انجام می‌شد و آنها به همین طریق آیت‌الله مطهری و سرلشکر قرنی را به شهادت رساندند. اما ترور آیت‌الله خامنه‌ای به روش بمب‌گذاری در ضبط صوت صورت گرفت؛ روشی که البته پیش از این توسط این گروه سابقه نداشت. اعضای اصلی گروه فرقان ۲۲ دی سال ۵۸ بعد از شناسایی دستگیر می‌شوند. اکبر گودرزی، رهبر این گروه به همراه دیگر اعضای فرقان مثل علی حاتمی، سعید مرآت، عباس عسگری، علیرضا شاه‌بابیک و حسن افرود دستگیر شدند. اکبر گودرزی ۳ خرداد سال ۵۹ اعدام می‌شود. بعد از این عملیات اما همچنان دستگیری و شناسایی اعضای باقی‌مانده این گروه ادامه داشت. مرحوم هاشمی‌رفسنجانی در خاطرات ۳ اردیبهشت سال ۶۰ نوشته: «آقای [مرتضی] الویری خبر گیر افتادن بقایای گروه فرقان و ضارب آقای [عبدالرحیم] ربانی شیرازی و اعتراف آنها را داد.» باقی اعضای گروه فرقان بعد از اعدام اکبر گودرزی، دور شخصیتی به نام محمد متحدی جمع شدند. شخصی که به‌نظر می‌رسید ارتباطاتی با سازمان منافقین داشته است. متحدی که ابتدا این گروه را در تبریز شکل داد، بعد از انتقال آن به تهران تصمیم داشت انتقام اعضای گروه فرقان را بگیرد. او به همراه امیر مسعود تقی‌زاده، قاتل آیت‌الله قاضی طباطبایی، نقشه ترور عبدالمجید معادی‌خواه، سیدعبدالکریم موسوی اردبیلی، آیت‌الله ربانی شیرازی و آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای را طراحی

ازجمله دلایلی که احتمال نقش داشتن منافقین در ترور رهبر انقلاب را تقویت می‌کند این است که یک روز بعد از ترور آیت‌الله خامنه‌ای، انفجار در سازمان حزب جمهوری اسلامی اتفاق می‌افتد و بعد مشخص می‌شود محمدرضا کلاهی که نفوذی سازمان منافقین در حزب بوده، عامل این انفجار است. سعید شاهشوندی، عضو سابق سازمان مجاهدین درباره او می‌گوید: «فردی به نام محمدرضا کلاهی اهل تهران، دانشجوی سال اول رشته برق دانشگاه علم‌و‌صنعت از دانشجویان هوادار مجاهدین بود که بعد از مدتی به توصیه سازمان به ظاهر تغییر موضع داده هوادار حزب جمهوری اسلامی می‌شود. ابتدا به‌عنوان پاسدار کمیته انقلاب اسلامی و بعد به‌واقع در خیابان پاستور شروع به کار می‌کند و سپس به تشکیلات دفتر مرکزی حزب جمهوری وارد می‌شود. با توجه به تخصص فنی و نیز نظم و دقتی که در انجام امور داشت به‌سرعت مورد توجه قرار گرفته مسئول برگزاری جلسات و کنفرانس‌های حزب می‌شود. ضمن آنکه حفاظت سالن نیز به عهده او بوده است. وی اطلاعات درون حزب از جمله زمان برگزاری جلسات نویتی شورای مرکزی و دیگر برنامه‌های دبیرخانه حزب را به سازمان اطلاع می‌دهد.» بعد از این هم حادثه انفجار ساختمان نخست‌وزیری در ۸ شهریور همان سال توسط کشمیری، نفوذی سازمان اتفاق می‌افتد. دنباله‌ها بودن این ترورها یکی پس از دیگری شائبه دست داشتن فرقه رجوی در ترور ۶ تیر را تقویت می‌کند. شیوه ترور رهبر انقلاب یکی دیگر از شواهدی است که برخلاف



متهم اصلی؛ چهره مشهور رادیکالیسم

ارتباط مستقیم اکبر گودرزی و موسوی خوئینی‌ها از طریق مسجد جوستان وجود دارد. مرحوم جعفر شجونی، عضو پیشین جامعه روحانیت مبارز درباره شروع ارتباط گودرزی با خوئینی‌ها گفته است: «گودرزی بعد از آنکه از سوی علمای محترم و شناخته‌شده و حوزه‌های علمیه مهم تهران طرد شد، به سراغ آقای موسوی خوئینی‌ها در مسجد جوستان رفت و او هم گودرزی را پذیرفت.» گرچه ادعای نزدیکی اعضای ارشد گروه فرقان به خوئینی‌ها و اثر پذیرفتن آنها از او به راحتی قابل رد یا اثبات نیست اما عملکرد و مواضع سیاسی طی دهه‌های گذشته باعث می‌شود تا ادعای ارتباط او با فرقان، چندان هم دور از ذهن به نظر نرسد. به‌عنوان مثال شجونی درباره موسوی خوئینی‌ها می‌گوید: «علناً می‌گفت: آقای مطهری و آقای مفتاح که تدریس در دانشگاه را پذیرفته‌اند، با حکومت سازش کرده‌اند و تبدیل به ترمز انقلاب شده‌اند! او همین حکم را هم درباره آقای بهشتی و آقای باهنر می‌داد که به آموزش و پرورش رفته بودند و کتاب‌های درسی را نددیم می‌کردند. می‌گفت که اینها همکار فرخ‌رو پارسا [وزیر وقت آموزش و پرورش] شده‌اند!» «یک شیخ محترمی به نام آقای قاسمی نقل می‌کرد من یک شب در مسجد جوستان کنار آقای کروبی نشسته بودم و آقای موسوی خوئینی‌ها هم روی منبر بود. اکبر گودرزی و محمود کشانی نشستند و محور حرف‌های آقای خوئینی‌ها شده بودند. این آقا رفته بود بالای منبر و آیه شریفه «و یصدون عن سبیل‌الله را کتابتاً و گاهی تصریحاً بر آقایان مطهری و مفتاح و بهشتی تطبیق می‌داد و می‌گفت: اینها ترمز انقلاب و سازش‌کارند و با دستگاه روی هم ریخته‌اند! همین محمود کشانی از کسانی بود که آقای مفتاح را در دانشگاه الهیات به گلوله بست.» اگر ریشه چنین اظهاراتی را حب و بغض‌های سیاسی بداندیم پاسخ به چرایی تغییر رفتارهای عجیب سیاسی موسوی خوئینی‌ها را نیز بهتر درک کرده و متوجه می‌شویم که چگونه این شخصیت از یک چهره بسیار تندرو در تقابل با آمریکا چگونه در دولت خاتمی به فردی کاملاً حامی مذاکره با آمریکا تبدیل شد.

گرچه ادعای انتساب ایدئولوژی گروه فرقان به علی شریعتی رایج‌ترین ادعایی است که در رابطه با تفکرات این گروه به گوش می‌رسد اما در همین زمینه ادعاهای کمتر شنیده‌شده‌ای نیز وجود دارد که اشاره به آن می‌تواند جالب توجه باشد. علی اکبر ناطق‌نوری که در عملیات دستگیری اعضای اصلی گروه فرقان در دی ماه ۱۳۵۸ نقش پررنگی داشت در خاطرات خود می‌نویسد: «وقتی اکبر گودرزی و برخی دیگر از اعضای فرقان را بازداشت کردیم، نزد شهید بهشتی در جامعه روحانیت ولی‌آباد رفتم و به ایشان گفتم ما اینها را دستگیر کردیم. حضرت عباسی دست کسی بدهید که شل نباشد که بعد اینها را آزاد کند. مرحوم بهشتی بسیار رنگ بود. یک لیخندی زد و گفت خودت.» به همین دلیل او در جریان محاکمه و اظهارات خیلی از اعضای اصلی این گروه قرار داشته است. او سال‌ها پیش در مصاحبه‌ای اظهار داشت: «من بعدها در دادگاه فرقان، از یکی از اینها (اعضای گروه فرقان) سوال کردم که شما از کجا به اینجا رسیدید؟» او گفت: «ما اول تفسیر پرتوی از قرآن را خواندیم. بعد دیدیم یک کسی روشنفکرتر از او تفسیر می‌گوید و رفتم به مسجد جوستان در خیابان نیایران قدیم!» او در ادامه از قول این عضو گروه فرقان اضافه کرد: «بعد دیدیم یکی نقلی‌تر از همه اینها آمده و روشنفکرتر از همه اینهاست و او اکبر گودرزی است!» مسیر را ملاحظه می‌کنید. مجاهدین خلق هم بیشتر بچه‌ها را از همین طریق گول می‌زدند. هم در زندان و هم در بیرون از زندان. آنها هم تفسیرهای تنگی می‌کردند.» منظور او از جلسات تفسیر قرآن مسجد جوستان جلسات تفسیری موسوی خوئینی‌ها در دهه ۵۰ است. هاشم صباغیان از اعضای نهضت آزادی نیز در این رابطه می‌گوید: «واقعیت این است که ما در آن موقع هنوز به جوهره تفکر آنها پی نبرده بودیم و فقط در واکنش به شعارهای تندى که می‌دادند، می‌گفتم دارند نظم مسجد را به هم می‌زنند! خود من بعدها ماهیت فرقانی‌ها را فهمیدم و متوجه شدم که از محصولات تفسیری آقای موسوی خوئینی‌ها هستند.» همچنین گزارش‌هایی از

این بیانیه، علی‌الخصوص شهید مطهری حمله کرد.

از طرف دیگر شواهد متعددی از علاقه اعضای گوناگون فرقان به تفکرات دکتر شریعتی وجود دارد. بنابر روایت‌های متعدد اکبر گودرزی، بنیانگذار و رهبر گروه فرقان علاقه زیادی به مطالعه آثار دکتر شریعتی داشته و به گفته برخی او بیش از اینکه کتاب‌های حوزه را بخواند، به مطالعه آثار شریعتی تقید داشته است. همچنین در نشریات این گروه نیز استنادات فراوانی به آثار شریعتی مشاهده می‌شود. اما آیا می‌توان این موارد را نشانه این دانست که جنایات فرقان ناشی از تفکرات شریعتی است؟ باید گفت علی‌رغم اینکه به‌نظر می‌رسد فرقان اثرپذیری زیادی از شریعتی داشته، اما اقدامات این گروه هیچ‌نسبتی با تفکرات شریعتی ندارد. به‌نظر می‌رسد که با توجه به اقبال زیادی که جوانان در آن زمان به آثار شریعتی داشتند، این گروه سعی داشت تا القای اینکه به‌دنبال ادامه راه شریعتی به‌عنوان «شهید پنجم ایدئولوژیک شیعه» هستند، جوانان بیشتری را جذب کنند. یکی از اعضای سابق این گروه در جریان مصاحبه‌ای که به‌صورت ناشناس با برخی اعضای این گروه صورت گرفته درباره ارتباط ایدئولوژی فرقان و تفکرات شریعتی می‌گوید: «به‌نظر من نسبتی ندارند. آنها از شوری که در آثار دکتر شریعتی وجود داشت، در جهت اهداف خود استفاده می‌کردند تا بتوانند بخشی از جوان‌ها را که به سخنان او علاقه‌مند بودند، جذب کنند. در واقع خلأهای موجود در گفتار خود را با استفاده از سخنان شریعتی پر می‌کردند. به‌نظرم این کارشان هم گزینشی بود، یعنی مطالبی را از دکتر شریعتی قبول و نقل می‌کردند که در واقع تأیید مطالب خودشان باشد. شاید آن جمله شریعتی را که می‌گوید امضای هیچ روحانی‌ای را پای یک قرارداد استعماری ندیده‌ام، اصلاً قبول نداشتند، ولی آنجایی را که از «اسلام منهای روحانیت» حرف می‌زند، برجسته می‌کردند و روی آن مانور می‌دادند.»



شریعتی متهم به تفکر فرقانی نیست

حتی اگر این احتمال پررنگ را که مجاهدین خلق نقش اول ماجرای ترور رهبر انقلاب را برعهده داشته‌اند، نادیده بگیریم و گروهک فرقان را بدون هیچ گونه وابستگی به منافقین عامل این اتفاق بدانیم، آن وقت بد نیست این را نیز بررسی کنیم که ریشه چنین اقداماتی از چه آشخور فکری‌ای سرچشمه می‌گرفت؟ آیا می‌شود علی شریعتی را صرفاً با استناد به نوشته‌هایی که بسیاری دیگر از افراد نیز مطالعه می‌کردند در این زمینه محکوم کرد یا اینکه این اقدامات جنایتکارانه بیش از آنکه اندیشه‌های باشند منشعب از حب و بغض‌های احتمالاً سیاسی است. عده‌ای با تلاش برای نسبت دادن تفکرات اعضای این گروه به علی شریعتی سعی دارند به‌گونه‌ای تفکرات او را عامل اصلی جنایات فرقان بدانند. برای بررسی صحت این ادعا ابتدا باید استدلال‌های پشتیبان این تحلیل را بررسی کرد. اولین نشانه این است که اعلام موجودیت فرقان در سال ۱۳۵۶ به بهانه فوت شریعتی صورت می‌گیرد. اولین اطلاعیه این گروه پاسخ تندى است به اطلاعیه مشترکی که شهید مطهری و مهدی بازرگان پس از فوت شریعتی منتشر کردند. مطهری و بازرگان در این اطلاعیه تصریح کرده بودند: «با توجه به اقبال فراوان جوانان به کتب مشارالیه و اینکه خود او در اواخر عمر در اثر تذکرات متوالی افرادی غرض و بالاتر رفتن سطح مطالعات خودش متوجه اشتباهات خود شد، به یکی از نزدیکانش و کالت برای اصلاح آنها داد. اینجانبان بر آن شدیم به حول و قوه الهی ضمن احترام به شخصیت او و تقدیر از زحمات و خدماتش در سوق دادن نسل جوان به اسلام بدون مجامله و پرده‌پوشی و بدون اعتنا به احساسات طرفداران متعصب یا دشمنان مغرض طی نشریاتی نظر خود را درباره مطالب مندرجات کتاب‌های ایشان با‌الصراحه اعلام داریم.» فرقان این بیانیه را ائتلاف ارتجاع و روشنفکران مدرن خواند و امضا کنندگان این اطلاعیه را به خیانت‌پیشگی و عوام‌فریبی متهم کرد. فرقان در سالگرد فوت دکتر شریعتی نیز بار دیگر به‌شدت به صادرکنندگان

تشکیل شماع برای سیاستگذاری دانش پایه آموزش عالی



فرهیختگان
دانشگاه
شماره مسلسل ۴۶۶۶ | سنبله ۶ تیر ۱۴۰۲ | ۸ دیماه ۱۴۴۴ | ۲۷ جون ۲۰۲۳ | شماره ۲۸۸۸
Tue | 27 Jun 2023 | vol. 15 | No. 3898 | 16 Pages
www.fhb.ir

«فرهیختگان» از چگونگی تاثیر فناوری‌های نوظهور در پیشبرد صنعت داروسازی گزارش می‌دهد

کشف دارو
۱۰۰ برابر سریع‌تر

«فرهیختگان» از حضور دانشگاه آزاد در نمایشگاه الکامپ گزارش می‌دهد

فناوران دانشگاه آزاد

در کنار برترین‌های ایران

چه خبر از دانشگاه

در بیانیه بیست و چهارمین اجلاس شورای دانشگاه آزاد تاکید شد اولین گام تحول اساسی تحول در نظام استادی است

در دومین روز از اجلاس شورای دانشگاه آزاد، بیژن رنجبر قائم مقام رئیس این دانشگاه به تشریح اقدامات و برنامه‌های دانشگاه درباره مرجعیت علمی پرداخت. همچنین رضا قاسمی، مشاور رئیس دانشگاه آزاد و فرشته واعظی، دبیر ستاد راهبری و نظارت بر پیاده‌سازی سند تحول و تعالی دانشگاه آزاد نیز اقدامات انجام شده در خصوص سند تحول و تعالی دانشگاه و نظام پیگیری برنامه را تشریح کردند. حمید افتخاری، مدیرکل امور کتابخانه‌ها، مجلات، انتشارات علمی و علم‌سنجی دانشگاه آزاد نیز درباره نظام رتبه‌بندی دانشگاه، اصلاح الگوی آدرس دهی و وابستگی سازمانی نویسندگان مقالات دانشگاه آزاد و نظام رتبه‌بندی و بوم‌تریک و حسین جوادی، خزانه‌دار کل دانشگاه آزاد در خصوص وظایف و مسئولیت‌های عاملان خزانه‌داری مطالبی بیان کردند. ارائه گزارش آزاد نیز اقدامات انجام شده در خصوص اطلاع‌رسانی و شبکه علمی، آخرین وضعیت سامانه سکو (واحد تریز)، گزارش برگزاری رویداد عصر امید در عسلویه و سیرجان و طرح‌های اقتصادی استان‌ها از دیگر برنامه‌های نشست اختتامیه بود.

در ادامه بیانیه بیست و چهارمین اجلاس شورای دانشگاه آزاد قرائت شد که متن آن به شرح ذیل است:

«بیست و چهارمین شورای دانشگاه آزاد اسلامی در تاریخ سوم و چهارم تیرماه ۱۴۰۲ مصادف با پنجم و ششم ذیحجه الحرام به میزبانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی برگزار گردید. در آغاز اجلاس، رئیس محترم نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه آزاد اسلامی، با اشاره به خطبه ۸۸ نهج البلاغه، پندآموزی از سختی‌ها را لازمه خردمندی دانسته و از خودبستگی در فهم مسائل و بی‌توجهی به نظر کارشناسی برحذر داشتند. آن‌گاه پیام کتبی جناب آقای دکتر ولایتی، رئیس محترم هیات‌موسس و هیات امنای دانشگاه آزاد اسلامی قرائت گردید. ایشان با اشاره به بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و رسالت دانشگاه در فرآیند تمدن‌سازی نوین اسلامی و با اشاره به تدوین برنامه هفتم توسعه کشور بر طراحی دکترین اداره کشور، ضرورت تقویت ایمان و امید، دانش متعهد، حرکت بر لبه مرزهای دانش، بسیج جامعه علمی برای بهره‌گیری از فرصت‌ها و تجربه‌های ارزشمند دستاوردهای انقلاب در مقاطع غرور آفرین تاریخی چون دفاع مقدس و مدیریت جهادی در پشت سر نهادن بحران کرونا و مشارکت مسئولانه مردمی تاکید نموده و ضمن تقدیر از ریاست و مسئولان دانشگاه اقدام مطابق سند تحول دانشگاه را لازمه تحکیم جایگاه مرجعیت علمی دانشگاه و جهت‌گیری برای تحقق تعلیم و تربیت اجتماعی و نظام آراستگی ارزیابی کردند. ریاست محترم دانشگاه با یادآوری نقش امام‌باقر(ع) در تحقق تمدن اسلامی صدر اسلام به آسیب‌شناسی مسائل اجتماعی از

منظر سیاستگذاری دانش با دوگانه علم و دین مبادرت ورزیده و بحران هویتی و شخصیتی در بخشی از دانش آموختگان دانشگاهی را از این منظر تحلیل و با تفسیر آیات قرآن کریم بر وحدت خاستگاه دانشی و پرهیز از رویکرد التقاطی تاکید کردند. در این اجلاس روسای کمیسیون‌های سه‌گانه دانشگاه هم مباحث مطرح شده در کمیسیون‌ها را برای تصویب خواهی ارائه نمودند و نکات زیر مورد تاکید قرار گرفت:

۱. دانشگاه تحول مطابق سند خویش را واقعیتی اجتناب‌ناپذیر دانسته و تحقق این مهم را مستلزم «مأموریت‌گرایی مبتنی بر سند آمایش»، تحول در نظام اداری-اجرایی طرح «دانشگاه‌پار» و اقدامات منطبق با زیست‌بوم استانی و تدوین «بودجه برنامه محور» و تحول بنیادین، درونی، ساختاری و فرآیندی می‌داند. و بر آن است که در این عرصه جایگاه استادان حائز اهمیت بوده و اولین گام تحول اساسی، تحول در نظام استادی است و برای این مهم تقویت تعلق هویتی استادان از طریق هیات‌علمی وابسته و دستیار آموزشی را پیگیری نموده و تا پایان تابستان اجرایی‌سازی آن را سامان خواهد داد.
۲. دانشگاه آزاد تلاش برای تحقق مطالبه مقام‌معمربهری در ضرورت ارتقای جایگاه مرجعیت علمی را وظیفه خود دانسته و مبتنی بر سند تحول و تعالی دانشگاه و رویکرد هم‌افزایی با دیگر نهادها و مراکز، اقدامات خویش را سرعت خواهد بخشید.
۳. دانشگاه مطابق «بیانیه تعلیم و تربیت اجتماعی» خویش بر جایگاه هویت و فرهنگ‌سازی دانشگاه تاکید کرده و در این خصوص با ملاحظه بیانیه گام دوم انقلاب بر خودسازی در نظام تعلیم و تربیت و اقطاب اثرگذار و تحقق «استاد همیار فرهنگ» تاکید می‌کند.
۴. دانشگاه تجربه اجرایی «طرح اعتلاء» برای نخستین بار را تجربه موفق ارزیابی کرده و ضمن قدرانی از اهتمام به این مهم بر استمرار آن تاکید می‌نماید.
۵. دانشگاه آزاد آمادگی خویش را برای همکاری در تدوین برنامه هفتم توسعه کشور اعلام می‌کند و امیدوار است با به‌کارگیری ظرفیت خود، شاهد برنامه‌ای جامع حاوی مصالح فراگیر از جمله مصالح دانشگاه آزاد اسلامی باشد.
۶. دانشگاه آزاد از تحقق دستورالعمل نظام آراستگی و پای‌بندی رو به رشد آراستگی و سلوکر رفتاری در دانشگاه تقدیر کرده و همگان را به تحقق اقدامات جامع فرهنگی-اجرایی مناسب شأن و کرامت انسانی و حیات طیبه اسلامی فرا می‌خواند.
۷. دانشگاه آزاد همسو با سیاست‌های آموزشی، فرهنگی و تربیتی نظام مقدس جمهوری اسلامی، و در راستای تحقق دستورالعمل «حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» و با توجه به رویکرد تحول آفرین سند تحول و تعالی دانشگاه در خصوص توجه ویژه به نهاد خانواده و جایگاه مادر در تربیت خانوادگی و اجتماعی، آیین‌نامه مرکز تربیت اسلامی کودک (تاک) برای تاسیس کودکانستان‌های دانشگاه آزاد با رویکرد تربیت اسلامی و همچنین بخشنامه اجرایی ۲۴ ماه مرخصی بارداری برای

بنوان هیات‌علمی و کارکنان دانشگاه را ابلاغ کرده و بر اجرای دقیق آن تاکید می‌نماید.

افزایش مدت مرخصی زایمان کارکنان دانشگاه آزاد به ۲۴ ماه

داریوش جاوید، معاون توسعه و مدیریت منابع دانشگاه آزاد، نحوه «اجرای دستورالعمل حمایت از خانواده و جوانی جمعیت دانشگاه» را به روسای دانشگاه آزاد استان‌ها ابلاغ کرد. این دستورالعمل در راستای ارائه تسهیلات رفاهی و خدمات فرهنگی با ارتقای سلامت روحی و جسمی به خانواده دانشگاهیان به‌عنوان یکی از راه‌کنش‌های کلان و راهبردی بسته کاری ارتقای تربیت اخلاقی، فرهنگی و تربیتی در سند تحول و تعالی دانشگاه و به‌منظور تکریم مقام و منزلت مادر و تلاش برای تحکیم بنیان نهاد مقدس خانواده و اجرای قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت ابلاغ شده است. در این دستورالعمل آمده است: «بنوان همکار شاغل در دانشگاه می‌توانند تا مدت ۲۴ ماه از مرخصی با حقوق بهره‌مند شوند.»

براساس بندهای این دستورالعمل برای کارکنان غیر عضو هیات‌علمی از سه‌ماهگی بارداری تا تولد فرزند به مدت ۶ ماه پرداخت حقوق توسط دانشگاه صورت می‌گیرد، از تولد فرزند تا ۹ ماهگی به مدت ۹ ماه پرداخت حقوق طبق قوانین سازمان تامین اجتماعی و توسط سازمان تامین اجتماعی می‌شود و از ۹ ماهگی فرزند به مدت ۹ ماه پرداخت حقوق توسط دانشگاه انجام می‌شود.

همچنین برای کارکنان عضو هیات‌علمی از سه‌ماهگی بارداری تا تولد فرزند به مدت ۶ ماه پرداخت حقوق توسط دانشگاه صورت می‌گیرد، از تولد فرزند تا ۹ ماهگی به مدت ۹ ماه پرداخت حقوق طبق قوانین سازمان تامین اجتماعی و توسط سازمان تامین اجتماعی می‌شود و از ۹ ماهگی فرزند به مدت ۹ ماه حضور فرد در دانشگاه به صورت نیمه‌وقت و همکاری نوع «ب» با حقوق کامل توسط دانشگاه آزاد انجام خواهد شد.

براساس بندهای این دستورالعمل بازپرداخت اقساط وام‌های داخلی دانشگاه برای مدت‌زمانی که از بیمه‌تأمین اجتماعی حقوق دریافت می‌کنند (از تولد فرزند تا ۹ ماهگی)، پس از بازگشت به کار صورت می‌گیرد.

همچنین کارمندان شاغل مرد که صاحب فرزند می‌شوند، می‌توانند از ۷ روز مرخصی تشویقی بهره‌مند شوند. در این دستورالعمل آمده است: «ساعت کاری برای همکاران مرد که دارای فرزند یا همسر معلول هستند، با ارائه مستندات سازمان بهزیستی، مشابه ساعت کار بانوان دارای شرایط خاص، یک ساعت در روز کاهش می‌یابد. همچنین در صورتی که کارکنان مرد صاحب فرزند دوقلو یا چندقلو شوند، می‌توانند همانند بانوان دارای شرایط خاص تا سن ۶ سالگی فرزندان از مزایای بخشنامه مربوطه بهره‌مند شوند.»

گفت‌وگو

رئیس موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی در گفت‌وگو با «فرهیختگان» خبر داد

تشکیل شماع برای سیاستگذاری دانش پایه آموزش عالی

۱۳۰۰ نفر در شماع ثبت‌نام کرده‌اند

علی باقر طاهری نیا در گفت‌وگو با «فرهیختگان» درخصوص سامانه شماع بیان کرد: «زمانی که می‌خواهیم مسائلی آموزش عالی کشور را به شور بگذاریم و برای آن راه‌حلی پیدا کنیم، تعداد افراد محدودی در دسترس مان هستند. برای اینکه این مجموعه را گسترش دهیم و از تمام ظرفیت علمی متخصصان این حوزه برخوردار شویم شبکه‌ای ایجاد کردیم. در این شبکه کسانی هستند که در حوزه سیاستگذاری در آموزش عالی به ما کمک می‌کنند. بنابراین شبکه متخصصان آموزش عالی یعنی کسانی که در حوزه سیاستگذاری و برنامه‌ریزی برای آموزش عالی به نوعی متخصص و صاحب‌نظر هستند.»

طاهری نیا در ادامه با تاکید بر اینکه در این حوزه بحث تخصص‌های علمی نیست، افزود: «کسانی که در حوزه برنامه‌ریزی و سیاستگذاری مجموعه وزارت علوم و آموزش عالی می‌توانند به ما کمک کنند در این شبکه ثبت‌نام می‌کنند. از خرداد ماه که فراخوان داده شد تا به امروز ۱۳۰۰ نفر در این شبکه ثبت‌نام کرده‌اند و این افراد کسانی هستند که یا رشته تخصصی‌شان آموزش عالی است یا مدیر موفق آموزش عالی بوده‌اند و علاقه‌مند به این حوزه و صاحب‌کتاب و مقاله هستند. بنابراین ما در مسائل آموزش عالی با این افراد مشورت می‌کنیم و از آنها استمزاج می‌کنیم و نظرات‌شان را می‌خواهیم تا بتوانیم تصمیمات پخته‌تری بگیریم. لذا شبکه متخصصان آموزش عالی بستری است برای سیاستگذاری دانش پایه که مبتنی بر دانش و خرد جمعی است. جمع متخصصان مربوط به این حوزه است.»

او درخصوص نحوه اطلاع متخصصان آموزش عالی از فراخوان این شبکه عنوان کرد: «ما با دانشگاه‌ها مکاتبه کردیم و به تمام دانشگاه‌ها نامه زدیم. این نامه به دست اعضای هیات‌علمی رسیده است و هر کسی اعلام آمادگی می‌کند، دوستان ما در آن پایگاه بررسی می‌کنند و عضویت افراد را تایید یا رد می‌کنند. حتی دانشجویان دکتری سیاستگذاری و مدیریت آموزش عالی می‌توانند در این شبکه عضو شوند.»

فاطمه طاری بخش

خبرنگار گروه دانشگاه

دانشگاه تهران دیروز میزبان کنگره آموزش هدفمند بود. کنگره‌ای علمی و سیاستی که رویکرد عملیاتی و سیاست‌پژوهانه دارد. کنگره محصول سلسله پیوندهای گسترده است. در این مدت ۱۸ نشست تخصصی توسط ۱۸ دانشگاه برگزار شده است و در هر نشست تخصصی متناسب با محور مورد نظر، جمعی به‌عنوان خبره دعوت شدند و سخنرانی کردند. در این کنگره به بیان و ارائه خروجی‌های نشست‌ها پرداختند که به گفته علی باقرطاهری نیا، رئیس موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی قرار است مقدمات اجرایی‌سازی احکام سند توسعه هفتم را فراهم کند.

کنگره دیروز را می‌توان مقدمه اجرایی‌سازی تبصره ۲ ماده ۹۴ برنامه هفتم توسعه پیش از تصویب برنامه دانست. در این ماده برای وزارتخانه علوم و بهداشت تکلیف کرده است تا در رشته‌های غیرپالیتی دروس عملی را نیز پیش‌بینی کنند. به‌گونه‌ای که پس از فراغت از تحصیل، دانش‌آموخته حداقل در یک رشته تخصصی دارای مهارت کاربردی مورد نیاز کشور باشد. طاهری نیا در پایان این کنگره درباره آیین‌نامه اجرایی این تبصره گفت: «سایر دستگاه‌ها باید در این حوزه به ما کمک کنند. دولت به ما یک چک سفید داده و گفته است که هر چیزی که دوست داری بنویس تا من تصویب کنم. مگر نمی‌گوئیم که در این حوزه مشکل داریم، باید راه‌حلی برای آن ارائه دهیم. بنویسیم و دولت آن را اجرا می‌کند. این آیین‌نامه را به دولت می‌بریم و آیین‌نامه اجرایی آن مصوب می‌شود.»

او در ادامه عنوان کرد: «موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، از کلیه روسای پارک‌ها، دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و کلیه اندیشمندان و صاحب‌نظران حوزه آموزش مهارتی برای مشارکت در آیین‌نامه اجرایی تبصره ۲ ماده ۹۴ دعوت می‌کند. همچنین در پایان این مراسم از سامانه شبکه متخصصان آموزش عالی نیز رونمایی شد که در ادامه جزئیات آن را می‌خوانید.»

عکس: مصطفی افشارزاده / فرهیختگان

«فرهنگیختگان» از حضور دانشگاه آزاد در نمایشگاه الکامپ گزارش می‌دهد

فناوران دانشگاه آزاد در کنار برترین‌های ایران



مطهر هسادات قاسمی
خبرنگار

در محل نمایشگاه‌های بین‌المللی تهران در حال برگزاری است. این نمایشگاه همه‌ساله با حضور بسیاری از شرکت‌های فناوری و به خصوص شرکت‌های فعال در حوزه الکترونیک برگزار می‌شود. واحد الکترونیکی و پارک علم و فناوری دانشگاه آزاد نیز همراه با شرکت‌های خود که شامل ۸ شرکت دانش‌بنیان، ۱۰ شرکت فناوری و ۳ شرکت همکار است با مشارکت پردیس‌های پارک علم و فناوری واحد نجف‌آباد، واحد اسلامشهر، واحد یاسوج و واحد تهران شمال در این نمایشگاه مستقر شدند. گزارش «فرهنگیختگان» از دو غرفه دانشگاه آزاد در نمایشگاه الکامپ را در ادامه می‌خوانید.

اسامی شرکت‌های مستقر در پارک علم و فناوری دانشگاه آزاد در نمایشگاه الکامپ

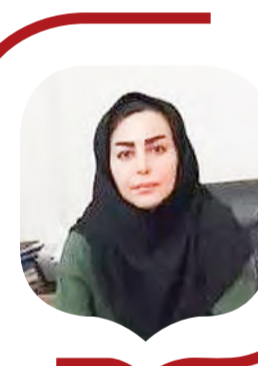
ردیف	نام شرکت	حوزه خدمت	محصول ارائه شده
۱	شرکت دانش‌بنیان به‌ساز انرژی سبزاندیشان	تولید محصولات دانش‌بنیان و هوشمندسازی تاسیسات	سامانه انرژی متر، سامانه هوشمند موتورخانه، سامانه هوشمند چیلرهای برودتی، شبکه حسگر بی‌سیم
۲	شرکت سامانه بهینه‌ساز مینکران پیون	طراحی و تولید نرم‌افزار	طراحی سامانه هوشمند شهر من
۳	شرکت فیدار رباتیک ویرا	سایر محصولات هوشمند	ربات خدمتکار
۴	شرکت آداک فناوری وستا خدمت	سامانه آموزش آنلاین	راه‌اندازی سامانه آموزش آنلاین آداک آکادمی، سامانه آموزشی و مشاوره، پورتال سازمانی آداک
۵	شرکت تیماس رویان خدمت	خدمات در حوزه IT	پردازش ابری، مجازی‌سازی و توسعه راهکارهای کسب‌وکارهای آنلاین بر بستر پلتفرم‌های چندوجهی تجاری و موارد مشابه
۶	شرکت ایده‌پردازان درنیان	طراحی سایت، برنامه‌نویسی	خدمات مبتنی بر وب
۷	شرکت بینش الکترونیک کاویان گستر	الکترونیک، مهندسی پزشکی	پلاسماجت، گریوسکی تراپی، لیزر کم توان
۸	شرکت داده‌پردازان شکوه پارس نوین	تولید و خدمات در حوزه فناوری اطلاعات	پلتفرم فروشگاه اینترنتی
۹	شرکت دانش‌بنیان ویستا صنعت زیست کیا	خدمات هوشمند تخصصی حوزه محیط زیست	کشاورزی، آبیاری هوشمند فضای سبز با تولید سنسورهای تخصصی
۱۰	شرکت راه‌کارهای نرم‌افزاری و رسانه پیشگامان تدبیر ماهان	برنامه‌نویسی	برنامه‌نویسی وب، برنامه‌نویسی موبایل، برنامه‌نویسی هوش مصنوعی، بلاگین و برگزاری رویداد و همایش و سمینارهای تخصصی
۱۱	شرکت دانش‌بنیان ویرا سامانه زیتون پارسان	طراحی و پیاده‌سازی پروژه‌های الکترونیکی	برنامه‌ریز صنعتی، طراحی و پیاده‌سازی سیستم‌های اتوماسیون و سیستم‌های هوشمند
۱۲	شرکت دانش‌بنیان پارس جویان آوا	خدمات نرم‌افزار	تولید اسپیکرهای تحت شبکه، آمپلی فایرهای تحت، تلفن صنعتی تحت شبکه، سوییچ‌های شبکه در پورت مختلف، نرم‌افزار مدیریت، پخش مدیا و اذان و...
۱۳	شرکت دانش‌بنیان اندیشه‌پردازان مدیریت اطلاعات پارسیس	حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات و تولید نرم‌افزارهای رایانه‌ای	تولید محصول سیستم مدیریت اطلاعات پارسیس
۱۴	شرکت ریموند فناوران پارس (رایاپ)	تجهیزات پرداخت الکترونیکی و هوشمندسازی	باتری لیتیومی و تجهیزات پرداخت الکترونیکی
۱۵	شرکت دانش‌بنیان آرتین نوافرین حرا	پلتفرم‌های آنلاین	پلتفرم آنلاین تجارت چارک، دیجیتال مارکتینگ، بلاک چین
۱۶	شرکت دانش‌بنیان بنیاد پادافزار	خدمات حوزه فنی	تولیدکننده انواع اینوترهای جوشکاری
۱۷	شرکت گویا سرزمین عدالت خدمت	خدمات حوزه کسب‌وکار و بازار	ایجاد و جست‌وجوی کارت ویزیت مجازی و کارجو- شبکه مجازی کسب، استفاده از سیستم‌های تصفیه‌گر جهت معرفی کارفرمایان و کارجویان
۱۸	گروه خانه ایده	حوزه رباتیک دانش‌آموزی	ارائه خدمات آموزشی با متدهای نوآورانه در سطح بین‌المللی

بازوهای همکار پارک علم و فناوری دانشگاه آزاد از بخش خصوصی

ردیف	نام شرکت	حوزه خدمت	محصول ارائه شده
۱	شرکت راهبران لیان تابان	خدمات شتابدهی	خدمات شتابدهی مشاوره تخصصی، سرمایه‌گذاری و منتورینگ
۲	شرکت جاوید ایرانیان	خدمات بازاریابی	ارائه خدمات بازاریابی، بروکری و بازاریابی و پیاده‌سازی نظام موضوعات فناوری در قالب رپورس پیچ‌های تخصصی
۳	شرکت توسعه فناوری و نوآور هوشمند مدار	خدمات تخصصی آموزشی	شتابدهنده دارای مجوز رسمی با ارائه خدمات شتابدهی در حوزه فین تک و فناوری‌های مالی-بازوی اجرایی پارک در موضوع مدرسه کسب‌وکار پارک علم و فناوری دانشگاه با ارائه خدمات تخصصی آموزشی

معاون توسعه بازار پارک علم و فناوری دانشگاه آزاد اسلامی:

الکامپ فرصت شناسایی نقاط ضعف و قوت شرکت فناور است



پساتوگرایی و جهانی‌سازی زاده شده‌اند و چه بهتر اینکه در گره خوردن‌های فرهنگ جهانی و فرهنگ ایرانی اسلامی در مواجهه با هر دانشی، با انطباق فرهنگی بتوانند در حفظ اصالت‌های خود نیز تاثیرگذار باشند؛ تحقق این امر با به‌روزرشدن میسر است و دانشگاه محرکه علم، خاستگاه شکل‌گیری این مسأله در نسل متفاوت فعلی است. معاون توسعه بازار پارک علم و فناوری دانشگاه آزاد با اشاره به خدمات پارک علم و فناوری دانشگاه در نمایشگاه الکامپ گفت: «از جمله اصلی‌ترین فعالیت‌های پارک علم و فناوری دانشگاه آزاد می‌توان به معرفی خدمات و ظرفیت‌های پارک علم و فناوری به لحاظ مزیت‌های قانونی، تسهیلات و فرصت‌هایی که دولت و دانشگاه برای کسب‌وکارهای کوچک و متوسط می‌تواند در اختیار شرکت‌ها قرار دهد، اشاره کرد.»

او در ادامه تصریح کرد: «ترویج فرهنگ کارآفرینی و شبکه‌سازی، معرفی کارگزاران همکار پارک (در فن بازار، مدرسه کسب‌وکار پارک علم و فناوری) در حوزه جذب سرمایه-خدمات آموزشی- کوچینگ و منتورشیپ، معرفی شرکت‌های فناور و مستقر در پارک علم و فناوری و پردیس پارک (پردیس تهران شمال، پردیس اسلامشهر، پردیس نجف‌آباد و یاسوج)، برگزاری رویداد فناورانه با استفاده از اساتید برند زیست بوم کارآفرینی از دیگر فعالیت‌های پارک محسوب می‌شود. همچنین معرفی خدمات ارزیابی و ارزش‌گذاری مربوط به کار گروه ۲۴ گانه ارزیابی فنی کسب‌وکارها در ۲۴ رشته تخصصی با حضور اساتید منتور و واحدهای دانشگاهی هم‌یکی دیگر از خدمات غرفه پارک علم و فناوری است که در روز اول با حضور دو منتور تخصصی حوزه IT از واحد دمووند خدمات مشاوره‌ای ارائه شد و در روزهای نمایشگاه نیز ارائه این خدمت به‌صورت رایگان در غرفه ادامه خواهد داشت.»

قاسمی با بیان چشم‌انداز و اهداف پارک علم و فناوری دانشگاه آزاد گفت: «توسعه زیرساخت با استفاده از ظرفیت‌های عظیم دانشگاه آزاد در سراسر کشور در راستای شکل‌گیری کسب‌وکارهای دانش‌بنیان و رشد آنها از اولویت‌های پارک علم و فناوری این دانشگاه است. همچنین ترویج تحقیقات کاربردی، بسترسازی ظهور و شکوفایی علوم‌های تکنولوژی برای خودکفایی و ثروت‌آفرینی و کمک به چرخه فعالیت کشور در مسیر کنترل تحریم‌ها با محصولات تولید داخلی و اشتغال‌آفرینی شرکت‌های زیرمجموعه این پارک از جمله خدماتی است که همواره در مجموعه پارک دنبال می‌شود.»

وی ادامه داد: «چشم‌انداز پارک علم و فناوری کسب‌وکارهای غیرشهریه‌ای حوزه دانش تخصصی و امکان سرمایه‌گذاری از درآمد‌ها در ایجاد کسب‌وکارهای کوچک برای دانشجویان با استفاده از کلیه امکانات دانشگاه است. این کسب‌وکارهای زایشی دانشگاه باید در مسیر رشد خود در دانشگاه هر ساله به سهم بازار بیشتری از داخل کشور و نهایتاً در مسیر صادرات دست یابند و پارک نقش تسهیلگری در این فرآیند خواهد داشت.» معاون توسعه بازار پارک علم و فناوری دانشگاه آزاد در مورد چالش‌های این مسیر گفت: «در این مورد طبیعتاً در سازمان‌های بزرگ با چالش طول مسیری که باید طی شود، روبرو هستیم ولی پارک علم و فناوری با هدایت مدیریت در ایجاد افکار چابک‌ساز در پرسنل تخصصی خود سعی در حذف تهدیدها داشته و با داشتن نگاه رو به جلو با استفاده از فرصت‌ها سعی در کنترل چالش‌ها دارد، همچنین ما در راه خود توانسته‌ایم با این تکنیک بر سرعت اقدامات قابل انجام از طریق شناسایی مسیرهای قابل دسترسی به فعالیت خود ادامه دهیم.»

آزاده قاسمی، معاون توسعه بازار پارک علم و فناوری دانشگاه آزاد در گفت‌وگو با «فرهنگیختگان» اظهار داشت: «پارک علم و فناوری دانشگاه با مجوز وزارت علوم از سال ۹۵ فعالیت خود را شروع کرد. در حال حاضر این پارک در دو موقعیت جغرافیایی قلیک و پاسداران ارائه‌دهنده خدمات و زیرساخت به شرکت‌های فناور و دانش‌بنیان است. علاوه بر این پردیس پارک علم و فناوری در پردیس واحدهای دانشگاه اسلامشهر، نجف‌آباد، تهران شمال و یاسوج راه‌اندازی شده است. بنابر تاکیدات دکتر طهرانچی درباره توسعه‌دهندگی اکوسیستم فناوری با ارائه خدمات پارک در واحدهای سراسر کشور که از

ظرفیت قابل ملاحظه برخوردارند، این فرآیند ادامه‌دار بوده و پارک مادر با تمام توان سعی بر تسریع موضوع در سراسر کشور را به‌عنوان رسالت در برنامه‌های خود دنبال می‌کند. همچنین پارک دانشگاه به دنبال توسعه و ترویج فرهنگ کارآفرینی، ضمن توافقی و انجام تفاهنامه با واحدهای دانشگاهی استان تهران از جمله واحد پرند و یادگار امام امکان استفاده از زیرساخت‌های تولیدی و کارگاهی را نیز فراهم کرده است.»

وی با اشاره علت حضور پارک علم و فناوری دانشگاه آزاد در نمایشگاه الکامپ گفت: «الکامپ برندی صاحب‌نام در حوزه الکترونیک و کامپیوتر در کشور است که به‌صورت کیفی توانسته است کارکرد خود را در مسیر اهداف تخصصی در بازار و دنیای دیجیتال کنونی حفظ کند و شاید بتوان آن را به یک رویداد بزرگ تخصصی نیز نسبت داد که شبکه‌ای از فناوران تکنولوژی داخلی و خارجی، سرمایه‌گذاران و سازمان‌های دولتی و خصوصی حوزه فناوری را گرد هم می‌آورد و هر ساله طوفانی از انگیزش و رقابت را برپا می‌کند. این نمایشگاه فرصتی است تا شرکت‌های فناور و ذی‌نفعین حوزه، نقاط ضعف خود را شناسایی و با استفاده از باخورد‌های مخاطبان وضعیت خود را بهبود دهند و هزار ایده تازه را که از محل تلاقی شبکه تخصصی در افکارشان ایجاد شده در شرف ذهنی خود به منصف ظهور برسانند.»

قاسمی درباره دلایل حضور پارک علم و فناوری دانشگاه آزاد در این نمایشگاه تخصصی بیان داشت: «رسالت پارک در راستای تعهدات خود به وزارت علوم، حوزه‌های مختلفی مانند کمک به افزایش حضور و مشارکت تخصصی واحدهای فناور در سطح ملی و بین‌المللی، ارائه خدمات پشتیبانی، فناوری، مالی و مشاوره‌ای به واحدهای فناور و شرکت‌های دانش‌بنیان، انتقال و جذب دانش فنی در مواجهه با زیست‌بوم‌های تخصصی را شامل می‌شود. همچنین در راستای حمایت از ایجاد و توسعه کسب‌وکارهای فناور و فرهنگ ترویجی حوزه کارآفرینی که به شکل شفاف در اساسنامه پارک دانشگاه منعکس شده آنها را هم دنبال می‌کنیم.»

وی افزود: «رسالت دیگر پارک علم و فناوری تاکیدات دکتر طهرانچی، مقام عالی دانشگاه بر استفاده از ظرفیت‌های زیرساختی و علمی ارزنده دانشگاه آزاد به‌وسعت کشور در راستای ترویج فرهنگ بازار ایرانی- اسلامی، اشتغال‌زایی، استفاده بهینه از اساتید فناور برای دستیابی بهتر به ارکان دانشگاه کارآفرین با حفظ ارزش‌های بازار بومی ایران مطابق با فرصت‌های صنعتی و نظام موضوعات فناور در هر اقلیم از کشور به فراخور برکات طبیعی در هر خطه جغرافیایی با شناسایی مناسب فرصت‌های بازار در کشور قابل دستیابی است. همین‌طور تاکید بر دانشجویان فن‌آموز که بتوانند از رشته‌های تخصصی خود از همان دوران تحصیل دست به کسب‌وکار بزنند و دارای درآمد مستقل باشند و این با هدایت دانشگاه برای قشر جوان قابل دستیابی است. قشر جوان فعلی اصطلاحاً نسل اینترنت (نسل Z) هستند که با سواد دیجیتالی خود در نسل



ادامه از صفحه ۴

مصطفی عابدینی، مدیر برندینگ و روابط‌عمومی دانشگاه آزاد واحد الکترونیک درحاشیه نمایشگاه الکامپ با بیان اینکه استارت‌آپ‌های بیشتری نسبت به دوسال قبل در نمایشگاه الکامپ حضور دارند و قسمت فناوری نسبت به دوره گذشته پررنگ‌تر است، گفت: «فعالیت واحد الکترونیکی دانشگاه آزاد در نمایشگاه الکامپ در سه محور دنبال می‌شود. دبیرخانه فضای مجازی بازوی تمام‌سامانه‌های ارائه‌شده توسط دانشگاه آزاد است. دانشجوپار، فلک دانشجویی و مرکز آموزش‌های کوتاه‌مدت، سامانه پاسخگویی، وادانا و واداروم از سامانه‌های ارائه‌شده توسط واحد الکترونیکی دانشگاه آزاد است. در سامانه آموزش‌های کوتاه‌مدت نیز دوره‌هایی ویژه نمایشگاه الکامپ در حوزه فناوری روز تعریف شده است.»

عابدینی با اشاره به کاربرد سامانه‌های دانشگاه آزاد بیان کرد: «این سامانه‌ها در مسیر تحصیل کمک‌زبادهی در دانشجو خواهد کرد، یعنی فرآیند آغاز به ثبت‌نام تا دفاع از پایان‌نامه (با استفاده از سامانه وادافا) را کاملاً پوشش می‌دهد. مرکز آموزش تخصصی دانشگاه آزاد نیز مکمل آموزش‌های آکادمیک می‌شود و با مخاطب‌سنجی و نیازسنجی به دانشجویان کمک می‌کند تا با آگاهی و مهارت بیشتری وارد حوزه اشتغال شوند. دبیرخانه فضای مجازی نیز در سطح گسترده‌تری ورود می‌کند. برای مثال سامانه پژوهشپار دبیرخانه، پایان‌نامه‌ها و دفاع را

مدیر برندینگ و روابط‌عمومی دانشگاه آزاد واحد الکترونیک:

خدمات گسترده‌ای به سازمان‌ها و نهادهای آموزشی ارائه می‌دهیم

هدفمند کرده و به سمتی سوق می‌دهد که نیاز جامعه است، همه این سامانه‌ها در کنارهم به دانشجو در صنعت و بازار کمک خواهد کرد.»

مدیر برندینگ و روابط‌عمومی دانشگاه آزاد واحد الکترونیک افزود: «از آنجایی که دانشگاه آزاد یکی از مجریان فضای آموزشی است، سامانه‌های کاربردی را طراحی می‌کند. درواقع مخاطب را می‌شناسیم و با نیاز مخاطب و دانشجو آشنا هستیم. از این رو تلاش می‌کنیم محصولی ارائه دهیم که نیازهای حوزه آموزش را برطرف کند. دانشگاه آزاد به سمت هوشمندسازی آموزش حرکت می‌کند، البته در این حوزه‌ها رقیب کم نداریم ولی سعی می‌کنیم با شناخت مزایا و ویژگی‌های محصولات آنان نسخه بهتری از سامانه را ارائه دهیم. برای مثال رفقای زیادی برای سامانه واداروم داریم که در جهت برگزاری جلسات آنلاین فعالیت می‌کنند و ما تلاش می‌کنیم زیرساخت‌های بهتری برای این سامانه در نظر بگیریم که مخاطب‌پسندتر بوده و دسترسی آسان داشته باشد؛ همچنین امکان ضبط برنامه برای جلسات را فعال کردیم و امنیت سامانه را بالا بردیم.»

وی ادامه داد: «هوشمندسازی به بهره‌وری آموزش کمک می‌کند. وقتی آموزش به‌صورت آنلاین باشد هم در رفت و آمدها دانشجویان و هم میزان یادگیری و روش‌های آموزش موثرترگذار خواهد بود. دانشجوی امروز این زیرساخت آموزشی را از دانشگاه می‌طلبد و مساله‌ای نیست که بخواهیم

رئیس هیات‌مدیره شرکت رایمند فناوران پارس:

می‌خواهیم تا ۳ سال آینده تولیدکننده سخت‌افزارهای مورد نیاز کشور باشیم

محصولات ما از کشور چین تاپوان وارد می‌شود به همین دلیل شرکت‌های حوزه الکترونیک و کامپیوتر عمدتاً با مشکلات عرضه محصولات خود مواجه هستند. چالش بعدی مساله سرمایه در گردش است. برای مثال ما یک پروژه قبول می‌کنیم، ۱۰ هزار باتری برای یک شرکت پرداختی قرارداد می‌بندیم، زمان تحویل سفارشات حدوداً شش ماه زمان می‌برد و بعد از دریافت وجه برای خرید ماده اولیه تولیدات بعدی با کاهش ارزش پولی مواجه می‌شویم. همانند وقتی که روی تردمیل راه می‌رویم، پیشرفت چشمگیری نخواهیم داشت.»

وی افزود: «از ویژگی‌های صنعت الکترونیک بهره‌بری مناسب از آن است.

در گذشته تمام این محصولات از خارج کشور وارد می‌شد و درحال حاضر

ما با دانش فنی و فعالیت‌های بازاری توانستیم اشتغال ایجاد کنیم. با

اینکه با چالش‌های متفاوتی روبه‌رو هستیم اما تولید داخلی به دلیل

کاهش ارزبری کشور و افزایش اشتغال، سود بیشتری نسبت به واردات

برای کشور خواهد داشت.»

کارگزار تجاری سازی پارک علم و فناوری دانشگاه آزاد:

کارگزار تجاری سازی مسیر ارائه محصولات به بازار را کوتاه می‌کند

می‌تواند اقدامات دیگر مربوط به روند تولید را نیز انجام دهد، قطعاً هزینه و زمان زیادی را باید در این زمینه صرف کند.»

کارگزار تجاری سازی پارک علم و فناوری دانشگاه آزاد با اشاره به دیدگاه اشتباه مسئولان حوزه فناوری اظهار کرد: «مدیران کشور اعتقادی به برون‌سپاری مسئولیت‌ها نداشته و گمان می‌کنند تمام مسائل حوزه فعالیت‌هایشان را می‌توانند با تشکیل دادن یک دایره کوچک از افراد برطرف کنند؛ همچنین ایرادات فعالیت خود را قبول نمی‌کنند، حتی با دریافت پروپوزال و پیشنهادهای مطلوب در حوزه مدیریت فناوری باز هم به روند خود ادامه می‌دهند.»

وی افزود: «رسالت پارک علم و فناوری این است که با قرار دادن فضای مناسب و حمایت مالی از شرکت‌هایی که نیاز به توسعه دارند، در تحقق ایده‌ها و طرح‌های آنان کمک‌کننده باشد تا درنهایت بتوانند به‌صورت مستقل فعالیت خود را ادامه دهند. البته سطح تجاری سازی در این پارک نیز با مرحله مطلوب فاصله دارد و کارآفرینان و سازمان‌ها اعتقادی به کارگزاری تجاری سازی ندارند؛ این چالش در پارک‌های علم و فناوری باید با فرهنگسازی در مسیر درست برطرف شود.»

دانشگاه

farhikhteganonline



www.fdn.ir

مدیرعامل شرکت سامانه بهینه مبتکران پیون:

جای خالی حمایت مالی از شرکت‌های فناور احساس می‌شود

محمدشهاب شریف‌زاده، مدیرعامل شرکت سامانه بهینه مبتکران پیون که در پارک علم و فناوری دانشگاه آزاد استقرار دارد، گفت: «نمایشگاه الکامپ در حوزه تخصصی ما که B2B است خروجی خوبی ندارد اما در حالت کلی قابل قبول است و استقبال نسبتاً خوبی از این نمایشگاه صورت گرفته است.»

شریف‌زاده با اشاره به محصول ارائه‌شده در نمایشگاه الکامپ بیان کرد: «شهر هوشمند پایزن محصول ارائه‌شده شرکت ما است. در این اپلیکیشن تمامی خدمات شهروندی و شهری به‌صورت یکپارچه و متمرکز در انواع راه‌های ارتباطی از جمله اپلیکیشن، تلفن، وبسایت، پیامک و... در اختیار شهروندان قرار می‌گیرد. یعنی افراد می‌توانند با یک پلتفرم از تمام خدمات شهروندی برخوردار شوند. این طرح درحال حاضر در بستر خدمات شهرداری ارائه شده است. برای مثال سامانه ۱۳۷ در گزارش مشکلات امور شهری مانند نیازمندی یک منطقه به آسفالت یا لکه‌گیری خیابان از آن استفاده می‌کند؛ یا مشکلات مربوط به بازرسی از طریق سامانه ۱۸۸۸ امکان پذیر است و شهروندان می‌توانند انتقادات، پیشنهادها، تقدیر و مسائل خود را با شماره‌گیری این سامانه مطرح کنند.»

وی ادامه داد: «در کنار این دو پلتفرم ما خدمات بسیار گسترده‌تری ارائه می‌دهیم؛ مانند خدمات غرفه مجازی که برای رونق دهی کسب‌وکار خانگی استفاده می‌شود، خدمات درمانی که شامل پزشک هوشمند و معرفی سلامت‌کننده‌های طب نوین شده و سامانه

فرهنگی هنری ورزشی که تمام سامانه‌های این حوزه تحت پوشش پلتفرم شرکت ما قرار

می‌گیرد و شهروندان می‌توانند با یک جست‌وجوی ساده به تمام این اطلاعات دسترسی

داشته باشند. از جمله خدمات دیگر پلتفرم شرکت ما می‌توان به ملاقات شهروندان با

مسئولان شهری به‌صورت تصویری با زرزو آن برای یک روز مشخص، گردشگری، آموزش،

کتابخانه، تبلیغات هوشمند و... اشاره کرد. سازمانی که در بستر این پلتفرم فعالیت

می‌کند می‌تواند بابت ارائه خدمات از شهروندان یا صاحبان کسب‌وکارها مبلغی دریافت

کند و منبع درآمدی داشته باشد.» مدیرعامل شرکت سامانه بهینه مبتکران پیون گفت:

«رسالت شرکت ما شهر هوشمند است که بتوانیم در ابتدا به کشور خودمان پلتفرمی

ارائه دهیم که حوزه شهر هوشمند را در معنای واقعی کلمه پوشش دهد. شهر هوشمند

خدماتی را شامل می‌شود که برای تمام شهروندان قابل توسعه باشد، مردم می‌توانند

به‌راحتی بدون اینکه از منزل خود خارج شوند خدمات خود را در کمترین زمان و هزینه

از طریق اپلیکیشن یا پلتفرم‌ها دریافت کنند.»

شریف‌زاده به چالش‌هایی که در مسیر طراحی پلتفرم‌ها با آن مواجه بودند اشاره کرد و

گفت: «مهم‌ترین چالشی که در این مسیر داشتیم در حوزه حمایت‌ها بود و آن‌طور که

انتظار داشتیم تحقق پیدا نکرد. سیستم کاری ما متکی به نیروی انسانی است. نیروی

انسانی در بخش نرم‌افزار هزینه‌های زیادی دارد و ما به گردش سرمایه بالایی نیاز داریم

تا بتوانیم در بخش‌های مختلف قدرتمند باشیم. جای خالی حمایت مالی از شرکت‌های

فناور همواره احساس می‌شود و ما مجبوریم با روش‌های دیگری با چالش‌های خود روبه‌رو

شویم که باعث طولانی‌تر شدن مسیر ما خواهد شد.» وی ادامه داد: «تبلیغات زیادی

درمورد حمایت از شرکت‌های فناور انجام می‌شود اما شرکت‌هایی شامل این حمایت‌ها

می‌شوند که تراکنش بالایی داشته باشند، اما در واقع شرکتی که آورده مالی مطلوبی

داشته باشد نیازمند حمایت نیست و نگاه سازمان‌ها به حمایت به جهت سودآوری است.»

مدیرعامل شرکت شکوه پارس نوین:

کیفیت سامانه‌ها به تقویت زیرساخت‌های اینترنت وابسته است

زیرساخت اینترنت است زیرا تمام این سامانه براساس دسترسی اینترنتت دانش‌آموزان و معلمان طراحی شده و هرچقدر این زیرساخت تقویت شود به‌تبع آن سامانه بهتر فعالیت خواهد کرد. اگر جایی باشد که به هر دلیل معلم یا دانش‌آموز به اینترنت دسترسی نداشته باشد یا موقتا قطع شود، امکان استفاده از سامانه را نخواهند داشت.»

وی افزود: «چالش بعدی این است که این سامانه یک محیط متقابل است. یعنی نیاز دارد که هم دانش‌آموز و هم معلم در آن حضور فعال داشته باشند. اگر معلمان کلاس ایجاد کنند و دانش‌آموزان رغبتی نداشته باشند قطعاً انگیزه آنان از دست خواهد رفت و اگر دانش‌آموزان حضور داشته باشند و معلمان فعالیتی انجام ندهند باز هم این سامانه کاربرد خود را از دست خواهد داد. این چالش برای خود ما وجود دارد که بتوانیم این دو قشر را به‌صورت متقابل در این سامانه جمع کنیم.»

مدیرعامل شرکت شکوه پارس نوین به هدف ایجاد این سامانه اشاره کرد و گفت: «هدف اصلی ما این است که بتوانیم فضایی را ایجاد کنیم که دانش‌آموزان و معلمان سراسر کشور فقط با دسترسی به اینترنت از این سامانه استفاده کنند و تجربیات خود را با هم به اشتراک بگذارند.»

مهدی حاتمى، مدیرعامل شرکت شکوه پارس نوین که در پارک علم و فناوری

دانشگاه آزاد اسلامی مستقر است، بیان کرد: «شرکت ما اولین سال است که

در نمایشگاه الکامپ حضور دارد، محصولی که در این نمایشگاه ارائه داده‌ایم

یک سامانه مدیریت آموزشی یا LMS واسط است که با هدف ارتباط مجازی

بین معلمان و دانش‌آموزان سراسر کشور ایجاد شده است.»

وی در ادامه افزود: «در کشور ما معلماتی حضور دارند که دارای ایده‌های

خلاقانه آموزشی هستند و دانش‌آموزان مستعدی نیز وجود دارند که از این

طرح‌ها بی‌بهره‌اند. از طریق این سامانه و برگزاری کلاس‌های آنلاین، معلمان

و دانش‌آموزان می‌توانند به‌صورت سراسری باهم در ارتباط باشند، تمرکز این

سامانه بر دروس تحصیلی آموزش و پرورش است یعنی کل ۱۲ سال تحصیلی،

همه گرایش‌ها و همه دروس را پوشش می‌دهد، معلمان می‌توانند در حساب

کاربری خود کلاس ایجاد کنند و دانش‌آموزان از طریق سامانه جست‌وجوی

LMS در کلاس‌های مورد نظر خود ثبت‌نام خواهند کرد. این اقدام می‌تواند

راهی جهت کسب درآمد معلمان باشد.»

حاتمی با اشاره به چالش‌های پیش‌روی این مجموعه گفت: «چالش

سیستماتیکی که احتمالاً در آینده با آن برخورد خواهیم داشت، بحث

آگهی فراخوان – تجدید مناقصه

موضوع : خرید ۱۰۰۰۰ کیسه ۲۵ کیلوگرمی نشاسته حفاری HT به شماره مناقصه ۰۱۱۵۵ با شماره ۰۲۴-۰۹۲۹۲۱۰۰۰۰ روی برد سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد)

مهلت تحویل استاندارد ارزیابی کیفی مناقصه‌گران: ۱۴ روز پس از اتمام مهلت دریافت استاندارد ارزیابی کیفی (مورخ ۰۴/۲۷/۱۴۰۲).

شرایط شرکت در مناقصه:

۱) داشتن شخصیت حقوقی (۲) داشتن تجربه کافی و سابقه مرتبط با موضوع مناقصه(۳) ارائه صورت‌های مالی حسابرسی شده سال ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۰ ثبت‌نام در سامانه جامع تجارت ایران (جام) به نشانی "ntswit" به منظور فراهم کردن امکان استخدام و تعیین اصالت صورت‌های مالی حسابرسی شده مناقصه‌گران از سامانه پردیس (۵) تأیید حضور شرکت مناقصه‌گر (سازنده-تامین‌کننده) در فهرست بلند منابع واحد دستگاه مرکزی AVL صنعت نفت (۶) گواهی QC شرکت سازنده (۷) استانداردهای (OCMA یا API) یا استانداردهای داخلی (۸) الزام رعایت قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور مصوب ۰۲/۱۵/۹۸ توسط کلیه مناقصه‌گران

همه آگهی مناقصات مدیریت اکتشاف شرکت ملی نفت ایران در سایت www.niocexp.ir قابل مشاهده است. در صورت نیاز به اطلاعات متقاضیان می‌توانند با شماره تلفن ۰۲۲۴-۰۸۲۷-۰۲۱ و در خصوص سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) متقاضیان می‌توانند با شماره تلفن ۰۲۱-۰۱۶۲۲۲۱۷-۰۲۱ تماس حاصل نمایند.

شناسه آگهی: ۱۵۱۵۵۳۳
روابط عمومی مدیریت اکتشاف

نوبت دوم

نوبت دوم

آگهی تجدید مناقصه (نوبت دوم)

مناقصه عمومی یک مرحله‌ای (به روش معمولی همراه با ارزیابی کیفی)

موضوع مناقصه: خرید مواد شیمیایی (تقاضای شماره ۰۲۱۰۰۱۳)

مشخصات مناقصه: (XC POLYMER)

نام مناقصه گزار	شماره تقاضا/ مناقصه	شرح تقاضا	مبلغ برآورد (ریال ارز)
شرکت ملی حفاری ایران	۰۲۱۰۰۱۳	(XC POLYMER)	۲۳۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰

روش ارزیابی کیفی مناقصه‌گران:

بر اساس کسب حداقل امتیاز مربوط به معیارهای موجود در استعلام‌های ارزیابی کیفی که توسط متقاضیان شرکت در مناقصه تکمیل می‌شود، انجام می‌گردد. (حداقل امتیاز ۵۰)

نحوه دریافت/ تحویل اسناد مناقصه:

دریافت اسناد توسط شرکت	تاریخ شروع دریافت محل دریافت	آخرین مهلت تحویل اسناد به شرکت	محل تحویل
	توزیع اسناد از یک روز پس از چاپ آگهی نوبت دوم آغازشده و تا ۱۰ روز پس از آن ادامه خواهد داشت.	۱۴ روز پس از آخرین روز دریافت اسناد	سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به نشانی www.setadiran.ir اصل ضمانت‌نامه به آدرس اهواز- بلوار پاسداران بالاتر از میدان فرودگاه- شرکت ملی حفاری ایران- ساختمان پایگاه عملیاتی -طبق اول B- اتاق ۱۰۷- دبیرخانه کمیسیون مناقصات- شماره تماس ۰۶۱۴۸۵۶۹-۰۳۴-۰۶۱۴۸۵۶۹

تضمین شرکت در مناقصه (فرآیند ارجاع کار):

مبلغ تضمین	مبلغ تضمین
۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال (ده میلیارد و شصصد و بیست میلیون ریال) تقاضای ۰۲۱۰۰۱۳	ضمانت‌نامه بانکی یا ضمانت‌نامه‌های صادره از سوی موسسات اعتباری غیربانکی دارای مجوز فعالیت از بانک مرکزی و سایر تضمین‌های معتبر در آیین‌نامه تضمین معاملات دولتی به شماره ۰۶۵۹-ت۵۰۲/۱۳۳۴ مورخ ۰۹/۱۲/۹۴ مورد قبول و پذیرش می‌باشد. اصل فیش واریز وجه نقد به حساب شماره ۰۶۳۷۶۶۳۶-۴۰۰۱۱۱۴۰۰ نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تحت عنوان تمرکز وجوه سپرده شرکت ملی حفاری ایران (شماره شبا: ۰۶۳۷۶۶۳۶-۴۰۰۱۱۱۴۰۰-۴۰۰۱۱۱۴۰۰-۰۶۱۴۸۵۶۹)
انواع تضمین قابل قبول	روز (برای یکبار در سقف مدت اعتبار اولیه قابل تمدید باشد).
مدت اعتبار پیشنهاد/ تضمین	تذکر: با توجه به بخشنامه شماره ۹۸/۱۳۸۶۶۵ مورخ ۰۳/۰۴/۹۸ معاونت پژوهش و فناوری وزارت نفت مبنی بر به کارگیری سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) ثبت‌نام کلیه متقاضیان حضور در مناقصات، مزایدهات شرکت ملی حفاری ایران در پایگاه www.setadiran.ir الزامی می‌باشد. کانال‌های اطلاع‌رسانی شرکت ملی حفاری ایران www.nidc.ir http://sapp.ir/nidc_pr

شماره شناسه ۱۵۱۷۹۱۳



گزارش

شاخه نظامی حماس از کرانه باختری

شهرک‌های صهیونیست‌نشین را هدف قرار داد

فعلات ۲ راکت

روز گذشته رژیم‌صهیونیستی با دو بحران مواجه شد؛ نخست اقدام نیروهای مقاومت لبنان در به دست گرفتن کنترل یک پهپاد ارتش رژیم‌صهیونیستی بر فراز خاک کوشورشان که نشان‌دهنده برتری الکترونیکی این گروه بر رژیم بود و دوم پرتاب دست‌کم دو راکت از منطقه جنین در کرانه باختری به سمت شهرک‌های صهیونیست‌نشین.

باز داشتن اقدام تجاوزکارانه رژیم در لبنان و دست زدن به اقدامی تهاجمی در داخل سرزمین‌های اشغالی ضد اشغالگران تصویری از وضعیت موجود برای شهروندان صهیونیست ترسیم می‌کنند تا محدودیت‌هایی را که با آن مواجه شده‌اند، بهتر درک کنند.

به گزارش مهر از وبگاه قدس الاخباریه، منابع فلسطینی دیروز (دوشنبه ۵ تیر/۲۶ ژوئن) با انتشار تصاویری از شلیک دو فروند راکت از سوی گردان العیاش وابسته به گردان‌های عزالدین قسام (شاخه نظامی جنبش حماس) در غرب جنین به سوی اراضی اشغالی خبر دادند. گفته می‌شود راکت‌های پرتاب‌شده از نوع «قسام یک» بوده‌اند. این راکت با کالیبر ۶۰ میلی‌متری، ۷۹ سانتی‌متر طول، ۱۵ کیلو وزن، ۵ کیلوگرم کلاهک جنگی و ۵ کیلومتر برد دارد.

ارتش رژیم‌صهیونیستی دوشنبه گذشته با تایید پرتاب راکت در ساعات صبح، تعداد آن را یک فروند ذکر کرد. براساس این بیانیه راکت مزبور در فاصله ۱۵۰ متری دیوار حائل سقوط کرده است. تفاوت در تعداد موشک‌ها در خبرهای فلسطینی و صهیونیستی نشان می‌دهد یکی از موشک‌ها احتمالاً به‌دلیل نقص فنی در همان ابتدای پرتاب سقوط کرده است.

پیش از این نیز در چهارم خرداد (۲۵ می) رسانه‌های صهیونیستی از پرتاب یک راکت از سمت کرانه باختری به سمت یک شهرک خبر داده بودند. این راکت هم به ادعای صهیونیست‌ها پیش از رسیدن به هدف به‌دلیل مشکلات فنی در هوا منفجر شد.

تکرار غزه در کرانه باختری؟

راکت‌های قسام که پرتاب‌شان به‌سمت صهیونیست‌ها برای نخستین بار از سمت کرانه باختری در سال جاری آغاز شده است، ریشه در غزه دارند. ۴ آبان ۱۳۸۰ (۲۶ اکتبر ۲۰۰۶) نخستین راکت‌های قسام یک- که اولین راکت پرتابی آنها به سمت رژیم بود- از غزه به سمت شهرک صهیونیست‌نشین سدبروت در اطراف این منطقه پرتاب شد. این شهرک با مرزهای نوار غزه ۳ کیلومتر و تا منطقه بیت لاحیا و جبالییا ۵ کیلومتر فاصله دارد. با توجه به برد محدود راکت قسام یک که به ۵ کیلومتر می‌رسید این شهرک تنها هدف ارزشمند در دسترس بود.

راکت‌های قسام درکنار رشد قدرت گروه‌های شبه‌نظامی فلسطینی، صهیونیست‌ها را مجبور کرد تا در سال ۲۰۰۵ از نوار غزه خارج شوند. پس از آن نیز تا امروز تنها غزه منشأ پرتاب راکت به مناطق صهیونیست‌نشین بوده است. تعداد راکت‌های پرتاب‌شده از ۱۰ هزار فروند فراتر رفته و دوربردترین آنها ۲۵۰ کیلومتر برد داشته است.

در شرایطی که گروه‌های شبه‌نظامی فلسطینی متعددی در کرانه باختری با قدرت به میدان مقابله با تل‌آویو وارد شده‌اند، مجهز شدن آنها به راکت می‌تواند این منطقه را نیز در مسیری قرار دهد که دودمه قبل غزه پیمود. با وجود این تفاوت‌هایی میان این دو منطقه وجود دارد. کرانه باختری به‌دلیل نزدیکی جغرافیایی به سوریه و لبنان و همچنین مجاورش با نقاط تمرکز صهیونیست‌ها در سرزمین‌های ۱۹۴۸ و اردن اهمیت بیشتری دارد. به‌لحاظ وسعت نیز این منطقه ۱۴ برابر بزرگ‌تر از غزه و از نظر جمعیتی ۱٫۵ برابر جمعیت این منطقه را داراست. از این رو مسلح‌سازی کرانه باختری می‌تواند اثراتی مخرب‌تر از مسلح شدن غزه برای صهیونیست‌ها داشته باشد و به‌دولت‌شان پایان دهد.

آیا توان راکتی کرانه باختری قابل افزایش است؟

نیروهای مقاومت در غزه به‌دلیل خارج شدن از سیطره مستقیم صهیونیست‌ها با وجود تحویل محاصره به این منطقه موفق شده‌اند تشکیلات نظامی گسترده‌ای ایجاد کنند. به گفته رسانه‌ها تأمین تسلیحاتی مقاومت در غزه با ایجاد خط تدارکاتی از دریای سرخ به صحرای سینا در مصر صورت گرفته و در حوزه راکت‌ها این مساله همراه با تولید این تسلیحات در کارگاه‌هایی در داخل غزه بوده است. در کرانه باختری با توجه به سیطره بالاتر صهیونیست‌ها نسبت به آنچه علیه غزه قابل اعمال است، راکت‌ها به اندازه نوار غزه قابل قاچاق، انبار و حتی تولید نیستند. از طرف دیگر به‌دلیل وجود شهرک‌های صهیونیست‌نشین در داخل کرانه باختری و نزدیکی این منطقه به نقاط تمرکز جمعیتی صهیونیست‌ها در سرزمین‌های ۱۹۴۸ مانند قدس غربی و تل‌آویو، نیازی نیز به راکت‌های برد بلند نیست تا گروه‌های مقاومت به‌سمت تولید راکت‌های بزرگ و دوربرد بروند.

مانند آنچه در ۴ خرداد و ۵ تیرماه رخ داده است، تعداد پرتاب راکت‌ها از کرانه باختری معدود خواهد بود و راکت‌های پرتاب شده به‌دلیل محدودیت انبارشوندگی پس از مدت کوتاهی از ساخت پرتاب خواهند شد. بااین‌حال آنچه اهمیت دارد گسترش دفعات چنین پرتاب‌هایی است. صهیونیست‌ها به آن تعداد از سامانه‌های گنبد آهنین دسترسی ندارند تا قادر به پوشش سراسر کرانه باختری و مناطق مجاور آن باشند. این مساله نشان می‌دهد گروه‌های مقاومت در کرانه با موانعی که مقاومت غزه با آن مواجه است، کمتر روبه‌رو خواهند شد. اگر نوار غزه به افزایش برد راکت‌هایش برای رسیدن به مناطق داخلی رژیم، افزایش سرعت و تعداد راکت‌ها برای فرار از بند گنبد آهنین نیاز داشت، کرانه باختری تنها به افزایش دقت راکت‌هایش نیاز دارد.



ساختار قدرت در روسیه چگونه است؟ ماجرای واگنر چه درس‌هایی برای پوتین داشت؟

خطر رولت روسی

ایجاد کرده نیز در اوکراین حضور دارد. ارتش رمضان قدیروف، رهبر چچن را نیز باید به این لیست اضافه کرد. از ابتدای سال میلادی نیز «گازپروم»، ارتش خصوصی خود را تشکیل داده است. این غول بزرگ انرژی، مدت‌هاست افرادی را با سابقه نظامی برای محافظت از دارایی‌های خود در سراسر جهان استخدام کرده اما بسیاری می‌گویند که یک واحد مسلح در اختیار گازپروم است و این واحد در خط مقدم فعال است. «فایننشال تایمز» به نقل از یک مقام ارشد سابق روسیه، گفته که «برای الیگارش‌ها و شرکت‌ها، راه‌اندازی این واحدهای نظامی راهی برای نشان دادن وفاداری آنها به تلاش‌های جنگی است.» هنوز مشخص نیست که تجربه واگنر آنچه در دهه ۱۹۹۰ رخ داد، مسکورا به تجدیدنظر در مورد ارتش‌های کوچک و بزرگ خصوصی، وامی دارد یا اینکه تنها قربانی این جنگ، واگنر خواهد بود؟

درس‌های واگنر

شورش ناگهانی، عجیب و اثرگذار واگنر درس‌هایی برای دولت‌های جهان دارد تا از تکرار اشتباه دولت روسیه در این خصوص بپرهیزند. هرچند روند‌ها نشان می‌دهد ابرقدرت‌ها و قدرت‌های منطقه‌ای با وجود بهره‌گیری از شرکت‌های امنیتی و گروه‌های نیابتی فراوان به مدت طولانی مراقب بروز مخاطرات بوده و در این امر موفق شده‌اند اما ماجرای مسکونشان می‌دهد فرآیندها باید همواره تحت نظر باشند.

انحصار زور فقط در دست دولت

براساس آنچه در علم سیاست آمده است، دولت حق انحصاری کاربرد مشروع زور در جغرافیایی مشخص ندارد. باقی ماندن انحصار اعمال زور در کشور در دستان دولت مرکزی، یک اصل است. حتی در آمریکا که اسلحه به‌صورت قانونی و به‌وفور در دستان شهروندان است و حتی گروه‌های شبه‌نظامی قادر به ثبت تشکیلات خود هستند، انحصار اعمال زور از دستان دولت خارج نشده است. دولت روسیه در برون‌سپاری افراطی امور نظامی، اجازه داد چند ارتش خصوصی بزرگ در مجاورت ارتش اصلی کشور ایجاد شود. چنین پدیده‌ای نشان ضعف دولت از طریق از دست رفتن انحصار کاربرد زور است.

بحران هم‌افزایی اقتصادی-نظامی یک گروه

برقراری پیوند میان قطب‌های اقتصادی و نیروهای مسلح داخلی که دارای ریشه‌های سیاسی هستند، یک اشتباه مرگبار است که می‌تواند در هر اختلاف، نتایج زیان‌باری به بار آورد.

امروزه با بروز شکاف میان واگنر و حامیان اقتصادی، نظامی و سیاسی آن با دیگر شاخه‌های مسلح روسیه، حتی بخشی از سیاست و تجارت خارجی این کشور نیز دچار اشکال شده است. نیروهای واگنر که محافظت‌معدان و منابع انرژی را در دیگر کشورها برعهده دارند، از این جمله‌اند. مشکل دیگر این است که این مساله دره‌ریختگی در جنگ ایجاد می‌کند و به دلیل ریشه سیاسی-اقتصادی این شرکت‌ها، مشکلات به حوزه‌های دیگر هم سرایت می‌کند. کشورهای بسیاری در جهان دارای شرکت‌های امنیتی خصوصی هستند که

درنهایت اتصال و هم‌افزایی قدرت اقتصادی، سیاسی و نظامی در آنها به بروز تنش انجامیده است.

«محمد حمدان دقلو» یک رهبر جوان و جسور قبیله‌ای بود که حفاظت از کاروان‌های شتر را برعهده داشت اما به مرور توانست با تشکیل شبه‌نظامیان قبیایی جنگاوید در غرب سودان به دولت مرکزی در سرکوب جدایی طلبان کمک کند. با این حال آنها در ادامه جزئی از نیروهای رسمی کشور شدند که به معنای ادغام آنها در نیروهای مسلح نبود بلکه در عمل به امتیازی در دستان آنان بدل شد و وجوهی سیاسی نیز یافتند. محمد حمدان با قدرت نظامی و سیاسی، در سال ۲۰۱۹ در همراهی با گروه‌های دیگر، عمر البشیر، رئیس‌جمهور وقت سودان را برکنار کرد. امروز محمد حمدان دقلو با تسلط بر میدانی طلای غرب سودان که بخش بزرگی از تولید ناخالص داخلی این کشور را تشکیل می‌دهد یکی

به شورش علیه دولت مرکزی این کشور به ریاست عبدالفتاح البرهان زده است. چندی پیش نیز نیروهای یک شرکت امنیتی رئیس‌جمهور هائیتی را به قتل رسانده بودند. با این‌حال ابرقدرت‌ها و قدرت‌های منطقه‌ای تا حد زیادی بر شرکت‌های امنیتی و گروه‌های نیابتی خود کنترل دارند؛ چیزی که روسیه امروز دیگر یک مثال نقض در میان آنهاست.

اشتباه گرفتن شرکت امنیتی با ارتش

شرکت امنیتی بلک‌واتر به‌عنوان یک شاخص والگو در میان شرکت‌های امنیتی جهان مطرح است. این شرکت پس از اشغال عراق قراردادی ۲۳ میلیون دلاری با دولت آمریکا برای حفاظت از پل برحرام آمریکاوی عراق دریافت کرد. پس از آن نیز بلک‌واتر به حفاظت از کادری دیپلماتیک آمریکا در سراسر جهان پرداخت. در عراق نیز واگنر هرچند در عملیات‌ها حاضر بود اما این حضور فراگیر و نوک پیکان تهاجمات موج انسانی نبود. به همین دلیل واگنر در سطح یک شرکت امنیتی باقی ماند و تبدیل به ارتشی ترسانک‌نشد. آمریکا در حوزه تشکیل عوامل نیابتی سیاست‌های خود را داشته و در جریان پروژه‌های خود ارتشی صهیونیستی را در سرزمین‌های اشغالی فلسطین ایجاد کرده که کنترلش را همچنان در دست دارد. واشگنگتن به ساخته و پرداخته کردن گروه‌ها اما نیابتی دیگری نیز پرداخته که از ابتدا خواهان کنترل مستقیم آنها نبوده و صرفاً کوشیده از آنها برای ضربه به دشمنان خود بهره‌گیرد بدون آنکه قصد داشته باشد از چنین گروهی برای آینده بهره‌برد. گروه داعش نمونه‌ای از گروه‌های نیابتی آمریکا در این حوزه هستند.

روسیه اما واگنر را از یک شرکت امنیتی به ارتشی خصوصی و نیابتی تبدیل کرد ولی الزامات چنین تغییری را لحاظ نکرد تا دچار مشکلات اینچنینی نشود. مشکل دیگر آن است که یک گروه نیابتی نباید از شهروندان کشور میدا تشکیل شوند. اگر یک گروه نیابتی بخواهد نوعی واگرایی نسبت به هدایت‌کننده خود نشان دهد، این اقدام را در محل اصلی استقرار خود انجام می‌دهد. اگر اعضای گروه نیابتی از شهروندان یک کشور باشند، آنها در محل اصلی استقرار خود که میهن‌شان است این اقدام را انجام خواهند داد. این مساله

تجایی مهم است که حتی بسیاری از کشورها نگران بازگشت شهروندانی هستند که در گروه‌های تروریستی یا نیابتی چندملیتی مانند داعش و القاعده عضویت داشته‌اند. روسیه به شکل اعجاب‌آوری چندین گروه نیابتی از شهروندان خود تشکیل داد و به اوکراین فرستاد. آنها نیز زمانی که خواهان واگرایی شدند، دست‌کم شهر روستوف را که مقر جنوبی ارتش روسیه بود به راحتی تصرف کرده و با پیشروی ۵۰۰ کیلومتری به استان وروژ به ۴۰۰ کیلومتری پایتخت رسیدند. اگر اکثر اعضای واگنر از روس تباران شرق اوکراین بودند در صورت نشان دادن واگرایی وارد خاک روسیه نمی‌شدند.

روسیه که چندین گروه نیابتی متشکل از شهروندان خود تشکیل داده است، آنها را دقیقاً در مجاورت مرزهایش به کار گرفته است. اگر روسیه از آنها در بالکان بهره می‌برد، خطرات کمتری برایش داشت. شاید کسان می‌تواند بالکان باز می‌گشتند خطرات امنیتی برای کشور داشتند اما نمی‌توانستند کاروان‌های نظامی شامل تور ام-۱۰ در جاده‌های روسیه به راه بیندازند.

لزوم مراقبت از شاخه‌های نظامی

واگنر بدون مانع قابل توجهی توانست در عمق خاک روسیه دست به پیشروی بزند. اگر نظارت‌های موتری بر این گروه اعمال می‌شد، هیچ‌گاه میزان تسلط اداره کنندگان به جایی نمی‌رسید که ده‌ها هزار نیروی تحت فرمان‌شان را تا این میزان فرمان‌پذیر خود ساخته و علیه کشور خود در حین جنگ دست به اقدام بزنند. اگر مراقبت موتری وجود می‌داشت پریگوژین قبل از اقدام دستگیر می‌شد. یک گروه سیاسی اگر دست به اقدام بزند به دلیل قدرت کم قادر به اقدام هم‌تراز با شاخه‌های نظامی که برای پیشبرد امور خود دست به اسلحه هستند، نیست.

تقریباً تمام کشورها نظارت‌های موتری بر شاخه‌های نظامی خود دارند به‌گونه‌ای که حتی اگر نظامیان قصد کودتا داشته باشند آنها‌ند در قالب یک شاخه از نیروهای مسلح بلکه به‌طور کلی دست‌به‌قبضه قدرت می‌زنند. موفقیت اکثریت کشورها در حفظ نظارت بر شاخه‌های نظامی خود و بالاتر از آن حفظ قدرت رأس ارتش در حفظ تسلط و نظارت بر زیرمجموعه‌های خود نشان می‌دهد روسیه در این خصوص باضعفی غیرقابل اغماض روبه‌رو گشته که حتی دولت‌های ضعیف نیز بعضاً به آن دچار نیستند.

تفاوت برون‌سپاری نظامی با رشد جنگ‌سالاران

پریگوژین تنها نشانه از اشتباهات روسیه نیست. هم‌اکنون رمضان قدیروف، رئیس جمهوری چچن روسیه که پدرش سابقه جنگ با دولت مرکزی این کشور را دارد، از شبکه‌ای قدرتمند از نظامیان بهره می‌گیرد که در قالب شرکت امنیتی وی و تحت قالب گارد ملی عمل می‌کنند. وجود قدیروف در روسیه نشان می‌دهد مسکو عملاً به سمت مشروعیت دادن و رشد جنگ‌سالاران حرکت کرده که هرچه باشد از شاخش‌های کشورهای قدرتمند نیست. تاکنون کشورهایی مانند سومالی، افغانستان، لیبی پس از ۲۰۱۱ و همچنین مالی شاهد حضور جنگ‌سالاران بوده‌اند.

از حضور نمایشی مهاجم سابق تابدقولی برخی بازیکنان

صبر یحیی لبریز می شود؟

مربیان تیم ملی شاکی از وضعیت نامشخص خود

حمایت نکردن قلعه نویی

از دستیارانش

استقلال برای گلر تیم امید نامه زد؛ تراکتور رقیب آبی ها

باشگاه هوادار: خالد آبادی را

مفت نمی فروشیم

سعید عزت‌اللهی: پیشنهاد استقلال و پرسپولیس؟ هنوز تصمیمی نگرفته‌ام

هدف بزرگ ما فتح جام ملت‌های آسیاست

- بیرو مثل ترمیناتور است و زود خودش را جمع می‌کند
- فصل سختی را سپری کردم الان فقط استراحت!
- سرباز تیم ملی هستم

تماس یحیی، نکونام و منصوریان با هافبک ملی پوش



| Tue | 27 Jun 2023 | vol.15 |
No. 3898 | 16 Pages

سعید عزت‌اللهی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»: هدف بزرگ ما فتح جام ملت‌های آسیاست

پیشنهاد استقلال و پرسپولیس؟ هنوز تصمیمی نگرفته‌ام

■ بیرو مثل ترمیناتور است و زود خودش را جمع می‌کند ■ فصل سختی را سپری کردم الان فقط استراحت! ■ سرباز تیم ملی هستم

فوتبال قرار گرفت. در این زمینه چه صحبتی داری؟ باید دید کادرفنی تیم ملی چه هدفی در سر دارد و با چه هدفی در این رقابت‌ها حاضر شدیم. در هر صورت مهم‌ترین نکته این بود که باید در روزهای فیفادی به میدان می‌رفتم تا برای دیدارهای پیش‌رو از جمله رقابت‌های مقدماتی جام جهانی و جام ملت‌های آسیا هماهنگ‌تر شوم. تا چشم به هم بنزید موعد جام‌ملت‌ها فرا رسیده و اگر تدارک آن روزها را ندیده باشیم مطمئناً اول تیم ملی ضرر خواهد کرد، ضمن اینکه فکر می‌کنم کادرفنی تیم ملی هم از حضور در این رقابت‌ها به اهداف و توقعاتی که داشت رسید. ما به چشم دیدارهای تدارکاتی به این رقابت‌ها نگاه کردیم و مهم این بود که در این فرصت در فیفادی بدون بازی تدارکاتی نمایم.

در روزهای اخیر اخبار زیادی در رسانه‌های مختلف مبنی بر حضور در تیم‌های پرتغذیر ایرانی منتشر شد. در این مورد هم صحبت کنیم؟ حجم این اخبار به اندازه‌ای زیاد بود که خودم را هم شوکه کرد. در این مدت دوستان زیادی با من تماس گرفتند تا صحت و سقم آن را جویا شوند، اما واقعا شرایط خوبی نداشتم. بعد از اردوی تیم ملی فعلا مشغول استراحت هستم، اما به‌زودی تمرینات تیم‌ها آغاز خواهد شد و تا آن زمان تکلیف من هم روشن خواهد شد، ضمن اینکه مشغول مداوای سرم هستم. البته دوستان به من لطف دارند و وضعیت سلامتی ام را هم جویا می‌شوند ولی الان آینده فوتبالی ام انگار بیشتر مورد توجه قرار گرفته است.

خبر خاصی در خصوص این مذاکرات شده است؟ تا الان هیچ خبری نیست و من هم مشغول استراحت هستم تا برای فصل بعدی با قدرت به میدان برگردم. فصل سختی را سپری کردم و باید خوب استراحت و ریکاوری کنم تا در فصل پیش‌رو از لحاظ بدنی دچار مشکل نشوم. واقعیت این است که در حال حاضر زیاد نمی‌خواهم به مسائل فوتبالی و پیشنهاداتی که رسیده فکر کنم و دوست دارم در این برهه زمانی فقط استراحت کنم.

پیشنهاد از استقلال و پرسپولیس را خودت تایید می‌کنی؟ عزیزان زیادی به من لطف دارند و تماس‌های متعددی در این مدت داشتم، اما واقعیت این است که من با وایله دانمارک یک نیم‌فصل دیگر قرارداد دارم و برای جدایی ابتدا باید نظر مسئولان این تیم جلب شود. البته این تیم بعد از قهرمانی در لیگ دسته اول دوباره به لیگ برتر صعود کرده و آنها پیشنهاد تمدید قراردادم را داده‌اند و به شدت تمایل دارند در این تیم ماندنی شوم. این در شرایطی است که به جز تیم‌های ایرانی از چند کشور دیگر هم پیشنهاد دارم. اما الان ابتدا باید به دانمارک بازگشته و درباره پیشنهاداتم با مسئولان وایله صحبت کنم و در این مورد با تیم دانمارکی به جمع‌بندی برسیم. هنوز آینده فوتبالی‌ام مشخص نیست و فقط امیدوارم بتوانم با یک انتخاب خوب، روزهای بهتری در ادامه مسیر فوتبالی پیش‌رویم باشم.

اما در فضای مجازی و هواداری صحبت‌های زیادی درباره بازگشت به ایران مطرح می‌شود. تیم‌های ایرانی و هواداران آنها در این سال‌ها به من لطف داشته‌اند و هر بار هر خبری که در این خصوص منتشر شده وضعیت من را پیگیری کرده و به من دلگرمی داده‌اند. در این سال‌ها شاید اولویت همیشه بازی در اروپا بوده و باشد اما همان‌طور که گفتیم بعد از استراحت چندروزه می‌خواهم برای آینده فوتبالی‌ام بهترین تصمیم را بگیرم.



نادر عزت‌اللهی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»: دانمارکی‌ها به همین راحتی بی‌خیال سعید نمی‌شوند!

تماس یحیی، نکونام و منصوریان با هافبک ملی پوش

هر مربی به سعید اطمینان کرده ضرر نکرده است

امیدوارم برای سعید هم اتفاقات خوبی بیفتد. وی تاکید کرد: «اگر سعید را بفروشد باید دوباره پول بدهند تا یک بازیکن دیگر مثل او بخرد، به همین دلیل دوست ندارم سعید جدا شود. او هم شرایط باشگاه را می‌داند و از جوتیم و فضای لیگ دانمارک به خوبی شناخت دارد. همه اینها لحاظ می‌شود و همین‌طور نیست که به راحتی راضی به جدایی شوند.» این چهره درباره اینکه آیا سعید اصلا دلش می‌خواهد به ایران بیاید، گفت: «حقیقتاً در این مورد با هم صحبتی نکرده‌ایم، یعنی اصلا فرصتی نشده است. بعد از بازی‌های باشگاهی بلافاصله به اردوی تیم ملی رفته و از آنجا هم دوباره بازگشته و فرصتی برای صحبت در این خصوص نشد.» وی همچنین درباره شکستگی سر سعید و بازی با همان وضعیت برای تیم ملی اظهار داشت: «سر او بخیه خورده و مشغول مداواست و باید ابتدا زخم سرش ترمیم شود تا بتواند تمریناتش را آغاز کند. به‌عنوان یک ایرانی از همه بچه‌هایی که برای پیراهن تیم ملی تلاش می‌کنند تشکر می‌کنم که همه وجود خود را می‌گذارند. سعید هم به‌عنوان سرباز این مملکت دوست دارد بهترین اتفاقات برای فوتبال این مملکت بیفتد و همیشه در این سال‌ها هر زمان برای تیم ملی به میدان رفته با جان و دل کار کرده است. مطمئنم هر مربی در بحث فنی در این سال‌ها چه در تیم ملی و چه در باشگاهی که سعید اطمینان کرده ضرر نکرده است. این موضوع را به جرات می‌گویم. او دو برابر باشگاهش در تیم ملی توان می‌گذارد، چون دوست دارد دل مردم را شاد کند. او این موضوع را بارها ثابت کرده و به دفعات روی آن تاکید کرده است. بچه‌های دیگر تیم ملی هم همین‌طوری هستند. این روز هم در بازی با ازبکستان شرایط آن‌طور بود و دوست داشتم هرچقدر توان دارد برای تیم ملی بگذارد که خوشبختانه تا لحظه آخر با همه توان و انگیزه برای تیم ملی تلاش کرد و در نهایت هم با سایر بچه‌ها قهرمانی را بالای سر برد.»

برای ایران، برای اهدافی بزرگ‌تر و به‌واقع همه ما با همین هدف و با اتحاد و انسجام به میدان رفتیم. در گام اول قهرمانی کافا را می‌خواستیم، اما مطمئناً هدف بزرگ‌تر ما فتح جام ملت‌های آسیا آن هم بعد از چندین دهه است تا همان‌طور که سال‌ها در رنکینگ آسیا در فیفا حرف اول

نادر عزت‌اللهی هم در گفت‌وگو با «فرهیختگان» درباره آخرین شرایط پسرش سعید و شایعه‌های پیرامون وی گفت: «سعید نیم‌فصل دیگر با وایله قرارداد دارد و بعید است که به این راحتی‌ها بی‌خیال او شوند و اصلا بعید است او را رها کنند. این تیم تازه دوباره به لیگ برتر صعود کرده و می‌خواهد در سطح اول فوتبال دانمارک به ثبات برسد و به همین دلیل بعید می‌دانم رضایت سعید را بدهند. در این مدت مربیانی مانند نکونام، گل محمدی، منصوریان و موریس و دوستانی که بازی سعید را قبول دارند به ما لطف داشته و صحبت‌هایی را با او مطرح کرده‌اند و پیشنهادات خود را داده‌اند. اما باید ابتدا تکلیفش با باشگاه دانمارکی مشخص شود. اگر بدون مجوز باشگاه دانمارکی او نخواهد مذاکره‌ای داشته باشد مطمئناً این کار تبعیضی به‌همراه خواهد داشت.» وی ادامه داد: «فعلا وایله به سعید پیشنهاد تمدید داده است، اما چون تازه فصل نقل و انتقالات در اروپا شروع شده به همین دلیل به این سرعت نمی‌توان درباره وضعیت آینده سعید از الان با قطعیت صحبت کرد، اما برخی تیم‌ها پیشنهاداتی داده و دنبال کارهای او هستند و باید حوصله کرد تا اتفاقات خوبی برایش بیفتد. البته سعید از تیم‌های انگلیسی و آلمانی هم پیشنهاد دارد. همه این تیم‌ها دوست دارند سعید را داشته باشند اما یک مقدار بحث مالی مطرح است که باشگاه دانمارکی دندان‌گردی می‌کند و کارهای ما را به هم ریخته است. در غیر این صورت اگر سعید آزاد بود مطمئن بودم الان در یکی از این لیگ‌های مطرح اروپایی بازی می‌کرد، چون با وایله هنوز قرارداد دارد باید صبر کنیم و ببینیم تکلیف سعید با این تیم به کجا می‌انجامد.» پدر سعید عزت‌اللهی یادآور شد: «فوتبال همین است. در اروپا برعکس فوتبال ایران که توجهی به نوع قرارداد و کیفیت بازیکن ندارند و بازیکنان جوان هر سال در یک تیم بازی می‌کنند و تعهد و توجهی به کیفیت ندارند، اما آنجا بازیکن تا روز آخر مورد توجه باشگاهش قرار دارد و باشگاه‌ها سعی می‌کنند از قابلیت‌ها و کیفیت بازیکنان خود به هر شکلی بهره‌مند شوند.

هستیم و بعد از عمل جراحی هم حالش را جویا شدم.

داستان استوری مشترک قبل از دیدار با ازبکستان چه بود؟

قبل از بازی در یک استوری مشترک نوشته بودیم متحد



محمدرضا حاجی عبدالرزاق

خبرنگار گروه ورزش

از مدت‌ها قبل و از همان وقتی که در خارج از مرزهای ایران نام خود را بر سر زبان‌ها انداخت، خیلی زود به پیراهن تیم ملی رسیده و از همان زمان هر ساله نام وی به‌عنوان یکی از بمب‌های نقل و انتقالاتی فوتبال ایران مطرح شده است. این در حالی است که سعید عزت‌اللهی هافبک قدر اما خوش اخلاق تیم ملی و وایله دانمارک تا سال‌های گذشته قصد بازگشت به فوتبال ایران را نداشته، اما حالا که صحبت‌های جدی‌تری برای حضورش در تیم‌های معتبر و پرتغذیر فوتبال ایران مطرح شده و به سبب اینکه نیم‌فصل دیگر با این باشگاه دانمارکی قرارداد دارد، با مانعی جدی مواجه شده است. هرچند به‌قول پدرش، این باشگاه هم حاضر نیست به همین سادگی سعید را از دست بدهد. این بازیکن در آخرین بازی تیم ملی با شکسته شدن سرش و با وضعیتی نامناسب اما باغیرت تا ثانیه آخر دیدار با ازبکستان، تیم ملی را همراهی کرده و با این تیم عنوان قهرمانی را به دست آورد. درخصوص آخرین وضعیت این بازیکن دقایقی با عزت‌اللهی به گفت‌وگو پرداختیم.

با سر شکسته تا آخرین لحظه تیم ملی را در دیدار با ازبکستان همراهی کردی. مشکلی در آن لحظات وجود نداشت؟

پیراهن تیم ملی یعنی غیرت و تعصب و فداکاری. این پیراهن بازیکنان بزرگ است که امروز به ما رسیده و باید ارزش آن را بدانیم. شرایط برای ادامه مسابقه مطلوب نبود اما نه تنها من بلکه هر کس دیگری که لباس تیم ملی را بر تن می‌کند سرباز ایران و تیم ملی محسوب شده و این وظیفه ماست که تحت هر شرایطی تیم ملی را همراهی کنیم. در این دیدار هم اگرچه با بیرونبردن خودم و سرم شکست اما خوشحالم که در نهایت جام قهرمانی این رقابت‌ها را با برتری مقابل حریف که اتفاقاً میزبان رقابت‌ها هم بود به تیم ملی ایران رسید. پیراهن تیم ملی پیراهن غیرت و جوانمردی است. همان‌طور که گفتیم این پیراهن قبل از ما تن بسیاری از بزرگان فوتبال ایران بوده و باید قردان زحمات همه این عزیزان و زحماتکشان فوتبال ایران باشیم. شاید بازی با آن وضعیت و در آن لحظات، برایم سخت بوده باشد اما بازی کردن برای مردم و برای سربلندی ایران همواره شیرین و لذتبخش است. من هم چون سرباز تیم ملی هستم وظیفه داشتم تا زمانی که کادرفنی از من بخواهد در زمین برای تیم ملی کشورم بازی و جانفشانی کنم. ما وظیفه داریم برای هر تیمی بازی می‌کنیم همه وجود خود را بگذاریم، دیگر تیم ملی که جای خود دارد؛ چراکه ما نماینده ۸۵ میلیون نفر هستیم که باید با جان و دل به میدان برویم.

بیرون‌دراهم با این برخورد راهی بیمارستان کردی تا در یک دیدار ملی دیگر این گلر با بدن‌شناسی مواجه شده باشی.

بله، متأسفانه بیرون‌دراهم دوباره بدن‌شناسی آورد و در این دیدار هم همان دقایق ابتدایی مصدوم شد. البته او مثل ترمیناتور است و هر بار که به شدت مصدوم می‌شود دوباره خودش را جمع می‌کند و دوباره با قدرت به میدان برمی‌گردد. خدا را شکر برای علیرضا هم اتفاق خیلی بدی رخ نداد و امیدوارم خیلی زود روبه‌راه شده و سلامتی‌اش را دوباره به دست بیاورد و با قدرت برگردد. ما با هم در تماس

مدرک موقت عفت زاهدفلاح فرزند علی اکبر دارای شناسنامه به شماره ۱۰۹۰۸ صادره ساوه رشته کاردانی امور اداری صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه مفقود گردیده و فاقد اعتبار است. از یابنده تقاضا می‌شود گواهینامه مذکور را به آدرس: استان مرکزی- ساوه- کیلومتر ۴ جاده نورعلیبیگ- شهرک دانشگاهی خاتم‌الانبیاء(ص) دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه به صندوق پستی ۳۶۶-۳۹۱۸۷ ارسال نماید.

مدرک فارغ‌التحصیلی اینجناب فاطمه قسیمی فیروزه فرزند مختار به شماره شناسنامه ۶۸۳ صادره از خرمشهر در مقطع کاردانی رشته تحصیلی عمران صادره از واحد دانشگاهی اهواز به شماره ۱۰۷۸۱۰۶۰۰۲۰۱ مورخ ۹۲/۰۷/۲۱ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز به نشانی جیرفت خیابان دانشجو دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت ارسال نماید.

مدرک فارغ‌التحصیلی سیداسعد شوکتی‌زاده فرزند سیدحمید به شناسنامه ۶۸۳ صادره از خرمشهر در مقطع کاردانی رشته تحصیلی عمران صادره از واحد دانشگاهی اهواز به شماره ۱۰۷۸۱۰۶۰۰۲۰۱ مورخ ۹۲/۰۷/۲۱ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز به نشانی اهواز فلکه کارگر (فرهنگشهر) خیابان کارگر جنوبی کد پستی ۶۱۳۴۹-۶۸۸۷۵ و صندوق پستی ۱۹۱۵ ارسال نماید.

برگ سبز و کارت خودرو پژو ۲۰۶ مدل ۹۷ به رنگ سفید روغنی به شماره موتور ۰۴۰۷۲۰۰۴۱۸۲۸ و به شماره شاسی ۵۶۵۴۱۴J۵EEX۳۰۳ NAAP و به شماره پلاک ۳۴-۵۷۶ ی ۶۲ به نام رقیه باوی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز خودرو سواری سیستم سمند تیپ SOREN EFV + رنگ سفید مدل ۱۴۰۱ به شماره انتظامی ایران ۹۴ / ۶۹۱ ل ۴۵ و شماره شاسی ۱۴۷H۰۶۵۹۸۶۱NAACS\HEVNF۲۳۳۰۲۰ و شماره موتور ۳۴۵۰۰۳۹۱۴۸ به مالکیت آقای مرتضی عقیلی گیاهدانی به کد ملی ۰۳۹۱۴۸۳۴۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز خودرو سواری سیستم پژو تیپ PARS XUVP رنگ سفید مدل ۱۴۰۱ به شماره انتظامی ایران ۸۴ / ۹۶۹ ل ۲۲ و شماره شاسی ۱۵EYVNH۴۵۹۸۹۵NAANA و شماره موتور ۰۳۸۵۶۷K۱۲۵K به مالکیت خانم حمیرا پرون به کد ملی ۰۵۲۱۵۵۴۶۴۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز و سند خودرو پراید ۱۱۱ مدل ۹۳ به رنگ سفید روغنی به شماره موتور ۵۱۸۴۹۷۲ و به شماره شاسی ۰E۵۷۹۳۶۲۲NAS۴۳۱۱۰ و به شماره پلاک ۱۴-۴۷۸ ل ۸۳ به نام محمد جهان آرا مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

مدرک موقت ناصر ربیعی فرزند عبدالله دارای شناسنامه به شماره ۹۶۱۰ صادره از ساوه رشته کاردانی امور زراعی صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه مفقود گردیده و فاقد اعتبار است. از یابنده تقاضا می‌شود گواهینامه مذکور را به آدرس: استان مرکزی- ساوه- کیلومتر ۴ جاده نورعلیبیگ- شهرک دانشگاهی خاتم‌الانبیاء(ص) دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه به صندوق پستی ۳۶۶-۳۹۱۸۷ ارسال نماید.

مدرک تحصیلی گواهینامه موقت پایان تحصیلات مقطع «کاردانی پیوسته» رشته «کامپیوتر» به شماره سریال «۵۷۳۸۷۶» صادره از دانشگاه آزاد اسلامی «واحد زنجان» متعلق به «محمدرضا صباغی» به شماره ملی «۰۶۲۹۴۰۰۶۲۷۰» مفقود گردیده است. از یابنده درخواست می‌شود اصل مدرک را به آدرس زنجان- بلوار دانشجو- جاده اراضی پائین‌کوه- دانشگاه آزاد اسلامی زنجان ارسال نماید.

کارت خودرو ام‌وی‌ام سواری هاج‌بیک X۳۳ مدل ۱۴۰۱ به رنگ سفید روغنی به شماره موتور ۱۲۱۷۵-۱۲۱۷۵ MVMD۴G۲۰ ANN و به شماره شاسی ۱۰۱۳۶۲۳ NATGBAYPXN و به شماره پلاک ۱۴-۲۱۱ ق ۳۵ به نام عبدالرحمن سعیدی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز و کارت خودرو پژو ۲۰۶ مدل ۹۷ به رنگ سفید روغنی به شماره موتور ۰۴۰۷۲۰۰۴۱۸۲۸ و به شماره شاسی ۵۶۵۴۱۴J۵EEX۳۰۳ NAAP و به شماره پلاک ۳۴-۵۷۶ ی ۶۲ به نام رقیه باوی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.



حمیدرضا اسکندری

خبرنگار گروه ورزش

باشگاه پرسپولیس بعد از پشت سر گذاشتن یک فصل فوق‌العاده که منجر به کسب عنوان قهرمانی در لیگ برتر و جام حذفی شد، خیلی دیر به فصل نقل و انتقالات ورد کرد و در حال حاضر هم سخت درگیر این است که تیمش را تکمیل کرده و سرخپوشان با تمامی نفرات استارت بزنند. تا یک هفته بعد از قهرمانی سرخپوشان در جام حذفی، مدیریت این باشگاه به نوعی برای ادامه کار بلا تکلیف بود تا اینکه جلسه مجمع باشگاه تشکیل و اعضا یی به ادامه کار رضا درویش دادند. بعد از این قضیه نیز نزدیک به ۱۰ روز مسئولان باشگاه پرسپولیس به دنبال این بودند که با یحیی گل محمدی جلسه گذاشته و از او برنامه‌هایش را برای شروع تمرینات و همچنین لیست ورود و خروج بگیرند. تقریباً حدود سه هفته‌زمان برد که یحیی تصمیمش را برای ماندن در پرسپولیس بگیرد و در تماسی با باشگاه لیست خریدش را اعلام کند. هر چند او مدعی شد که یک هفته قبل از آن به درویش گفته بوده که در مورد نقراتی که قراردادشان باید تمدید شود، اقدام کند. در هر صورت پرسپولیس برخلاف سال گذشته که دو هفته مانده به پایان فصل مذاکرات خود را با بازیکنان مدنظرش انجام داده بود، برای این فصل زمان زیادی را از دست داد تاحدی که یحیی مجبور شد دو روز دیرتر تمرینات تیمش را آغاز کند و هنوز هم مشخص نیست که این تیم چه زمانی با تمامی نفراتش استارت خواهد زد. ضمن اینکه اگر قرار باشد سرخپوشان بدون چند بازیکن اصلی استارت بزنند آن وقت است که باید منتظر واکنش یحیی باشیم.

مذاکره نمایشی برای کم کردن فشارها

با شرایط پیش آمده در پرسپولیس طبیعی است که هواداران این تیم نگران آینده تیم‌شان باشند. از همین رو در دو سه روز اخیر هواداران این تیم در فضای مجازی انتقادات زیادی را متوجه باشگاه‌شان کرده‌اند که چرانوز نتوانسته‌اند قرارداد بازیکنان آزاد را تمدید و برای جذب بازیکنان جدید اقدام کنند. در این میان شاید یک مذاکره نمایشی با شهباب زاهدی که تحت قرارداد باشگاه زوربا لوهانسک است، می‌توانست تا حدی فشارها را کم کند. بازیکنی که پیش از این مدعی شده بود باشگاه او کرآینی برای رضایت‌نامه او سه میلیون دلار قیمت گذاشته است و قاعدتا در چنین شرایطی پرسپولیس توان خرید او را نخواهد داشت. با قوانین جدید سازمان لیگ هم جذب زاهدی به صورت قرضی برای پرسپولیس و هیچ تیم ایرانی ممکن نیست.

قطع امید از مغالطو

برخلاف آنچه در برخی رسانه‌ها و کانال‌های خبری عنوان شده، شهربار مغالطو هیچ بند فسخی در قراردادش ندارد و یک فصل دیگر تحت قرارداد باشگاه سپاهان است. با توجه به همین مساله باشگاه پرسپولیس هیچ درخواست رسمی‌ای برای جذب این بازیکن به باشگاه اصفهانی

ارائه نداده؛ چراکه مسئولان این باشگاه اطمینان دارند که سپاهان حاضر به از دست دادن مهاجم گلزن خود نیست.

یحیی فکر این روزها را کرده بود

یحیی گل محمدی برای اینکه یک تیم کامل و در حد رقابت با تیم‌های قدر آسبایی داشته باشد، از درویش خواسته ضمن حفظ همه نفرات مدنظرش، مقدمات حضور بازیکنانی چون محمدحسین کنعانی زادگان، سعید عزت‌اللهی، شهربار مغالطو و شهاب زاهدی را در تیمش فراهم کند. در این میان فقط کنعانی‌زادگان بازیکن آزاد است و درویش نیز برای جذب او اقدام کرد اما بقیه نقرات تحت قرارداد باشگاه خود هستند و طبیعتاً جذب آنها برای پرسپولیس ممکن نیست. موضوعی که یحیی گل محمدی بر آن اشراف داشته و دارد. با توجه به همین مساله یحیی قصد دارد پلن دیگری را برای باشگاهش در نظر بگیرد. این یعنی اینکه زمانش رسیده و او به باشگاه اعلام کند در پست‌هایی که نتوانستند بازیکنان مدنظرش را جذب کنند بازیکن خارجی جذب شود. از قرار معلوم در یکی دو روز آینده باید منتظر معرفی چند گزینه خارجی از سوی یحیی به باشگاه پرسپولیس باشیم. نقرات خوب و گران قیمتی که حاضر باشند با قرارداد غیر دلاری و یورویی در ایران بازی کنند. قطعاً این مساله کار باشگاه پرسپولیس را در برآورده ساختن خواسته‌های یحیی سخت‌می‌کند. هر چند وظیفه پیدا کردن این بازیکنان از قرار معلوم برعهده خود یحیی و ایجنت‌های مورد اعتمادش خواهد بود.

پریزایی جهت ماندنی نشد

شاید برای خیلی‌ها از جمله مدیران باشگاه پرسپولیس هم

ورزش



از حضور نمایشی مهاجم سابق تابدقولی برخی بازیکنان

صبر یحیی لبریز می‌شود؟

عجیب بود که یحیی گل محمدی خواستار ماندن لئاندرو پریزادر تیمش شد. به هر حال این بازیکن انتخاب خود یحیی بود و به اصرار او بود که درویش قرارداد یک سال و نیمه با این برزیلی امضا کرد. در چنین شرایطی اگر قرار بود باشگاه پرسپولیس پریز را کنار بگذارد باید رقم سنگینی را برای جلب رضایت وی پرداخت می‌کرد و در آن صورت شرایط پرسپولیس برای خرید مهاجم خارجی دیگر خیلی سخت می‌شد. در همین راستا یحیی ترجیح داد پریز را در تیمش حفظ کند اما برای جانشینی شیخ دیاباته یک مهاجم خارجی دیگر بیاورد.

دلخوری درویش از برخی بازیکنان

برخی از بازیکنان پرسپولیس برای تمدید قرارداد با این باشگاه با رقم‌های سنگینی را درخواست می‌کنند یا اینکه برای مذاکره مستقیم بدقولی می‌کنند. این مسائل باعث شده که کار مدیریت باشگاه پرسپولیس برای تمدید قرارداد با برخی از نقرات خیلی سخت شود. در حال حاضر درویش ترجیح می‌دهد مقابل خواسته‌های عجیب برخی بازیکنان عقب‌نشینی کند و باید دید در این مورد در روزهای آتی چه اتفاقاتی رخ می‌دهد. با شرایط موجود بعید است که تکلیف همه بازیکنان آزاد پرسپولیس تا قبل از استارت تمرینات این تیم مشخص شود.

مربیان خارجی پرسپولیس تا آخر هفته در ایران

باشگاه پرسپولیس به درخواست یحیی گل محمدی به دنبال این است تا مقدمات بازگشت مربیان خارجی‌اش به ایران را فراهم کند. اگر اتفاق خاصی رخ ندهد آنها تا

فوتبال ایران

farhikhteganonline



فرهیختگان

WWW.FDN.IR

فوتبال ایران

مربیان تیم ملی شاک‌ی از وضعیت نامشخص خود

قلعه‌نویی از دستیارانش حمایت نمی‌کند؟

از معرفی امیر قلعه‌نویی به‌عنوان سرمربی تیم ملی بیش از سه‌ماه گذشته است و در این مدت تیم ملی ۵ بازی دوستانه نیز در دو ففادی انجام داده است. در تمام این مدت دستیاران امیر قلعه‌نویی بدون هیچ قراردادی و یک ریال دریافتی در کنار او مشغول به کار بوده‌اند و فدراسیون فوتبال نیز تا الان به خودش زحمت عقد قرارداد با این مربیان رانداده است. اتفاقی که دلخوری شدید دستیاران قلعه‌نویی را به همراه داشته‌و آنها بیشتر از این ناراحتند که سرمربی تیم ملی اقدامی در این مورد انجام نداده است. به‌طور قطع اگر فردی مثل کارلوس کی‌روش هدایت تیم ملی را برعهده داشت به این راحتی اجازه نمی‌داد که دستیارانش سه‌ماه بدون قرارداد در کنارش مشغول به کار شوند و در مقابل این بی‌توجهی فدراسیون واکنش تندی نشان می‌داد. اما از قرار معلوم انتخاب امیر قلعه‌نویی به‌عنوان سرمربی تیم ملی این حسن را برای فدراسیون فوتبال داشته که حتی با دستیاران او که تعدادشان هم کم نیست فعلاً قراردادی امضا نکنند. اینکه حالا این وضعیت تا چه زمانی ادامه پیدا خواهد کرد مشخص نیست اما قدر مسلم اگر پیشنهاده‌ی به‌هر یک از دستیاران قلعه‌نویی از سوی باشگاهی مطرح شود احتمالاً آنها برای جدایی از تیم ملی معطل نخواهند کرد.

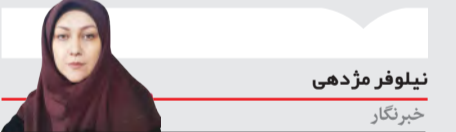
استقلال برای گلر تیم ملی امید نامه زد؛ تراکتور رقیب آبی‌ها

باشگاه هوادار: خالدآبادی را

مفت نمی‌فروشیم

تیم فوتبال استقلال درحالی از روز چهارشنبه هفته جاری استارت خود را برای فصل جدید خواهدزد که همچنان تکلیف کادربازیکنان این تیم مشخص نشده‌وتلاش‌های نکونام و کادرش برای بستن نسبی این تیم تا قبل از آغاز شروع تمرینات رسمی این تیم همچنان ادامه دارد. درخصوص خط دفاعی استقلال طی روزهای گذشته به تفسیر صحبت کرده‌از حضور بازیکنانی مانندعارف‌آغاسی واحتمالاًآرمین سهرابیان در کنار سایر آبی‌پوشانی که فصل گذشته این تیم را در این منطقه از زمین همراهی کردند خبر دادیم. با این حال هنوز تکلیف نکونام با دروازه‌بان تیمش روشن نشده و همچنان وضعیت آبی‌هاربا ی فصل بعدی در این منطقه از زمین در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. در این خصوص نیز طی روزهای گذشته از تمایل نکونام برای حضور دروازه‌بان خارجی خبر داده و این طور مطرح کردیم؛ در صورتی که بازیکن مناسب خارجی در این‌پست در مارکت برای استقلال وجود نداشته باشد این سرمربی احتمالاً همچنان به حسینی فکر خواهد کرد. این درحالی است که شایعاتی هم درباره حضور اخباری در استقلال منتشر شده بود که گویا این دروازه‌بان ادامه مسیر فعالیت خود را در گل گهر تعریف کرده است. همه اینها درحالی هستند که نکونام برای گزینه دوم خود محمدرضا خالدآبادی، دروازه‌بان تیم ملی امید را در نظر گرفته است. در این خصوص در «فرهیختگان» مطرح کرد بودیم با توجه به اینکه علیرضا رضایی از لیست امیدها خارج شده و لیست بزرگسالان را بر می‌کند به احتمال زیاد از استقلال جدا شده و راهی تیمی دیگری خواهد شد تا گلر دوم آبی‌ها یک بازیکن در رده سنی امید باشد. بر همین اساس و طبق شنیده‌ها باشگاه استقلال طی روزهای گذشته برای خرید خالدآبادی به باشگاه هوادار نامه‌ای ارسال کرده و خواستار جذب این بازیکن شده است. در این خصوص شنیده‌می‌شود باشگاه تراکتور نیز به صورت شفاهی درخواست خود را برای جذب این گلر ملی پوش که یک سال دیگر قرارداد دارد به هوادار مطرح کرده است. مسئولان باشگاه هوادار هم در پاسخ به هر دو باشگاه اعلام کرده‌اند که آنها باید رقم پیشنهادی خود را مطرح کنند تا تصمیم‌گیری نهایی را به عمل بیاورند. هواداری‌ها اعلام کرده‌اند این بازیکن را با رقم پایین از دست نمی‌دهند. مذاکرات طرفین هنوز به اعلام رقم نرسیده اما با توجه به روند موجود به نظر می‌رسد استقلال‌ی‌ها سفت و سخت‌تر پیگیر حضور خالدآبادی در این باشگاه هستند.

گفت‌وگو



نیلوفر مؤدھی

خبرنگار

تیم فولاد خوزستان بعد از جدایی عجیب و غریب جواد نکونام با مربیان خارجی زیادی مذاکره کرد تا شاید بتواند بار دیگر روزهای خوب گذشته را با خارجی‌ها تکرار کند اما در جذب مربی تا کام ماند. در آن مقطع تلاش شد تا مربی خارجی به این باشگاه نیاید؛ چرا که هم برای ۸ بازی باقی مانده هزینه زیادی روی دست باشگاه می‌گذاشت و هم چون شناختی از این تیم نداشت نمی‌توانست کاری از پیش ببرد. در نتیجه با وجود علاقه هیات مدیره این باشگاه به مربی خارجی، منصوریان روی نیمکت نشست.

این مربی از همان ابتدا با توجه به کارنامه چند سال اخیرش مسود انتقاد قرار گرفت. هواداران به خاطر خاطرات بدی که از منصوریان داشتند با او مخالفت کردند. مدیران بر این باور بودند که مرور زمان همه چیز را تغییر می‌دهد و هواداران با یکی دو برد شروع به حمایت می‌کنند. با این حال نه منصوریان موفق بود و نه هواداران در پیروزی‌ها از این مربی حمایت کردند. تا جایی که چالش برکناری این مربی از فولاد به یکی از بزرگ‌ترین خواسته‌های هواداران فولاد تبدیل شد و هشتگ نه به این مربی در فضای مجازی بسیار مورد استفاده قرار گرفت.

در شرایطی که فولادی‌ها با این حجم از نخواستن منصوریان رویه‌رو شدند مذاکرات دیگری را با مربیان خارجی آغاز کردند. حتی برنامه‌ای از منصوریان نخواستند و لیست بازیکنان فصل بعد او را بررسی نکردند. به نظر می‌رسید این رویه به معنی جدایی منصوریان است اما ناگهان و در شرایطی که همه چیز به نسوسی انتخاب مربی خارجی مطابق با خواست هواداران پیش می‌رفت ناگهان منصوریان ابقا و از سوی باشگاه به‌عنوان سرمربی انتخاب شد. بعد از اعلام رسمی باشگاه فولاد موج انتقادات به این باشگاه سرازیر شد و حتی برخی منصوریان را به شدت تهدید کردند. به نظر نمی‌رسد هواداران عصبانی این تیم از تصمیم مدیران باشگاه فولاد به این راحتی‌ها بگذرند. از این رو این انتخاب می‌تواند عواقب بدی داشته باشد؛ چرا که فولاد این فصل حامی نخواهد داشت و بعید است هوادارانی که چند ماه خواهان جدایی این مربی بودند حالا به حمایت از او روی بیاورند.

افشین حاجی‌پور در گفت‌وگو با «فرهیختگان»: فولاد آنقدر پول دارد که نیازی به فروش بازیکن نداشته باشد

این تیم فولاد تهران است نه خوزستان

■ هر سال کاری می‌کنند فصل تمام نشده مربی استقلال فرار کند

را به خوبی می‌شناسم و از همه چیز باخبرم. می‌دانم که اگر هواداران او را نخوانند، ادامه این همکاری عواقب بدی خواهد داشت. از این رو منصوریان اول باید دل هواداران را به دست بیاورد. منصوریان، آدم نایزندی نیست و قطعاً برای پول نیامده است و هدف فوتبالی دارد. او یا باید زمینه بازگشت نزد هواداران را فراهم می‌کرد یا از نظر من اصرار او به ادامه همکاری با فولاد اشتباه بود. هواداران به این راحتی او را رها نمی‌کنند. از طرفی منصوریان اگر فکر کرده می‌تواند ناگامی‌های خود را در فولاد جبران کند در اشتباه است چون فولاد نیاز به تغییر دارد و باید از نو ساخته شود. این بازسازی یک فصل زمان می‌برد. منصوریان یا هر مربی دیگری نمی‌توانند با وجود تغییر، به این سرعت کاری برای فولاد انجام دهد. پس اگر فکر می‌کنند در فصل پیش‌رو می‌توانند با نتایجش هواداران را نرم کند باید بداند که کار سختی در پیش دارد. برای منصوریان آرزوی موفقیت می‌کنم و از خدا می‌خواهم اتفاق بدی رخ ندهد.»

چه کسی حکم ابقای منصوریان را داد؟

شنیده‌ها، از تلاش‌های منصوریان در یک ماه اخیر برای ابقا در تیم فولاد حکایت دارد. حتی برخی رسانه‌ها از تلاش‌های پشت پرده نوشتند و این شایعه به وجود آمد که شرکتی که تحت حمایت حمیدرضا شعبانی از سهامداران مجتمع فولاد است در ابقای منصوریان و حتی احتمالاً مدیرعاملی شعبانی تاثیرگذار بوده است. کارشناس فوتبال و بازیکن سابق تیم فولاد در این مورد به ما گفت: «فولاد یک مجتمع تجاری است. شاید من و شما بدانیم اما هواداران خبر ندارند در این نگاه‌های تجاری چه اتفاقات پشت پرده‌ای رخ می‌دهد تا یک تغییر در این تیم به واسطه شرکت فولاد رخ دهد. بدون شک یک‌سری تصمیمات غیر فوتبالی در این انتخاب‌ها



سوپر جام بود. من می‌دانم در دل این هواداران چه می‌گذرد اما نمی‌توانم آن را تشریح کنم.»

با مخالفت هواداران چه می‌کنید؟

با حضور دوباره منصوریان واکنش‌های تندی را از هواداران فولاد شاهد بودیم و حتی این مربی تهدیدهای خطرناکی شد. تا جایی که نگرانی زیادی حتی برای سلامتی منصوریان به وجود آمد. همبازی سابق منصوریان در این مورد به ما گفت: «اگر من جای منصوریان بودم نه تنها به این تیم نمی‌آمدم بلکه صد سال هم منتظر نمی‌ماندم تا مرا به خدمت بگیرند. من خوزستانی هستم و سال‌ها برای فولاد بازی کرده‌ام. جو

دخیل است. شاید بهتر باشد اسمش را فولاد تهران بگذاریم؛

چرا که تصمیمات این تیم در تهران گرفته می‌شود. نه در فولاد بلکه در همه باشگاه‌ها تقریباً به همین شکل شده و از بالا می‌گویند که چه اتفاقی رخ دهد. فولاد بیشترها مشکل مالی داشت اما تا جایی که می‌دانم مدت استی که اوضاع خوب شده است. این باشگاه حتی نیازی به فروش بازیکن برای درآمد زایی ندارد. درصد پایینی از درآمد این شرکت به ورزش می‌رسد اما همین مبلغ هم به شدت سرسام‌آور است و برای بستن تیمی قدرتمند کفایت می‌کند. این تیم همین حالا هم در دفاع، حمله و خط میانی باید بازیکن بخرد و می‌دانم که دست منصوریان برای این مهم باز است. او اگر می‌خواهد موفق شود باید این سختی‌ها را خیلی زود پشت سر بگذارد و خیلی سریع موفق شود؛ چرا که هواداران فولاد صبر نمی‌کنند و سختی کار همین جاست. هفته قبل دیدید که استقلال هم با مشکلاتی در زمینه انتخاب سرمربی و برخی محدودیت‌ها در این زمینه مواجه بود.»

خوب شد گزینه‌های دیگر سرمربی استقلال نشوند

اطهارات بازیکن سابق استقلال در اشاره به وضعیت نکونام ما را بر آن داشت تا نظر حاجی‌پور در مورد استقلال و نکونام را هم بدانیم. مخصوصاً که او به نکونام اعتماد ندارد و به خاطر اینکه فولاد را در لیگ قهرمانان آسیا رها کرد به او انتقاد دارد. وی به «فرهیختگان» گفت: «مربی استقلال دیگر مهم نیست. مهم این است که مربی در زمان مشخص انتخاب شود. چند سالی است که برخی قبل از پایان فصل شرایطی فراهم می‌کنند تا مربی استقلال خودش بگذارد و برود. نداشتن مربی، نیستن تیم و نداشتن برنامه آماده‌سازی باعث می‌شود که تیم استقلال ضعیف شود و دقیقاً از همین ناحیه ضربه می‌خورد. تا تکالیف مربی را مشخص می‌کنند نوبت بازیکنان می‌شود که با قراردادشان تمام شده یا قرضی‌اند و می‌خواهند بروند. این شرایط برای تیمی که پرچم دار ایران و آسیا بود واقعا بد است. حالا خدا را شکر که مربی انتخاب شد و خودش بازیکن جذب می‌کند. البته گزینه‌های بهتری هم می‌توانستند مربی استقلال باشند اما با توجه به گزینه‌هایی که مدیران این باشگاه برای نیمکت استقلال در نظر گرفته بودند، جواد بهترین بود و خوب شد کار به انتخاب دیگر گزینه‌ها نکشید.»

یادداشت

ملاقات با روح گمشده خودمان



هومن جعفری خبرنگار

پیرامون «تب تدلاسو» و محبوبیت جهانی اش ملاقات با روح گمشده خودمان

هومن جعفری خبرنگار

همین اول کار با هم صادق باشیم. من فقط فصل اول تدلاسو را دیدم. آن هم نه موقع پخش فصل اول. قسمت‌های اولش تازه منتشر شده بود و ملت دچار پدیده فرهنگی «تدلاسوزدگی» شده بودند. عجیب هم نبود. تلفیق فوتبال و گم‌گدی ترکیب معرکه‌ای می‌شود. مثل یک فنجان کابوچینیو طعم دار. کابوچینو به خودی خودش معرکه است چه برسد به اینکه یک «طعم دهنده» دوست داشتنی هم به آن اضافه شود. یک چیزی مثل ناینا یا کارامل. انتخابش صد البته به ذائقه شما بستگی دارد اما قهوه خورهای حرفه‌ای می‌دانند که بعضی ترکیب‌ها آنقدر معرکه می‌شود که دیگر کسی نگرانیش نباشد. تدلاسو طعم داده شده‌ای است که طراحی شده تا پسندیده شود. سریال همه چیزهایی را دارد که باید داشته باشد. یک غریبه در میان جمعی دیگر. کمی عنصر شوریدگی و جنون. اتفاقات عجیب و غریب. کلی سوال بدون جواب و بعد آشنا شدن با شخصیت کسی که با او طرفیم. با نفر اول داستان. با مرد مجنون وضعی که از آنسوی اقیانوس به این سمتش آمده تا در رشته‌ای مریگری کند که از آن چیزی نمی‌داند! بیایید کمی در مورد «تب تدلاسو» صحبت کنیم.

چرا «تدلاسو» برای مخاطب جذاب است؟

چون ما همه، درون خودمان یک تدلاسو داریم؛ فروتن، مهربان و دوست‌داشتنی. آماده برای ورود به آزمون‌های مهم. آماده برای دوست داشته شدن حتی وقتی از تو منتفرند. ما همه تدلاسو درون مان را گم کرده‌ایم. آموخته‌ایم که مخفی‌اش کنیم. جامعه و روزگار به ما آموخته‌اند که ترسو باشیم، ریسک نکنیم، برای دست یافتن به پیشرفت شغلی، از این سوی دریا به سمت دیگری نرویم. ما را ترسانده‌اند از هر چیزی که فکرش را بکنید. مثلاً از پیشرفت شغلی. از تغییر. از ایستادن بر سر چیزهایی که کدهای اخلاقی ماست. از دانا بودن می‌ترسیم و از مهربانی به غریبه‌ها می‌ترسیم. از دوست داشتن دیگران واهمه داریم. از کمک کردن پرهیز مطلق داریم. ما یاد گرفته‌ایم جواب بدی را با بدی بدهیم، نه با خوبی. و به همین خاطر است که تدلاسو را دوست داریم چون او، گمشده درون ماست. چون نمی‌ترسد. نه از ریسک کردن، نه از پیشرفت، نه از تغییر. بلد است در هر شرایطی خودش بخشد. مهربان باشد و صد البته با صبر و حوصله، جورا نسبت خودش برگرداند. بلد است با مهارت‌هایی که دارد، غافلگیرمان کند. او مردی ساده‌دل و مهربان است که می‌خواهد تیمش را به سمت موفقیت پیش برد اما حاضر نیست روی کسی پا بگذارد. حاضر نیست کسی را درهم بشکند. مردی که از موفقیت دیگران خوشحال می‌شود حتی اگر آن موفقیت به معنای شکست خودش باشد. ما با دیدن او یاد خودمان می‌افتیم یا دست کم، یاد کسی که دوست داریم باشیم. تدلاسو انسان گم شده درون ماست. مهربان، آرام، فروتن و صد البته شورید‌دل به روشی دلپذیر. او همانی است که به ما می‌آموزد این گونه نباشیم. همان که اگر شبیهش بشویم، احتمال دارد در بازی زندگی جایی را بازیم. دور بخوریم. خیانت ببینیم. بالادستی‌هایمان نتوانند موفقیت‌هایمان را ببینند. ابزار موفقیت را از دست‌مان بگیرند. دور و پری‌هایمان اگر توانستند ضربه‌ای به ما بزنند. مردم به ما بی‌اعتماد باشند و جای آنکه دست‌مان را بگیرند، منتظر زمین خوردمان باشند. او همه اینها را می‌بیند و از خودش بودن دست‌مان کشد. فکر کنیم راز موفقیت سریال همین باشد. اینکه باید خودت باشی بی‌توجه به دیگران. باکت نباشد چطور تحقیرت کنند. بدانی که تو می‌توانی برشان گردانی سمت خودت. بتوانی متقاعدشان کنی که در مورد اشتباه می‌کنند. این بزرگ‌ترین دستاورد سریال تدلاسو است. خودت باش. راحت را برو. بذریکی ات را بکار و منتظر باش تا بیایان تردید به گلزار دوستی تبدیل شود.

آگهی مناقصه عمومی

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان چهارمحال و بختیاری در نظر دارد نسبت به واگذاری انجام امور تهیه، طبخ و توزیع غذای واحدهای تابعه خود (معاونت دانشجویی فرهنگی - مرکز آموزشی درمانی آیت‌الله کاشانی شهرکرد - مرکز آموزشی درمانی هاجر(س) شهرکرد - بیمارستان ولیعصر (عج) بروجن - دانشکده علوم پزشکی بروجن - بیمارستان امام رضا(ع) اردل - بیمارستان امام جواد(ع) ناغان - بیمارستان شهدای لردگان - بیمارستان سیدالشهدا(ع) فارسان - بیمارستان سینای جونقان) را به تفکیک از طریق مناقصه عمومی یک مرحله‌ای اقدام نماید. بدینوسیله از متقاضیان واجد شرایط دعوت می‌گردد جهت دریافت اسناد مناقصه از تاریخ ۱۴۰۲/۰۴/۱۶ ساعت ۸ صبح لغایت ۱۴۰۲/۰۴/۱۵ ساعت ۱۴ به سایت www.setadiran.ir مراجعه نمایند. لازم به ذکر است مهلت اعتبار پیشنهادات از تاریخ آخرین روز تحویل و بارگذاری اسناد به مدت ۲۰ روز می‌باشد که به مدت ۲۰ روز دیگر نیز قابل تعدیل می‌باشد و مبلغ تضمین شرکت در مناقصه به تفکیک در اسناد مناقصه درج گردیده است.

شناسه آگهی ۱۵۱۸۶۶۹

آگهی مناقصه

دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان در نظر دارد تهیه پوشش استخر خاکی ذخیره آب شهرک گلخانه‌ای خود را با ورق زئولومیران (پلی اتیلن) استاندارد (۱۴ gm) به مساحت تقریبی ۲۳۰۰ مترمربع به همراه لایه محافظ از طریق مناقصه عمومی به اشخاص واجد شرایط واگذار نماید. متقاضیان ظرف مدت ۱۰ روز پس از درج آگهی فرصت دارند به امور اداری دانشگاه مراجعه یا با شماره ۰۱۷۳۲۱۳۲۹۲ تماس حاصل نمایند. دانشگاه در رد یا قبول پیشنهادها مختار بوده و هزینه درج آگهی بر عهده برنده مناقصه خواهد بود.

سرانجام بیل لازنس، تهیه‌کننده تلویزیون و خالق Scrubs، در سال ۲۰۱۷ برای کار روی یک سریال تلویزیونی براساس شخصیت استخدام شد. این سریال به کمپانی برادران وارنر تعلق دارد و شرکت تولیدی لازنس هم در آنجا مستقر است و حقوق پخش خطی سریال را کنترل می‌کند. تلویزیون یونیورسال، به‌عنوان یکی از زیرمجموعه‌های NBC هم به‌عنوان شریک غیرعامل در پروژه حضور دارد. در ۱۹ آگوست ۲۰۲۰ بود که Apple TV+ سریال را برای فصل دوم ۱۰ قسمتی تمدید کرد. بعداً تأیید شد که فصل دوم به ۱۲ قسمت افزایش یافته است. در ۲۸ اکتبر ۲۰۲۰، این سریال برای فصل سوم تمدید شد. در قسمتی از بازیابی پادکست «پزشکان جعلی، دوستان واقعی بازگ و دونالد»، لازنس نشان داد به دلیل محدود بودن زمان سودیکس پس از فصل سوم، تد لاسو احتمالاً یک «نمایش سه فصلی» خواهد بود. در ژوئن ۲۰۲۲ برت گلدشتاین، همکار سودیکس در فیلمنامه اظهار داشت که ما همچنان در حال نوشتن هستیم اما سریال پس از سه فصل به پایان می‌رسد. در مارس ۲۰۲۳، سودیکس گفت فصل سوم پایان داستانی است که می‌خواستیم بگوییم و البته اضافه کرد احتمالاتی برای اسپین‌آف وجود دارد.



آینده باشد. برخی از منابع به شباهت‌های زیادی بین شخصیت تد لاسو و تری اسمیت، سرمربی فوتبال آمریکایی اشاره کرده‌اند. او اولین آمریکایی است که مدیر و سرمربی یک باشگاه حرفه‌ای فوتبال انگلیسی شد. Apple Magazine (که ربطی به شرکت اپل ندارد) می‌نویسد که این سریال در واقع از داستان تری اسمیت، یک مربی فوتبال آمریکایی گری‌درون الهام گرفته شده است که مالکیت تیم فوتبال اتحادیه انگلیس چسترسیتی را برعهده گرفت و متعاقباً خود را به‌عنوان اولین نفر در مربیگری تیم معرفی کرد. در مارس ۲۰۲۱، بیل لازنس اعلام کرد کالاهای رسمی تد لاسو قبل از پخش فصل دوم، عرضه خواهند شد. این کالاهای از جمله پیراهن‌های فوتبال، در ژوئن ۲۰۲۱ در دسترس قرار گرفتند. در سال ۲۰۲۳، همزمان با انتشار فصل ۳، نایک طیف کاملی از کالاهای AFC Richmond از جمله پیراهن، هودی، لباس ورزشی و پیراهن تمرینی را عرضه کرد. FA Cup انگلستان یکی از قدیمی‌ترین و در عین حال یکی از مهم‌ترین مسابقات فوتبالی این کشور به‌شمار می‌رود و مسابقه فینال آن که در ورزشگاه ومبلی لندن برگزار می‌شود، مهم‌ترین بازی فصل انگلستان است. در مسابقه فینال این جام در سال گذشته تعداد زیادی از بازیگران سریال Ted Lasso برای تماشای این مسابقه دعوت شدند و در قالب نقش‌های خودشان در این مسابقه حضور پیدا کردند. پس از پایان بازی گزارشگری قصد تهیه گزارشی از حضور آنها را داشت و به هیچ وجه تعدادی از آنها را نمی‌شناخت. بازیکنان تیم ای‌ای‌اسی ریچموند نتوانستند گزارشیگر را قانع کنند که دنی روخاس یک شخصیت واقعی به‌شمار می‌رود که از مرکز برای تماشای این بازی مهم به پایتخت انگلستان آمده است و گزارشیگر این شبیه‌سازی تلویزیونی هم تحت تأثیر این حرکت قرار گرفت. آنها همچنین آهنگ مخصوص شخصیت دنی روخاس را همخوانی کردند.

تد لاسو چگونه خلق شد؟

جیسون سودیکس در ابتدا یک تایتل کاراکتر title character را در سال ۲۰۱۳ به‌عنوان بخشی از یک سری تبلیغات تلویزیونی برای برنامه NBC Sports به تصویر کشید. این شخصیت بر ساخته، قرار بود پوشش برنامه آن‌بی‌سی اسپورت از لیگ برتر را تبلیغ کند که در آن لاسو به‌عنوان سرمربی جدید تاتنهام هاتسپر F.C به تصویر کشیده شد. در حدود سال ۲۰۱۵، اولیویا وایلد، نامزد سودیکس در آن زمان به او پیشنهاد کرد که این شخصیت را بازیابی کند تا شاید در داستانی جدید، لاسو متوجه شود که باید مسیر شغلی خود را تغییر دهد. در حالی که لاسو اصلی به‌طور گسترده‌تری کمیک بود و در ضمن سودیکس او را «جنگ گرا» توصیف می‌کرد، با این حال تصمیم گرفت او را برای قرار گرفتن در قالب سریال‌های تلویزیونی دلسوترز کند و دلیل خود را برای انجام این کار در مصاحبه‌ای با گاردین در می ۲۰۲۳ توضیح داد: «این فرهنگی بود که ما در آن زندگی می‌کردیم. من خیلی فعال آنلاین نیستم اما این فضا حتی روی من هم تأثیر گذاشت. سپس شما (در این فروشگاه فرهنگی) دونالد ترامپ را دارید که از بله‌برقی پایین می‌آید. من آن زمان با خودم می‌گفتم، این احمقانه است. بعد دیدیم ترامپ، باب چه چیزی را بین مردم ما باز کرد... از اینکه مردم ما نمی‌توانند به حرف یکدیگر گوش دهند متفرد بودم. همه چیز در جامعه خیلی قطبی و دوگانه شد و فکر نمی‌کنم کار دنیا این طوری پیش برود. من به‌عنوان کسی که تازه پدر شده بود، نمی‌خواستیم به این شکاف اجتماعی چیزی اضافه کنیم. من نمی‌خواستیم این شکاف را به تصویر بکشیم.»

دیدار به وقت کاخ سفید

بازیگران این سریال، پیش از انتشار فصل سوم هم به کاخ سفید رفتند. یکی از تصاویری که در فضای مجازی بسیار دیده شده، مربوط به تویییتی از جو بایدن بود که روی دیوار اتاق بیضی شکل کلمه «believe» چسبانده شده بود. بازیگران تیم خیالی ریچموند روز بعد از انتشار این تویییت به کاخ سفید رفتند و با جو بایدن و همسرش دیدار کردند. رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا در حالی که پیراهن ریچموند را در دست دارد و همسرش جیل بایدن هم در کنار اوست، از بازیگران «تد لاسو» در اتاق بیضی شکل استقبال کردند. بنا به خبری که از این دیدار منتشر شده، بازیگران تد لاسو درباره اهمیت سلامت روان صحبت کردند. بایدن در این دیدار گفت نزدیک به ۵۰۰ میلیون دلار به ایالت‌ها کمک کرده است تا در زمینه سلامت روان اقدام کنند و از برنامه پیشگیری از خودکشی حمایت شود.

چند حاشیه از این تیم فوتبال خیالی

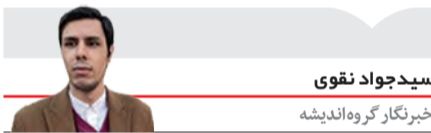
در اکتبر ۲۰۲۱، Apple TV+ به قراردادی با لیگ برتر انگلستان به ارزش ۵۰۰ هزار پوند (حدود ۶۸۲ هزار دلار) بستت تا این سریال دارای آرم‌ها، کیت‌ها و جایزه لیگ از فصل سوم شود. در ۶ مارس ۲۰۲۲، یک روز قبل از شروع فیلمبرداری فصل ۳، شرکت نایک در حساب رسمی توییتر خود عکسی از لوگوی علامت تجاری Swoosh خود را که روی کیت AFC Richmond نچنانچه شده بود منتشر کرد، به این معنی که تولید سریال با این برند به توافق رسیده است تا این شرکت به‌عنوان سازنده کیت رسمی باشگاه خیالی ریچموند در قسمت‌های

صدای نخبگان، نگاه جوانان FARHIKHTEGAN @farhikhteganonline WWW.FDN.IR روزنامه فرهیختگان



گفت‌وگو با محمد ملاحباسی درباره کتاب «برنامه فرانکلین در ایران»

بحث فرهنگی در ایران نیازمند چند لایه اندیشیدن است



سیدجواد نفیسی

خبرنگار گروه اندیشه

کتاب «برنامه فرانکلین در ایران» که چندماه قبل از نشر شیرازه توسط مهدی گنجوی به چاپ رسید، حاصل بحث تازه درباره جنگ سرد در بازه زمانی سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۶ بود. این کتاب که برای اولین بار به موضوع تاثیر برنامه‌های نشر فرانکلین در ایران می‌پردازد، به نکاتی از دل تاریخ توجه داشت که کمتر مورد تحقیق اساتید قرار گرفته است. اما آنچه بیشتر هنگام چاپ این اثر به آن توجه شده، بحثی درباره جنگ سرد و چگونگی و چرایی آن را شامل می‌شود. ظاهراً در طرح این بحث سال‌های متمادی با ساده‌انگاری روبه‌رو بوده‌ایم و این حوزه را در سطح روابط بین‌الملل و نهایت ضعف‌های فرهنگی حکومت شوروی خلاصه کرده‌ایم. اما علی‌الظاهر آنچه به شدت مغفول واقع شده فهمیدن همین عمق نظری و تئوریک جنگ سرد است، به گونه‌ای که در کشور ما تحقیقات بسیار اندکی درباره این بحث شده و درحقیقت استعاره‌ای از موقعیتی پژوهشی است؛ موقعیتی که هیچ‌گاه توجهی به عمق تحولات بنیادی جهان نداشته و سعی کرده است مسائل را روبنایی بحث کند، درحالی که ضرورت اصلی چنین تحقیقاتی به ما نشان می‌دهد، دگرگونی‌ها و تحولات جهانی به چند پارامتر ساده مربوط نیستند و سطح درگیری از لایه‌های عمیق‌تر برخوردار است؛ لایه‌هایی که بنابر دلایل مختلف، هنگام کارهای تحقیقاتی و پژوهشی به آنها بی‌توجهی می‌شود، به‌طور مثال مطالعات انقلاب اسلامی از مواردی است که سال‌های زیادی است نتوانسته‌ایم عمق نظری آن را وسعت دهیم و بخش گسترده‌ای از تحقیقات مدام به تکرار دچار شده، به همین جهت کتاب‌هایی مثل برنامه فرانکلین در ایران فتح باب گفت‌وگوهای جدی‌تر است که چرانتوانسته‌ایم در داخل توان تاریخ‌پژوهی خود را با دقت بالاتری پی بگیریم. برای آنکه بتوانیم از این بحث استفاده کنیم با محمد ملاحباسی، دانش‌آموخته جامعه‌شناسی گفت‌وگویی صورت دادیم تا در حد امکان درباره غفلت صورت گرفته واکاوی کنیم.

۱۱۱

کتاب فرانکلین در ایران- که زیرتیتری با عنوان آموزش جنگ سرد فرهنگی در خاورمیانه دارد- بیش از اینکه کتابی نظری باشد، روایتگر تاریخی است، یعنی خواننده‌ای که این کتاب را می‌خواند، طبیعتاً ممکن است آن مسأله نظری را چندان در آن نبیند، چهارچوب نظری را جزئی بیان کرده که خیلی توضیح عمیقی نیست ولی پیامی برای مخاطب دارد که پیرامون آن باید صحبت شود. واژه‌هایی همچون جنگ سرد، امپریالیسم، امپریالیسم فرهنگی و... را ظاهراً به خوبی در علوم انسانی کشور یا در وضعیت علمی کشور مورد واکاوی قرار ندادیم، یعنی به‌صورت هسته سخت، پذیرش یا عدم‌پذیرش داشتیم. این را چطور

می‌توان تبیین کرد؟ ظاهراً در راستای آنچه در همه این سال‌ها دیدیم تلنگری می‌زند ولی وقتی تاریخ را می‌خوانیم می‌بینیم امپریالیسم فرهنگی یا جنگ سرد به این سادگی نیست که ما بیان می‌کنیم. در منطق روابط بین‌الملل می‌گوییم در بازه زمانی بین شوروی و آمریکا جنگ سردی بود و دیوار برلین ریخت و شوروی فروپاشی شد ولی در لایه لای تاریخ خیلی اتفاقات می‌افتد. نهایتاً می‌گوییم تاریخ اجتماعی را بخوانیم که گرایش‌های مارکسیستی هم دارد. آن هم به نظرم شاید خیلی جاها کمک نکند. برخی جاها خیلی عبور می‌کنیم. این اتفاق را رقم می‌زند یا خیر؟

مسأله‌ای که درباره امپریالیسم یا امپریالیسم فرهنگی یا اساساً مقوله کلا امپراتوری بیان می‌کنید، مفهومی است که نه‌فقط در ساحت مطالعات فرهنگی یا جامعه‌شناسی یا مردم‌شناختی، بلکه حتی در عرصه مطالعات سیاسی و روابط بین‌الملل هم مفهومی است که عمدتاً از جانب منتقدان اصلی جریان مطالعات، با کار گرفته می‌شود. بیان خواهیم کرد، چرا امپراتوری مفهومی است که معمولاً منتقدان- کسانی که گرایش‌های چپ‌گرایانه نسبت به جریان اصلی علوم سیاسی، روابط بین‌الملل، جامعه‌شناسی دارند- این مفهوم را به کار می‌برند؟ در جریان اصلی علوم انسانی گرایش عمومی و رایجی داریم که معتقد است عصر امپراتوری‌ها به پایان رسیده است. مهم‌ترین نقطه عطف، پایان جنگ جهانی دوم بود. امپراتوری‌های استعماری مثل امپراتوری بریتانیا، امپراتوری فرانسه استعماری و همین‌طور امپراتوری‌های سنتی از میان رفتند. اگر به تقسیم‌بندی‌های تاریخ‌نگاری در آن دوره نگاه کنید، از دونوع امپراتوری نام می‌برند؛ امپراتوری جدید که امپراتوری‌های استعماری هستند و امپراتوری‌های سنتی که در قالب فتح و غلبه و کشورگشایی‌های سنتی مثل امپراتوری عثمانی هستند. با تقسیم‌بندی‌های دیگر به آن امپراتوری‌های دریایی و خشکی و بحری و بری گفته می‌شود. کاری به این تقسیم‌بندی‌ها نداریم. جنگ جهانی دوم را به‌عنوان نقطه پایان عصر امپراتوری‌ها قلمداد می‌کردند. آنهایی که می‌گفتند عصر امپراتوری باقی است، به این دلیل بود که موجودیت بسیار تاثیرگذار و مهمی به نام شوروی داریم. آنها بعد از ۱۹۸۹ که فروپاشی شوروی اتفاق افتاد به جمع دیگرانی پیوستند که می‌گفتند پدیده امپراتوری باید از عرصه تحلیل‌های سیاسی، بین‌المللی، جامعه‌شناختی کنار برود و ما الان توافق عمومی داریم، درباره اینکه واحد تحلیل در عرصه این علوم دولت-ملت است، چیزی که در روابط بین‌الملل درباره آن صحبت می‌کنیم. البته در جامعه‌شناسی چیزی است که مطابق با جامعه صحبت می‌کنیم، برای همین وقتی می‌گوییم جامعه‌شناسی ایرانی است، احساس می‌کنیم ایران، نه تنها یک برساخته ذهنی درباره جامعه ایرانی در ذهن ماست، بلکه موجودیت عینی دارد که مطابق با مرزهای دولت-ملت ایران است. بنابراین جایی برای مفهومی مثل امپراتوری نمی‌ماند. فرق چیست؟ فرق این است که وقتی کلمه‌ای یا مفهومی مثل امپراتوری را استفاده می‌کنید به مجموعه تاثیر و تاثرها، فشارها، برنامه‌ریزی‌ها و... اشاره می‌شود که ناقص فرض اولیه

دولت-ملت به‌عنوان واحدهای خودمختار و مستقل است. درواقع می‌گویید در دنیا یک‌سری دولت-ملت وجود دارد که خودمختار نیستند، چون تحت‌تاثیر متروپل‌ها یا مراکز امپراتوریایی یا منطق امپراتوریایی و... قرار دارند. این با فرض اولیه در تعریف دولت-ملت در تقابل است، بنابراین مفهوم امپراتوری چیزهایی شبیه امپراتوری است. مثل چیزی که والر اشتاین به آن نظام-جهان می‌گوید. این از سمت کسانی استفاده می‌شد که گرایش‌های چپ‌گرایانه داشتند و فرضیه کلی لیبرال-دموکراتیک نزدیک‌تر به راست‌ها دولت-ملت را زیر سوال می‌بردند و می‌گفتند با پدیده‌های بزرگ‌تری مواجه هستیم که اینها همچنان حتی اگر ظاهر امپراتوری وجود نداشته باشد، همه در منطقه دولت-ملت عمل می‌کنند و همچنان منطق امپراتوریایی دارند. مهم‌ترین و جدی‌ترین‌شان آمریکا است، بنابراین جای تعجب ندارد بسیاری از تحقیقاتی که درباره مفهوم امپریالیسم، درباره مفهوم امپریالیسم فرهنگی و اقتصادی و حتی نظامی و... از آن صحبت می‌شود، متمرکز است روی آمریکا، آن هم به‌عنوان بزرگ‌ترین و قدرتمندترین دولت-ملتی که در دنیای جدید داریم، حتی در تحقیقات جدید درباره بحث جغرافیایی هم صحبت می‌شود؛ اگر به یاد داشته باشید چندسال پیش یک کتاب خیلی مهم و پرچراوچنگال در آمریکا نوشته شد- اسمش را فراموش کرده‌ام- که نشان می‌داد تصرفات سرزمینی آمریکا یعنی تکه‌تکه زمین‌هایی که آمریکا در جای‌جای دنیا در اختیار دارد، مساحت بسیار عظیمی دارند که اگر اشتباه نکنم بزرگ‌تر از مساحت سرزمینی به‌هم‌پیوسته آمریکا است یا بزرگ‌تر از بخش گسترده‌ای از آن است. در منطق سرزمینی امپراتوری نیز آمریکا همچنان امپراتوری است. کتابی که درباره‌اش صحبت می‌کنیم، در چنین دسته‌ای از مطالعات است، یعنی مطالعاتی که اعتقاد دارند کارهایی که کشورهایی همچون آمریکا و شوروی انجام می‌دادند، اگرچه ذیل نام دولت-ملت کار می‌کردند اما معناهای فزاینده‌تری داشتند. اینها اقماری دارند، حاکمان و کشورهای دست‌نشانده‌ای دارند، پایگاه‌هایی دارند، عملیات‌های فرامرزی خیلی جدی انجام می‌دهند که ناقص حق خودمختاری دولت-ملت‌هاست. اگر این فرض کلی را درنظر بگیریم که مطالعات امپراتوری درمجموع مطالعات حاشیه‌ای علوم سیاسی و روابط بین‌الملل است، حاشیه‌ای که در این کتاب می‌بینیم حاشیه مطالعات امپراتوری است که به وجوه فرهنگی مثل فراداد، کسی مثل والر اشتاین عمدتاً به مسائل حوزه امپراتوری انجام شده در این فضاها اعم از سیاست، نظامی و روابط بین‌المللی است. مطالعات فرهنگی در حاشیه مطالعاتی است که خود نیز حاشیه‌ای است. کتاب چه چیزی می‌گوید؟ می‌گوید در دوران رقابتی که در آن جنگ مسلحانه به معنای کلاسیک کلمه میان آمریکا و شوروی، پس از جنگ جهانی دوم وجود نداشت، در بازه‌ای که اصطلاحاً جنگ سرد می‌شناسیم و از سال‌های ۱۹۴۵ تا ۱۹۶۵ است، آمریکا یک‌سری اقدامات فرهنگی انجام می‌دهد تا مردمی را که در کشورهایی زندگی می‌کردند که از نظر جغرافیایی برای اردوگاه آمریکا استراتژیک بودند، همراه

و همسو کند که ایران هم در این کشورهاست. هدف از این اقدامات این بود که هم مردم بیشتر بدانند آمریکا کجاست و هم با این کشور همراهی و همدلی کنند و هم نگاه و نظر مثبت و خوب به آمریکا داشته باشند. آمریکا در این برنامه موفق بود. ملاک ساده‌ای دارد، می‌توانید از یک دانش‌آموز و دانشجوی معمولی در ایران بپرسید چند شهر در آمریکا را نام ببرد یا چند شهر از شهرها را بشنود می‌داند اینها در آمریکا کجاست؟ تعداد زیادی شهر را می‌شناسد که در آمریکا هستند. در مقابل چند اسم شهر را می‌داند که در چین است؟ چند شهر را می‌شناسد که در روسیه است؟ خیلی بعید است بیشتر از ۵ شهر در کشورهای دیگر را نام ببرد. انتظاری هم نمی‌توان داشت، هدف اصلی این برنامه این بود که آمریکا به یک جای آشنا، مطلوب و خوب برای این مردم برسد؛ مردمی که در جاهایی زندگی می‌کنند که برای آمریکا موقعیت استراتژیک داشته‌اند. کتاب شرح می‌دهد که چه کار کردند و در کدام کشورها این برنامه اجرا شد؛ ایران، الجزایر، عراق و ۱۲ کشور را نام می‌برد که در آنها برنامه فرانکلین اجرا شد که موفق‌ترین‌شان ایران بود. ماهیت کتاب همان‌طور که بیان کردید توصیفی-تاریخی است و شرح اتفاقات را بیان می‌کند. به اسناد مختلف استناد می‌کند تا نشان دهد سازوکار این برنامه چطور پیش‌رفت و به چه موفقیت‌های رسید و به کجا انجامید.

به‌عنوان دانش‌آموخته علوم انسانی وقتی داخل کشور بحث دوره پهلوی یا مطالعات انقلاب‌ها می‌شود، شاید تا الان یکی، دو نمونه کتاب درباره جنگ سرد آن دوره به سبک این کتاب نوشته شده است. تمام آن چیزی که در کتاب مطرح می‌شود، این است که شاه آمد و مدرنیزاسیونی شکل داد که افراطی، تند و آمرانه بود و سرانجام شکست خورد. وقتی کتاب را مطالعه می‌کنیم، می‌بینیم این مدرنیزاسیون به این کتاب‌های فرانکلین ربط داشته است اما هیچ‌گاه شما نمی‌بینید. کتاب‌هایی که در حوزه دانش عمومی به تعداد وسیعی ترجمه شده، آن مقطع عصر پوزیتیویست‌ها بوده و خیلی کمک کرده که آمریکا بیش از شوروی دیده شود و اتفاقاً کشوری که می‌خواهد آمریکا باشد و رویای آمریکایی که بخواهد شکل گیرد باید این کارها را انجام دهد، بنابراین این مدرنیزاسیون آنقدر تشن فرانکلین بوده که اسنادی موجود است و نشان می‌دهد حتی در مدارس ما و سپاه دانش‌مان نفوذ داشته است. امروز وقتی درباره علوم انسانی داخل کشور صحبت و درباره مطالعات انقلاب اسلامی بحث می‌کنیم، اصلاً این را نمی‌بینیم. این خیلی عجیب است. این نمونه می‌تواند نمونه‌های دیگری هم داشته باشد که بدان توجه نمی‌کنیم.

همان‌طور که بیان کردم با ارجاع به صحبت قبلی در مطالعات مربوط به ایران مخصوصاً در مطالعاتی که پژوهشگران ایرانی ساکن در ایران، یعنی کسانی که در دانشگاه‌های ایران تدریس می‌کنند و به زبان فارسی می‌نویسند و با انتشارات ایرانی کتاب خود را به چاپ می‌رسانند، به‌طورکلی به ضعفی خیلی جدی، چه از نظر تاریخی، چه از نظر تحلیلی برای درنظر گرفتن بقیه جهان

دچار هستیم، یعنی مطالعات تاریخی ما عمدتاً متمرکز بر افرادی هستند که در داخل ایران وجود دارند، خیلی از مطالعات مبتنی بر اسنادی هستند که در ایران هم دسترسی کامل بدان ندارند و در قالب مجموعه‌های گزیده‌ای هستند که به‌صورت چند مرکزی به انتشار اسناد می‌پردازند. روال کار تاریخی در ایران خیلی جزیره‌ای است و اگر این اتفاق افتاده باشد، برآمده از تمکن مالی خود محقق است، یعنی دستگاه پژوهشی یا نهاد علمی را نمی‌بینید که بتواند محقق تاریخی را حمایت کند تا به اسناد روسیه، عثمانی، جهان عرب و دیگر کشورها دسترسی داشته باشد و مجموعه اسناد مختلف را گرد هم بیاورد و ماجراها را در قالب بین‌المللی خود و گسترده‌تر از ایران ببیند. بنابراین مسأله همان‌طور که شما بیان کردید، جدی است. مطالعاتی که درباره انقلاب اسلامی در ایران می‌بینیم، خیلی محدود به آن چیزی است که از خود می‌بینیم، کارهایی که مردم انجام داده‌اند. در آن حیطه هم از جنس پژوهش‌های تاریخی خیلی عقب افتاده‌ایم که دلایل مختلف دارد. در داخل جامعه، کار تاریخی درباره انقلاب اسلامی آنقدر به سطح پایین رسیده که محدود به تاریخ شفاهی شده است و اینکه از افرادی که خود در فرآیند انقلابی کاری انجام داده‌اند، مصاحبه بگیریم و آنها را بسته‌بندی کنیم و به‌عنوان کار تحلیلی یا تحقیقی درباره انقلاب اسلامی منتشر کنیم، این با معیارهای تحقیقی فاصله زیادی دارد. بخشی از این امر ناشی از ضعف تحلیل‌های تاریخی است. چیزهای دیگری هم در این موضوع دخیل بوده‌اند، مثل اینکه گرایشی در میان کسانی که علاقه نظری و علقه‌های اعتقادی زیادی به انقلاب دارند، وجود دارد که انقلاب اسلامی ما چیزی یگانه و استثنائی و منحصر‌به‌فرد است که هیچ‌کسی غیر از انقلابیون خالص و معتقد نمی‌تواند بفهمد. اگر بخواهیم تفهیم انقلاب اسلامی چه ذات و ماهیتی داشته است، نه‌تنها نمی‌توانیم به دیگران رجوع کنیم، بلکه احتمالاً به خیلی از ایرانی‌هایی که درگیر آن بوده‌اند نمی‌توانیم رجوع کنیم، چون به اندازه کافی انقلابیون معتقدی نبوده‌اند. اینها گرایش‌های مختلفی است که به پژوهش‌هایی که حول انقلاب اسلامی در ایران شکل گرفت، آسیب زده‌اند، اما درمجموع موافقم چنین تحلیل‌هایی را کم و استثنائی داریم و آن مواردی که به دست ما می‌رسد، معمولاً ترجمه کتاب‌های خارجی است، یعنی از پژوهشگرانی که در ایران کار پژوهشی انجام می‌دهند به‌ندرت چنین سبک کارهایی می‌بینیم.

در جایی از کتاب، گزارشی از ساواک در سال ۱۳۳۵ که سه سال بعد از کودتای معروف است، آمده که یک تعداد کتاب درباره حیوانات منتشر شده که اگر در مهدکودکان توزیع شود، گرایش مارکسیستی را ترویج می‌کند و از چاپ این کتاب‌ها احساس خطر می‌کند. در نتیجه اتفاقی که می‌افتد این است که باید به این فکر باشیم که گرایش مارکسیستی وسعت پیدا نکند و شاید در آینده در مدارس خصوصی منتشر شود، چون مدارس دولتی که اجازه نمی‌دادند. از ۱۳۳۵ که چیزی در ذهن داریم؟ ۳ سال بعد از کودتاست و

آدم‌ها افسرده هستند اما یک دستگاهی، منطقی دارد که ظاهرا رژیم کنترلی یا همان چیزی که فوکو می‌گوید را انجام می‌دهد. اما ما وقتی می‌خواهیم این را مطالعه کنیم هیچ‌گاه به این فکر نمی‌کنیم که ساواک در حد مدارس و مهدکودکان و کتاب حیوانات تصرف داشته است. در فیلم‌های ما این‌طور نمایش داده نشده. فقط فرد سیبیلویی با کروات می‌آید و چهار تافش می‌دهد. این را چطور می‌توان وا‌کاوی کرد؟ مثلا گزارشی از سال ۱۳۴۰ با بعد است که می‌گوید دو سال بعد، امام کاری می‌کند که خیلی ارزش اجتماعی در آن مقطع نداشته است که بگوییم وسعتی داشته است. آنجا درباره مجلاتی که در شوروی است یا همایش‌هایی که در شوروی برگزار می‌شود، نسبت این‌را با آذر بیجان کار می‌کند که اینها روی آذربایجان تاثیر نگذارد. چنین دستگاه قوی‌ای وجود داشته و چطور ما می‌توانیم برای این دستگاه الان مساله‌مندی کنیم و بگوییم این چیزی که در فیلم‌ها نمایش می‌دهید نیست؟ کتاب فرانکلین آنقدر دقیق عمل کرده که قابل تردید نیست. فرانکلین هم ابتدا نمی‌دانسته ساواک چیست ولی به حدی خوب کار می‌کند که ساواکی که نسبت به شوروی آنچنان است را تحت تاثیر قرار می‌دهد. حتی برخی جاها ساواک و دستگاه فرانکلین با هم پیوند برقرار می‌کنند. چطور باید این‌را طرح کرد؟

آن چیزی که به ذهن من می‌رسد این است که تصویر ما از جامعه دوره پهلوی و از بخش‌های مختلف آن دوره معمولا تصویر خیلی ساده‌سازی شده و سفید و سیاه است. یک‌سری آدم بد و یک‌سری آدم خوب هستند، یک‌سری مذهبی و یک‌سری غیرمذهبی هستند. یک‌سری شاه‌دوست و یک‌سری کشمی هستند که از شاه بدشان می‌آید. همه از وقتی از شاه مکر زاده شدند، این‌طور بودند. یعنی یک‌سری در دامان خانواده مذهبی به دنیا آمدند و یک‌سری در دامان خانواده غیرمذهبی به دنیا آمدند و آن‌طور شدند. البته این تصویر فقط درباره تاریخ دوره پهلوی نیست بلکه درباره تاریخ بعد از انقلاب هم است. یعنی گرایش‌ی برای سفید و سیاه کردن و ساده‌سازی کردن روایات تاریخی وجود داشته است. در عرصه عمومی و در مخاطب عمومی، نمی‌توان انتظار داشت شیوه دیگری باشد ولی پیامدهای این ماجرا هم گاهی اوقات وارد تاریخ‌نگاری تخصصی ما شده است. البته در سطح مطالعات تاریخی که با روایت‌های تلویزیونی با روایت‌های مدارس باشد نیست و کتاب‌های تاریخی دقت بیشتر و گستره وسیع‌تری دارند و تصویر پیچیده‌تری از تاریخ ارائه می‌دهند اما همچنان این ماجرا خیلی جای کار و مانور بیشتری دارد. هرچه تصویر ما از این دوره پیچیده‌تر می‌شود، اتفاقا متوجه می‌شویم رهبری یا رتق وفتق کردن امور جامعه‌ای به بزرگی جامعه ایران و تلاقی نیروهای متفاوت در سطوح مختلف، نیازمند دستگاه پیچیده‌ای بوده است که دوران حکمرانی پهلوی که چه با آن موافق و چه مخالف باشیم، این‌را به رسمیت شناخته است و با موجودیتی پیچیده، چندسطحی، آگاه و خیلی دقیق روبه‌رو هستیم که آزمون و خطا می‌کند و از تجربیات قبلی خود چیز یاد می‌گیرد و در ارتباط با کلی اطلاعات، داده‌ها، کشورهای خارجی و... قرار دارد و درواقع با یک چیز ساده، یکدست و خیلی پیش‌یافتاده، روبه‌رو نیستیم. وقتی به مساله ساواک می‌رسیم می‌بینیم، ابعاد زیادی از این ماجرا هنوز پنهان است. یعنی درباره ساواک کلی اسناد در جای‌جای دنیا بوده که منتشر نشدن‌یاد در دسترس نبوده است و بر اساس همین اسنادی که در ایران داریم و هر روایتی که با آن روبه‌رو هستیم، می‌بینیم یک دستگاه خیلی پیچیده است و به صورت جدی و فراگیر در سطوح مختلف، با برنامه‌ریزی و دقت بوده.

وقتی می‌خواهند تاریخ را بیان کنند، نوعی تاریخ را ایجاد می‌کنند که همه ابعاد عقلایت پهلوی را بیان می‌کند ولی وقتی می‌خواهند آن را بسط دهند، سریع ساده‌سازی می‌کنند. این مساله مهمی است. یعنی در سال ۱۳۳۵ ساواک روی مهدکودک‌ها حساس است. اگر از دید جامعه‌شناسی سیاسی یا فرهنگی بخواهید آن را توصیف کنید چطور بیان می‌کنید؟ واقعا نمی‌دانم چطور باید بیان می‌شود.

فرض کنید در جلسه‌ای دعوت شدید و نظر شما را درباره اقدامات فرهنگی ساواک بپرسند و شما ۱۰ دقیقه هم بیان کنید. مثال‌ها درست است و از این موارد شاید چند موردی درباره دستگیری بیان کنید، ولی دستگیری ساواک موضوعیت اصلی نبوده است و بروز اجتماعی ندارد. مثلا جلال آل‌احمد بازداشت می‌شود، شرعیتی بازداشت می‌شود، نشنیدیم کسی به خیابان بیاید. انکار هم با این مساله موافق هستند. انکار در آن لحظه مردم سکوت کردند. اینکه توجه ساواک به بچه‌ها بوده را ما دقت نکرديم. این چطور شکل می‌گرفته است؟ این حوزه را نمی‌دانم چطور باید بحث کنم.

پس سراغ سوال دیگری برویم. با توجه به نکته‌ای که بیان کردید، دوباره می‌خواهیم درباره جنگ سرد صحبت کنیم و این کتاب هم به ما کمک می‌کند. به لحاظ تبارشناسی جنگ سرد این کتاب چقدر کمک می‌کند که بتوانیم صورت دیگری از جنگ سرد را بحث کنیم؟ صورتی که جنگ سرد کلیشه‌ای سابق نباشد. این کتاب می‌تواند درآمدی با دروازه‌ای برای ورود به دیدن دنیای فکر و اندیشه از یک منظر تازه باشد که ابعاد این ماجرا خیلی بیشتر از برنامه کتاب فرانکلین و گسترده‌تر از

ایران است. یعنی در جای‌جای کتاب به این مساله اشاره می‌کند که آمریکا در دوران جنگ سرد دو نهاد فرهنگی با هدف همسو کردن مردم با سیاست‌ها و دیدگاه‌های آمریکایی ایجاد کرد که در کشورهای جهان سوم برنامه کتاب فرانکلین بود و در کشورهای اروپایی که نزدیک‌تر به فرهنگ آمریکا بودند، کنگره آزادی فرهنگی به وجود آمد. اتفاقاتی که در کنگره آزادی فرهنگی می‌افتد و آدم‌هایی که آنجا رفت‌وآمد دارند و چیزهایی که به پایه آن وصل می‌شود، ابعاد خیلی گسترده فکری برای اروپا و حتی برای جامعه ما دارند. به‌عنوان مثال چند سال پیش یک کتاب جنجالی منتشر شد که شبیه کتاب برنامه فرانکلین در ایران بود که متمرکز بر اسناد تازه منتشرشده CIA درباره مجله «پاریس ربویو» بود. این مجله یک مجله روشنفکری خیلی مرکزی و محوری برای چند دهه در اروپاست که بسیاری از نویسندگان مشهور اروپایی و بسیاری از چهره‌های بزرگ فرهنگی اروپا آنجا می‌نوشتند و اولین نوشته‌های خود را آنجا منتشر کرده بودند. این مجله همچنان هم مجله‌ای قوی است. ازجمله اینکه کسی مثل سارتر به دلیل نوشته‌هایش در پاریس ربویو، جایزه نوبل ادبیات دریافت کرد و به‌عنوان نویسنده جهانی مهمی شمرده شد. پابلو نرودا از همین دسته‌هاست. اینها چهره‌هایی هستند که پاریس ربویو به جهان معرفی کرد. الان اسناد مشابهی شبیه اسناد فرانکلین در ایران داریم که پاریس ربویو برای سال‌های متمادی همکari نزدیک با CIA دارد؛ در بستن پرونده‌ها و درمورد اینکه چطور روی این مانور دهند. جلسات مشترک با هم برگزار می‌کردند و همفکری می‌کردند. جریان قابل توجهی از بودجه پاریس ربویو را CIA تامین می‌کرد. بسیاری از چهره‌هایی که می‌بینیم از این دسته هستند. مثال دیگر را می‌توان در ادبیات رئالیسم جادویی ببینیم که در آن حوزه محقق‌ی به نام «اچ واربا» است که روی این امر متمرکز و متخصص در این عرصه است. با اسناد به اسنادی مشابه برنامه فرانکلین درباره کنگره آزادی فرهنگی از این صحبت می‌کند که بزرگ شدن، جهانی شدن، مدل گرفتن رئالیسم جادویی و کسانی مثل گابریل گارسیمارکز جزء دستاوردهای کنگره آزادی فرهنگی بودند، چون می‌خواستند در برابر رئالیسم چپ‌گرایانه‌ای که ادبیات شوروی را ترویج می‌کرد و طرفدار آن بود یک نوع رئالیسم دیگری علم کنند یا یک بدیلی برای آن ارائه کنند و این در قالب رئالیسم تخیلی شکل گرفت. آدم‌هایی مثل مارکز، نقدهای مثبت دریافت می‌کردند و اینکه یک نویسنده‌ای از آمریکای لاتین در طی چند سال اینقدر بزرگ شود و کتاب‌های او به چند ده زبان ترجمه شود و نوبل ادبیات بگیرد و یکی از بت‌های فرهنگی دوران شود، چیزهایی نیست که صرفا براساس معیارهای زیبایی‌شناسانه انجام شده باشد. چیزهایی است که در آن برنامه‌ریزی‌های سیاسی و تقابل‌های جنگ سرد میان آمریکا و شوروی دخیل است.

یعنی کلی آدم مهم دارید. مثال دیگری بیان کنم. یک نمونه مشهور دیگری از آدم‌هایی که در کنگره آزادی فرهنگی فعال هستند، در جلسات سخنرانی می‌کنند، با اهداف آن همراهی دارند، روشنفکر فرانسوی «ریمون آرون» است که در دوره‌ای در جنگ سرد که فرانسه از نظر روشنفکری در تصرف منتقدان چپ بود، نسل آرون در میان راست‌هاست. نسل‌های زیادی از جامعه‌شناسان ایرانی با کتاب نظریات جامعه‌شناسی آرون، جامعه‌شناسی آموختند و او همچنان برای ما و بسیاری از اندیشمندان جامعه ایرانی آدم مهمی است. آرون آدمی است که در این رابطه بازی می‌کند.

من قبلا جست‌وجو کردم، بیشترین کتاب‌هایی که در منطقه خاورمیانه از روشنفکران بوده بعد از سارتر و فوکو، آرون بوده و در برخی از کشورها آرون به‌شدت وسیع‌تر است.

آرون آدم مهمی است. اگر جریان شرق‌شناسانه جدید را بخوانید، می‌فهمید، تاثیرات سیاست‌گذاری فرهنگی دوران جنگ سرد بر ایران، صرفا به انتشارات فرانکلین محدود نمی‌شود و صرفا محدود به دوران پهلوی نیست. چیزی است که در امروز نیز ادامه دارد و در چهره‌های شاخص اندیشه در ایران موثر است. البته نکته‌ای به‌عنوان تکمله اضافه کنم، اینکه وقتی یک‌آدمی در یک دوره با کنگره آزادی فرهنگی یا با اندیشکده فرانکلین کار کرده باشد یا غیره به این معنا نیست که کافی است به‌عنوان یک خائن یا دست‌نشانده آمریکا یا همکار CIA به نقطه‌ای برسیم که بگوییم باید این آدم را بایکوت کرد و کنار گذاشت و به حرف آن استناد نکرد و اهمیتی به توضیحات فرهنگی و علمی او نداد؛ مساله این است که ماجرا را در لایه‌های متفاوت و ابعاد پیچیده‌تر بتوانیم ببینیم. این تصویری که جلوی روی ما است، حذف کردن یک‌سری گزینه‌ها است؛ که چون ریمون آرون در کنگره فرهنگی آزادی بوده، پس آن‌را دنبال نمی‌کنم یا اگر می‌خوانم به این چشم می‌خوانم که ایجنت CIA این‌را نوشته است؛

اندیشه

اصلا این‌طور نیست. مساله این است که جزء خصلت‌های پیچیده امپراتوری است، منطق امپراتوری‌ای است که حضور آن مطالعات را سخت می‌کند. حضور امپراتوری‌ای که در لایه و سایه است، هم هست و هم نیست. حکمرانانی که در زیر سایه یا زیر چتر یک امپراتوری زندگی می‌کنند، هم مستقل هستند و هم نیستند. به همین خاطر وقتی شما تاثیرات فرهنگی جنگ سرد را مطالعه می‌کنید، باید متوجه این باشید که با یک منطق صفر و یک‌روبه‌رو نیستید که ریمون آرون یا دست‌نشانده CIA است یا نیست بلکه با یک تاثیر سایه‌ای و مهمم روبه‌رو هستید و این نیازمند ابزارهای سنجش پیچیده‌تر، تصویر ذهنی گسترده‌تر و چند لایه‌تر برای درک اتفاقاتی است که در عرصه فرهنگ و علوم انسانی، در جهان و ایران رخ می‌دهد.

درباره جنگ سرد در وضعیت فعلی می‌توان بحث کرد یا ایده منسوخ‌ی است؟ خانم «اسلاونکا دراکولبیچ» کتاب‌هایی دارند که کتاب اول یعنی کافه اروپا برای بازه یکی دو سال مانده به سقوط شوروی است و آرزوها و آمال مردم از نظر تخیل سیاسی را بیان می‌کند. ۳۰ سال بعد که کتاب بعدی را می‌نویسد، دیدار مجدد در کافه اروپا است و اتفاقا راهگشاست و می‌گوید خیلی چیزهایی که درباره آزادی اینجا بیان می‌کردیم بعد از ۳۰ سال فهمیدم؛ منظور اینها تعداد بستنی زیادتر است. من احساس می‌کنم این امپریالیسم‌ها، هر چند صفر تا صد نیستند یا هر کسی آن سمت رفت ما نمی‌بینیم، اتفاقی می‌خواستم بگویم ما شبیه سر مقاله‌های دهه ۶۰ نشویم ولی یک جاهایی تاثیر می‌گذارد، مثل حوادث اخیر ۱۴۰۱ برخی از آدم‌هایی که درباره ایران صحبت می‌کردند، مثال آن جاسمکی بود که با تمام احترامی که برای او قائل هستم چیزهایی که بیان می‌کرد، هیچ

ربطی به اعتراضات ما نداشت. ممکن بود صحبت‌ها در بخشی درست باشد ولی ربطی به اعتراضات ما نداشت. وقتی اینها را کنار هم می‌گذاریم می‌فهمیم این لایه در کشور ما دیده نمی‌شود یعنی باید چه کار کنیم این لایه دیده شود؟ نه به این معنا که پرونده‌سازی شود یا آدم‌ها را در حاشیه ببریم و به افراد برجسب‌هایی برنیم. اگر این لایه دیده شود یک بخش از پروژه امنیت ملی کشورهایی علی‌الخصوص کشور ما مساله مهم‌تری می‌شود و به امر امنیت ملی کمک می‌کند.

درست است. نکته مهمی است. بحث فرهنگی در ایران به‌شدت دشوار است به دلیل اینکه به دلایل مختلف، امکان چندلایه‌اندیشی و در نظر گرفتن شخصیت‌های خاکستری، دیدگاه‌های خاکستری، نه این طرفی و نه آن طرفی بودن، نه جزء این دسته و نه جزء آن دسته بودن، وجود دارد. یا اصطلاح جدیدتری که جوانان استفاده می‌کنند، وسط‌باز است. امکان ایستادن در چنین موقعیت‌های فرضی در فضای علمی و فکری ایران در سال‌های اخیر محدود شده است. این اتفاق فقط به دلیل تصمیمات و گرایش‌های فرهنگی افرادی که در این عرصه فعال هستند رخ نداده است؛ حکومت هم بخش مهمی از این امر است که چنین فضایی شکل بگیرد چون میل زیاد به بسته‌بندی کردن و چیزهایی که از نظر جریان‌شناسی و رصد فرهنگی داریم، خیلی زیاد است، یعنی جریان‌شناسی این کار را دارد که آدم‌ها را در جریان و دسته‌ای بگذارد. جدولی دارند که یک‌سری آدم‌ها را از بیرون می‌آورند و در جعبه‌های این جدول می‌گذارند تا تصویری بدهد، اینها این هستند یا آن هستند. منظرم این است که این گرایش زیادی شده است و شاید قبلا بوده ولی در سال‌های اخیر که کم‌وبیش در این فضا حضور داشته‌ام احساس می‌کردم احتمالا ایستادن در برابر این جریان و صحبت کردن از اینکه می‌شود در جایی ایستاد که یک چیزی هم هست و هم نیست، یک ارتباط یا پیوندی هم وجود دارد و هم وجود ندارد یا اتفاقاتی که می‌افتد، چند لایه است، چیزهایی نیست که در فضای علوم انسانی ایران محبوب باشد یا کار ساده‌ای باشد ولی احتمالا بهترین چیزی که می‌تواند این فضا را ایجاد کند یا استقرار ببخشد، انجام دادن یا توجه کردن به پژوهش‌ها یا صحنه‌های تاریخی این کتاب است که در چنین اتفاقاتی بازی پیچیده‌ای در عرصه اجتماعی و تاریخی در جریان است و اتفاقات این طوری از ابتدا خیلی ساده به نظر نمی‌رسد.

و جوه قابل توجهی در این کتاب وجود دارد، مثلا در کل کتاب توضیح این است که چقدر برنامه فرانکلین موفق و دقیق عمل کرد و خوب بود و چقدر توانست به اهداف برسد و توانست به فراتر از اهدافی که در نظر گرفته بود، برسد. اما آخر کتاب نویسنده نکته‌شوکه‌کننده‌ای بیان می‌کند. وقتی بخش‌های آخر کتاب را می‌خواندم این امر قابل توجه بود که نویسنده در جایی می‌گوید که برنامه کتاب فرانکلین ده‌ها سال در ایران زحمت کشید تا نگاه مردم ایران به آمریکا را مثبت کند. این برآیند جلو آمد تا به سال‌های ۵۷-۵۶ می‌رسیم و صحنه‌ای که جلوی روی ماست این است که توده‌های مردم ایرانی، عمیقا و شدیدا از آمریکا متنفر هستند. یعنی یک برنامه موفق فرهنگی در ابعاد بسیار گسترده اجرا کردید که حاصل آن برعکس آن چیزی شده که در نظر داشتید. اینکه بعد از انقلاب چه اتفاقی می‌افتد، بحث دیگری است ولی نکته‌ای که بر آن تاکید می‌کنم این است که همواره وقتی سراغ واقعیت تاریخی، اجتماعی می‌رویم و وارد بحث تعامل کارگزاران و عاملان اجتماعی با ساختار اجتماعی و اتفاقات تاریخی و صحنه داخلی و خارجی، با معرف‌های مختلفی که روی فرآیندها و نتایج کار تاثیر می‌گذارد، می‌شویم، خیلی سخت می‌توانیم به ارزیابی‌های اولیه یا تحلیل‌های اولیه درباره اینکه فلانی این‌طور است یا نیست و این کار را کنند یا نکنند برسیم و ماجرا معمولا پیچیده‌تر است. تحلیل تاریخی خوب بهترین راه‌پرای این است که در عمل چقدر عاملان اجتماعی به آن چیزهایی که می‌خواهند یا به آن کارهایی که علاقه دارند می‌رسند.

در این کتاب گفته می‌شود، کتاب‌های جیبی به‌حدی گسترش یافته بود که در سوپرمارکت هم مردم این‌را می‌خریدند. اینکه مردم می‌خریدند، یعنی برنامه خوب کار می‌کند. این صحبت وقتی مطرح می‌شود که اوج کار در دهه ۵۰ اتفاق افتاده است. چطور سه سال بعد انقلابی می‌شود که یکی از شعارهای مهم یکپارچه ایران ضدآمریکایی بودن است؟ اگر بخواهیم از نظر تاریخی وا‌کاوی کنیم چطور می‌توان چنین پارادوکسیکالی را ارزیابی کرد؟

برنامه‌های مختلفی برای فهمیدن اینکه در چنین صحنه‌هایی چه اتفاقاتی می‌افتد، مطرح می‌شود. یکی از مشهورترین شیوه‌ها برای صحبت کردن درباره چنین حوزه‌هایی (چقدر می‌توان

اسم این‌را تحلیل گذاشت نمی‌دانم) شیوه سخن گفتن درباره چنین پدیده‌هایی است. کاری که مارشال برمن در کتاب «تجربه مدرنیزته» به‌صراحت از مارکس انجام می‌دهد و می‌گوید، مدرنیزاسیون معمولا مثل یک غول چراغ جادو عمل می‌کند، یعنی وردی می‌خواند و غولی از چراغ بیرون می‌آید ولی وقتی غول بیرون می‌آید تحت فرمان کسی که از چراغ بیرون کشیده نیست و خود دست به کارهایی می‌زند که صاحب چراغ مقهور آن خواهد شد. نشات گرفته از تحلیل تاریخی مارکس و درباره این است که چگونه توسعه نیروهای تولید در سرمایه‌داری منجر به برانداختن خود سرمایه‌داری می‌شود. یعنی سرمایه‌داری چطور گوگردن خود است. در این برنامه هم این ماجرا را می‌بینیم یعنی اصلاحات ساختاری اتفاق می‌افتد و امکاناتی در اختیار آدم‌ها قرار می‌گیرد و شیوه‌های جدیدی از انتخاب و رزستن در اختیار انسان‌ها قرار می‌گیرد و عاملیت‌هایی که امکانات جدید در اختیار آنها قرار گرفته به شیوه‌های دلخواه از آن استفاده می‌کنند یعنی آن‌را برای اهداف دیگری به کار می‌گیرند. نمونه جالب و مرتبط درباره صنعت نشر در ایران، اتفاقی است که در دوره پهلوی اول پیش از این وقایع می‌افتد و چاپخانه‌ها در ایران توسعه می‌یابند و کتاب چاپی وارد بازار ایران می‌شود. اینها تحت نظارت و کنترل عمومی دولت پهلوی اول است و می‌دانیم این دولت اگر نگویم گرایش سخت‌سکولار داشت، حداقل علایق مذهبی خاصی داشت و می‌خواست آنها را به جامعه تحمیل کند. یعنی این‌طور نبود که خیلی با دینداری عامیانه‌ای که در ایران وجود داشت، سر ناسازگاری داشته باشد. اتفاقی که افتاد چه بود؟ چاپخانه‌دارها و ناشرانی که کتاب چاپ می‌کردند متوجه شدند اگر کتاب‌های دینداری روزمره و با تم دینی منتشر کنند بازار خوبی دارد و خوب می‌فروشند. بنابراین شما یک دستگاه ساختاری برای چاپ کتاب و تغییر ساختاری یک سطح تکنولوژی و تکنیک‌ها و امکانات به وجود می‌آورد که برای اهدافی است و گسترش نگاه آن، متناسب یا همراه با دولت پهلوی اول است. ولی اتفاقی که می‌افتد این است که بازار کتاب شما پر از کتاب‌هایی درباره زندگی امامان و پیامبران می‌شود و آن چیزی که می‌خواستید با آن مبارزه کنید خود را بروز می‌دهد. عرصه‌های تاریخی مملو از این تقاضات است. ساختار و امکانی به وجود می‌آید، امکانات به اهدافی که سازندگان مدنظر داشتند نمی‌رسد و با آن ناهمخوان است یعنی مردم در جهت‌های دیگری به نفع خود یا طبق علایق خود از آنها استفاده می‌کنند.

شاید نمونه داخلی آن این باشد که در بازه سال‌های ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۵ که اوج مدرنیزاسیون بود و طبق این کتاب، خیلی از کتاب‌هایی که نشر فرانکلین منتشر می‌کرد هستی‌شناسی مدرن بودند، در مدتی محدود مجله «مکتب اسلام»، ۶۰ هزار جلد فروش داشت. اخیرا روایتی می‌خواندم که می‌گفت در رزرتله طیس که در آستانه انقلاب بود و با فاصله کوتاهی از انقلاب رخ می‌هد، در هنگام آواربرداری در بسیاری از خانه‌های مردم معمولی (با توجه به اینکه شهر کوچکی بود) مجله مکتب اسلام از زیر آور درمی‌آمد یعنی بسیاری از مردم این مجله را در خانه‌های خود داشتند.

این با دستگاهی که تلاش می‌کرد مدرنیزاسیون را به‌صورت پیچیده رواج دهد تناقض دارد. اینکه چطور این امر مورد مطالعه قرار گیرد ضعف دارد. من مقالاتی دیدم که می‌گفت چون شاه مدرنیزاسیون تندی انجام داد، مردم به اسلام پناه آوردند. درحالی‌که با مطالعه کتاب مارشال متوجه می‌شویم مدرنیزاسیون آنقدر پناهگاه داشت که می‌توانست مردم را در خود جای دهد. اینکه یکباره به سمت اسلام بیایید جالب است. جمله معروفی که خود برمن می‌گوید این است که «حتما نباید در دوره مدرن به کلیسا رفت بلکه می‌توان به بازار رفت.» در پهلوی هم همین بردی است. این هم یکی از مشکلات تاریخ‌نگاری ماست که مشخص نیست چرا مردم به سمت اسلام آمدند و به سمت بازار نرفتند. کتاب بحث‌های خوبی دارد و کلی بحث‌ها دارد که می‌توان آن را ادامه داد.

اگر امروز بخواهیم به‌عنوان پژوهشگر علوم انسانی چندلایه ببندیشیم، چگونه وارد طرح بحث شویم؟ اگر در ۱۴۰۱ نندی می‌نوشتیم که خیلی مردمی و حکومتی نبود، برجسب وسط‌بازی می‌زدند. این خیلی علمی نیست. پژوهشگر ممکن است یک مطلب را از زاویه‌ای در لحظه به‌درستی بیان کند، اینها به‌درستی دیده نمی‌شود. چه کار کنیم لایه‌های درست دیده شود؟ من سیاستگذار فرهنگی نیستم ولی فکر می‌کنم نگاه کردن به ماجرا، ورای اتفاقاتی است که در ایران و زبان فارسی درحال رخ دادن است. علوم انسانی ما تحول بزرگی پیدا خواهد کرد. تحول نه به این معنا که یکباره باشد. و به سمت متفاوت‌تر بودن می‌رویم. اگر علوم انسانی ما به سرزمین‌های فرهنگی موضوعیتی فراتر از ایران بدهد و چندزبانه‌تر از زبان فارسی شود این یکی از ساختارهایی است که رسیدن به آن چندلایه دیدن را برای ما فراهم‌تر می‌کند و امکان آن را ایجاد می‌کند که ماجرا را بزرگ‌تر ببینیم. آنچه در ایران اتفاق می‌افتد و آن چیزی که تجربه می‌کنیم منحصربه‌فرد نیست. دیدن این در ابعاد بین‌المللی و اینکه کجا هستیم و بقیه که مثل ما هستند کجا هستند، چه چیزی از سر گذراندیم و بقیه چه از سر گذراندند، چه اتفاقاتی در سطحی بزرگ‌تر از ایران می‌افتد، می‌تواند کلیدی برای رسیدن به این نگاه باشد.



وقتی در سیاست گذاری از کف خیابان هم عقب‌تریم

عقب‌ماندگی واقعی از هوش مصنوعی

مردم می‌آورد. اقتصاد دنیا با توسعه هوش مصنوعی چه تغییری می‌کند. تکلیف حریم شخصی چه می‌شود. قانونگذاری‌ها چه شکل و شمایلی به خود می‌گیرند. تکلیف نیروی کار چه می‌شود و هزاران سوال دیگر که فکر نمی‌کنم چیزی جز هوش مصنوعی و بروز و ظهور آن می‌توانست این‌طور و این‌همه سوال و شسبه ایجاد کند. چند روز پیش برای مراسم کوچکی به‌منظور تقدیر از جمعی، نیازمند پوستری بودیم و طبق روال همیشه به یکی از دوستان گرافیست سفارش طراحی پوستر را دادم. او هم بر همان مدار و قرارهای قبلی چند اتود اولیه زد و برای من فرستاد، منتها یکی از اتودهای ارسالی با بقیه متفاوت بود. قبل از اینکه من سوال کنم خودش پاسخ داد که اتود و نمونه آخر طرحی است که هوش مصنوعی کشیده و الحق والانصاف چند پله‌ای جلوتر از چیزی بود که خودش طراحی کرده

بود و همین هم برای من و هم برای خودش وحشتناک بود. فکرش را کنید، در یک صفحه جت چند خطی از چیزی که آن را می‌خواهید می‌نویسید، حالا هر چیزی، مقاله، ترجمه، سوال، طراحی، عکس و … چند ثانیه بعد تقریبا با کیفیت مطلوبی همان چیزی که مطالبه کردید را تحویل می‌گیرد. همین قدر عجیب و همین قدر باورنکردنی! درست از همان چیزهایی است که اگر در گذشته کسی می‌گفت روزی روی صفحه کامپیوتری می‌نویسی مثلا نقاشی فلان چیز را می‌خواهم، چند ثانیه بعد آن را تحویل می‌گیری، کسی باور نمی‌کرد و ریشخند هم می‌زد. اما خب در حداقلی‌ترین حالت استفاده از این فناوری جدید، هوش مصنوعی کار خیلی‌ها را راه انداخته و بار از روی دوش خیلی‌ها برداشته، اما خب خیلی‌های بیشتری را هم نگران کرده، نگران اینکه هوش مصنوعی جای آنها را بگیرد و کار و بارشان را از دست

رشد ۴٫۴ تریلیون دلاری اقتصاد جهانی به کمک هوش مصنوعی

موضوعات داغ این روزها تبدیل شده و تاثیر آن بر مشاغل و کسب‌وکارهانیز از سوی تحلیلگران مختلف به بحث و تبادل نظر گذاشته شده است. برخی از آنها معتقدند این فناوری موجب بیکاری می‌شودوبرخی نیز باور دارند که این ابزار می‌تواند افزایش بهره‌وری فردی را به دنبال داشته باشد. همان باوری که بالاتر در دو مقدمه گزارش هم به آن اشاره کردیم. علاوه‌بر مک کینزی، گلدمن ساکس در گزارشی اعلام کرده‌هوش مصنوعی می‌تواندآشنفتگی واختلال دربازار کار را به دنبال داشته‌باشدودر این میان، ممکن است برخی شرکت‌ها بیش از سایرین از مزایای این فناوری نوظهور بهره‌مند شوند. همچنین یکی از پژوهشگران موسسه فناوری ماساچوست-MIT-گزارشی

اقداماتی در حوزه قانونگذاری صورت گرفته اما به مرحله تصویب و اجرا نرسیده است

تکلیف تبدیل شده و همه دستگاه‌ها مکلف به استفاده از هوش مصنوعی هستند. همه دستگاه‌های اجرایی موظف خواهند بود در سال اول اجرایی شدن برنامه هفتم توسعه برنامه‌ریزی‌های خود را برای استفاده حد اکثری از هوش مصنوعی به‌منظور ارتقای بهره‌برداری در صنایع به تصویب هیات‌وزیران برسانند که این موضوع قدم بزرگی در جهت متحول شدن صنایع و دستگاه‌ها خواهد بود. پیش از این هم مرکز نوآوری و توسعه هوش مصنوعی در پژوهشگاه ارتباطات و فناوری اطلاعات با هدف زیرنامه عملیاتی، اجرایی و نقشه راه توسعه زیرساخت‌ها و کاربردهای هوش مصنوعی، نقشه راه توسعه ملی هوش مصنوعی را تدوین کرده است. این سند در دو بخش کلی توسعه کاربردها و توانمندسازی‌ها ارائه می‌شود. در بخش توسعه کاربرد اهداف استفاده از هوش مصنوعی در حوزه‌های اولویت‌داری همچون

نسبت فاصله‌ها در هوش مصنوعی تصاعدی است

نیست که با نسبت مساوی از دنیا عقب بیفتیم؛ هرچه زمان بگذرد ما بیشتر و با بازه بزرگ‌تری عقب می‌مانیم. نقره کار، کارشناس و پژوهشگر حوزه هوش مصنوعی درباره وضعیت استفاده از فناوری هوش مصنوعی در کشورمان توضیح داد: «اگر بخواهم کشورها را دو قسمت کنم، ما لاقل در نیمه دوم هستیم. چه‌بسا حتی در چهار گروه پایینی این ماجرا باشیم، چون نتوانیم به درستی از این حوزه استفاده کنیم و زیرساخت‌های لازم را نداریم. هنوز شاخص‌ای نیست و نمی‌توانیم این را به شکل جمعیتی در نظر بگیریم. البته ممکن است بگوییم در یک رشته خوب عمل کردیم و در یک رشته دیگر ضعیف بودیم اما اگر به صورت کلی بخواهیم در نظر بگیریم، هنوز خیلی جا داریم و مناسفانه ممکن است روزبه‌روز عقب بیفتیم، اگر تحلیلگری درست نداشته باشیم، شاخص‌هایی برای تشخیص آمادگی پذیرش هوش مصنوعی در کشورها وجود دارد. در حوزه بین‌المللی یک شاخص با سه رکن دولت، اطلاعات و زیرساخت و بخش تکنولوژی وجود دارد و هرکدام از آنها به زبردسته‌های مختلف تقسیم می‌شوند. در سال ۲۰۱۹، پس از اتمام ارزیابی، کشور ما رتبه ۷۲ را به دست آورد. امتیاز ایران در آن سال معادل ۰٫۴۹ بود. رتبه اول نیز متعلق به کشور سنگاپور با امتیاز ۱٫۸۶ بود. است. در میان کشورهای خاورمیانه نیز رتبه دهم را داشتیم. براساس داده‌های جمع‌آوری شده در سال

مشکل در تفاوت اجرای هوش مصنوعی است

شاید تجربه برخی موارد را در کشور نداریم. بنابراین باید اجازه دهیم این فضا باز و استفاده شود. تا زمانی که نشست‌ها و جلسات ما بر سر این است که آیین‌نامه‌ها چند بند داشته باشد، ما به نتیجه نمی‌رسیم. الان باید بگوییم هر سازمان مجاز است در زمینه هوش مصنوعی سرمایه‌گذاری کند. در چنین موقعیتی حتی شاهد خواهیم بود با وجود تمام تحریم‌ها و مشکلاتی که وجود دارد، بخش خصوصی راهکار خود را برای ورود به این فضا پیدا می‌کند. وقتی این اتفاق افتاد با بهره‌گیری از تجربیات بخش خصوصی، محققان و پژوهشگرانی که در این حوزه فعالیت می‌کنند، می‌توانیم قوانین تسهیل‌گرایانه و حمایت‌گرایانه بنویسیم. به بخش خصوصی باید مجوز داد تا از هوش مصنوعی استفاده کند. در زمینه ورود بخش خصوصی به هوش مصنوعی نباید نظارتی داشته باشیم و شاید حتی لازم نیست مجوزی دریافت شود. شاید بهتر است بخش خصوصی بتواند کاملا از این فضا

اطلاعی از اولین باری که سخن از هوش مصنوعی به میان آمد ندارم. یعنی نمی‌دانم اولین بار چه کسی، در چه شرایطی و برای چه چیزی از این اصطلاح استفاده کرد که حالا این‌طور ترند فضای فناوری دنیا شده و همه حواس‌ها مبهوت و مهوور این پدیده شده است. البته مثل مخالفان گردی زمین، هستند کسانی که اصل هوش مصنوعی و این میزان از پیشرفت فناوری را هم انکار و آن را مقوله‌ای برای سرگرمی مردم می‌دانند، اما خب چیزی که حالا پیش‌روی ماست دنیایی جدید، فناوری‌ای خاص و وحشتی پس از فراگیری آن است. یکی از پرترکارترین سوالاتی که مدتی است با آن مواجهیم و هنوز کسی جواب دقیقی به آن نداده، این است که دنیایی بعد از توسعه هوش مصنوعی و جاگیر شدن این فناوری در شئون مختلف زندگی انسان چه شکلی است. هوش مصنوعی چه بلایی بر سر زندگی

خب اطلاعات خیلی‌ها هم مثل ما از هوش مصنوعی شاید خیلی بیشتر از اینها نباشد. یعنی ته شگفت‌زدگی و ذوق ما از ظهور و وجود این فناوری همین رتق و فتق امور جاریه و جذابی باشد که گاهی حسابی لنگ‌شان هستیم. اما خب هم می‌دانیم و هم پرواض است که همه هوش مصنوعی همین‌هایی که ما می‌دانیم و از آن توقع داریم، نیست. همین چند وقت پیش موسسه جهانی مک کینزی (McKinsey) در گزارشی مدعی شد که هوش مصنوعی مولد می‌تواند سالانه ۴٫۴ تریلیون دلار به اقتصاد جهانی اضافه کند. براساس گزارش ۶۸ صفحه‌ای این موسسه، هوش مصنوعی مولد که ابزارهایی چون ChatGPT را در خود جای داده، می‌تواند با برعهده گرفتن بسیاری از امور در آینده، موجب صرفه‌جویی ۶۰ تا ۷۰ درصدی زمان کارگران شود. این مرکز همچنین اعلام کردنیمی از مشاغل بین

همان‌طور که در انتهای پاراگراف قبلی گفتیم، یکی از اصلی‌ترین چالش‌ها در حوزه هوش مصنوعی رگولاتوری، تنظیم‌گری و قانونگذاری در این حوزه است. فناوری‌ای که به‌سرعت زیاد در حال پیشروی وفتح قلم متعددی است و به‌خودی‌خود نمی‌توان افسران آن را به سادگی در دست گرفت. اما در همین وضعیت فعلی‌اش هم حتما هستند خیلی از کشورهای دنیا که هنوز در مواجهه با هوش مصنوعی بهت‌زده‌اند و نمی‌دانند آینده مواجهه با این فناوری چیست و چه خواهد شد. ایران هم خیلی مستثنی از این قاعده‌ها نیست و طبق معمول همیشه، در حوزه سیاستگذاری و قانونگذاری برای فناوری‌های جدید، فرسوخ‌ها عقب‌تر ایستاده‌ودست‌تکان می‌دهد. سری به صفحات اینترنتی مرکز پژوهش‌های مجلس، شورای عالی فضای مجازی و… زدیم. با چند نفری از مطلعان و کارشناسان حوزه هم به گفت‌وگو نشستیم که یک مورد را ادامه می‌خوانید. با این حال چیز ندانان‌گیری عایدمان نشد. راستش را بخواهید تقریبا همه می‌دانند چیزی تحت عنوان هوش مصنوعی وجود دارد و

کیوان نقره کار، کارشناس هوش مصنوعی معتقد است برای استفاده از هوش مصنوعی باید شاخص‌های ارزیابی و رتبه‌بندی این فناوری را در کشورمان اصلاح کنیم و اجازه دهیم که بخش خصوصی با فراغ بال و بدونغدغهای مانند دسترسی محدود به اینترنت، در این حوزه فعالیت کند. نقره کار پژوهشگر حوزه هوش مصنوعی در گفت‌وگو با «فرهیختگان» عنوان کرد که ما در جهان یک تعریف کلاسیک برای هوش مصنوعی داریم که براساس توسعه و پیشرفت فناوری است: «هوش مصنوعی از نظر تعریف کلاسیک یعنی آن توانایی تصمیم‌گیری، تفکر و یادگیری انسان، که ماشین با کامپیوتر می‌تواند به آن نزدیک شده و انجام دهد.» این می‌تواند تعریف کلاسیک برای هوش مصنوعی باشد. اما تعریفی که ما در فناوری باید به آن توجه کنیم و عمدتا توجه نمی‌شود این است که هوش مصنوعی به این معناست که یک قدم جلوتر از آن چیزی هستید که دیگران در فناوری از آن استفاده می‌کنند. یعنی الان به موقعیتی دست پیدا می‌کنیم که فناوری‌های مان یک قدم از آنچه داریم جلوتر هستند وآن هم به‌واسطه زیرساخت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری است. تعریف از هوش مصنوعی می‌تواند این باشد: «بهره‌گیری از فرصت‌های پیش‌رو که الان می‌توانیم از آن استفاده کنیم.» وقتی می‌خواهیم از هوش مصنوعی استفاده کنیم به یک‌سری الزامات و زیرساخت‌ها نیاز داریم. اعم از زیرساخت‌های فنی و سخت‌افزاری و الزامات نرم‌افزاری و درنهایت افرادی که می‌خواهند استفاده تخصصی ببرند و ذی‌نفعانی که باید با این حوزه آشنا باشند.

نقره کار درباره اصلاح شاخص‌ها برای استفاده بهتر از هوش مصنوعی مساله برداشتن فیلترینگ در فضای مجازی را عنوان کرد و افزود: «فیلترینگ بسیاری از فضاهای اینترنت باید برداشته شود و باید دسترسی آزاد به فضای مجازی داشت. نکته دیگر این است که تعاملات بین‌المللی با شرکت‌ها و کشورهایی که خدمات زیرساخت‌های فناورانه دارند از گزینه‌های پیش رو برای اصلاح شاخص‌های ما در هوش مصنوعی است. به‌خصوص کشورهای پیشرو در حوزه هوش مصنوعی. نه‌تنها صرفا کشورهای چین و بلوک شرق، بلکه کشورهای غربی را هم باید در نظر داشت. در سطح کلان اگر بتوانیم به تجارت جهانی اضافه شویم نکته بسیار مهمی است. در سطح داخلی و مدیریت داخلی باید نظارت‌ها را بازبینی کنیم. یعنی اجازه دهیم شرکت‌ها و اشخاص دسترسی راحت به فناوری داشته باشند و کار خود را انجام دهند و اگر مشکلی داشتند با آنها برخورد شود. این‌طور نباشد که شرکت‌هایی که باید از این فناوری‌ها استفاده کنند؛ مجبور باشند ده‌ها مجوز بگیرند و مجوزها همخوانی نداشته باشند. بلکه باید دست آنها را در استفاده از

مدیرمسئول: محمد امین ایمانجانی - **سردبیر:** مسعود فروغی

تلفن و فکس: ۰۲۱) ۷۲۹۹۹۴۹۵ - **کدپستی:** ۱۱۳۵۲۳۸۱۶

چاپ: چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی

نشانی: خیابان حافظ، پلین‌تر از جمهوری، روبروی ساختمان بورس، ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم

سلامت، حمل‌ونقل و کشاورزی، آموزش، صنعت و محیط‌زیست است. در بخش دوم توانمندسازی‌های هوش مصنوعی، تربیت نیروی انسانی متخصص، زیرساخت‌ها، استانداردها، آزادسازی داده‌ها و موضوعات حقوقی و اخلاقی هوش مصنوعی از مهم‌ترین موارد هستند. با این اوصاف همچنان به اذعان کارشناسان ما هنوز در این حوزه فعال عمل نکرده‌ایم و عقبیم. در همین رابطه مجتبی توانگر، رئیس کمیته اقتصاد دیجیتال مجلس شورای اسلامی همین چندرروز پیش اظهار کرد: «متاسفانه ما تجربه‌ خوبی از سندنویسی در برنامه‌های توسعه گذشته‌و همچنین تدوین بودجه نداریم. پیش‌نیاز هرگونه قانون‌گذاری در حوزه هوش مصنوعی، ساماندهی موضوع داده‌وحرم خصوصی در کشور است ودر این زمینه نیز اقداماتی از سال‌های گذشته از طرف دولت و مجلس شورای اسلامی آغاز شده که هنوز به مرحله تصویب و اجرا نرسیده است. همچنین در حوزه داده و هوش مصنوعی علاوه‌بر دولت و مجلس، نیازمند تسهیل مسیر فعالیت بخش خصوصی نیز هستیم.»

۲۰۲۰ نیز کشور ما با سه پله سقوط به رتبه ۷۵ رسید و مجموع امتیاز ۸۹۴٫۴۲ را داشته‌است. این شاخص‌های مورد ارزیابی براساس شاخص‌های زیرساختی فناوری اطلاعات کشورها است. ما الان در سرعت اینترنت، ارائه خدمات کیفیت اینترنت کجا هستیم؟ تقریبا در رتبه‌های ۸۰-۷۰ در جهان قرار داریم. در ارائه خدمات دولت الکترونیک چندم هستیم؟ تقریبا رتبه‌های ۱۰۰ جهان هستیم. اگر شاخص‌های مختلف فناوری اطلاعات کشور را دربرویم، به تبع آن می‌توانیم برای هوش مصنوعی که از اینها نشات می‌گیرد، امتیاز و رتبه‌ای در نظر بگیریم. باید همان شاخص‌های حوزه فناوری اطلاعات و میزان دسترسی به اطلاعات و… را در نظر بگیریم. توسعه فناوری در نقاط دور از مرکز و تعداد خدمات دولت الکترونیک که ارائه می‌شود و کیفیت آن، هزینه‌هایی که به مشتریان و کاربران ارائه می‌شود، هر یک از این شاخص‌ها می‌تواند شاخص فناوری اطلاعات باشد و تعداد کسب‌وکارهایی که با IT استفاده می‌کنند. یا همین فیلترینگ باعث ضرر و آسیب برای استفاده از فناوری‌های نوین مثل هوش مصنوعی است، چون عملا بخش خصوصی ما را از انجام فعالیت‌باز می‌دارد و هزینه بیشتر ایجاد می‌کند و چه‌بسا باعث ضررهایی فارغ از ضرر مالی شود و آنها را درگیر مسائل حقوقی کند. ترس ایجاد کند و شهامت کسب‌وکار و کار اقتصادی را بگیرد و ده‌ها موضوع دیگر که باعث می‌شود درنهایت عطای استفاده از فناوری را به لقای آن ببخشیم. پس می‌توان این شاخص را اندازه گرفت.»

استفاده کند؛ چراکه آن موقع است که من فکر می‌کنم بخش خصوصی آرامش لازم برای استفاده این حوزه را داشته باشد. شک تکنید آن وقت کار را جلوی برد و پای هزینه آن هم می‌ایستد. تحول دیجیتال در سازمان و هزینه به‌کارگیری و… را می‌پذیرد و نتیجه مطلوب هم کسب می‌شود. این به نظرم بهترین کار است که دولت در این زمینه می‌تواند انجام دهد. شرکت‌ها بتوانند ۶ تا یک‌سال از هوش مصنوعی استفاده کنند و سپس نظارت، پسینی اجرا شود و اگر مشکلی ایجاد شد که در تضاد با سطوح کلان و تضاد با امنیت بود بررسی شود. باید به این مساله برسیم که هیچ‌گاه نمی‌توان جلوی فناوری و بحث فناوری ایجاد کرد. چراکه در عصر جدید راه خود را پیدا می‌کند. اگر بخواهیم جلوی آن را بگیریم و برای آن دستورالعمل و قانون بنویسیم، باید بدانیم که فیلترینگ تاثیر ندارد و فناوری مسیر خود را پیدا می‌کند. پس چه بهتر که از فناوری حمایت کنیم و بتوانیم کاری کنیم که سازمان‌ها و مردم به‌راحتی و با فراغ‌بال از آن استفاده کنند، نه با نگرانی و دغدغه‌هایی که ما به‌عنوان دولتمردان برای آنها ایجاد می‌کنیم.»